

جاوهران باد یادی رفیق  
حسین امین جعفری

## اعلامیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بمناسبت آغاز هفتمین سال جنگ در صفحه ۲

برنامه آزمایشی  
**صدای کارگر**  
راهبوی  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
در صفحه ۳۶

یادشیدان قهرمان سازمانمان رفقا  
علی رضامدیری و حمیدزارع پور  
را گرامی بدریم

در تاریخ ۱۲ شهریور ماه ۶۵، حین  
جنگی میان ارتش عراق و اتحادیه  
میهنی کردستان (عراق)، یکی از مقرهای  
بقیه در صفحه ۵

## در آستانه دوره ای سرنوشت ساز

اینگ کشور ما یکبار دیگر در  
آستانه دوره ای سرنوشت ساز قرار  
گرفته است؛ طوفان بزرگی در حال گرد  
آمدن است. در کشوری که بحران سیاسی  
عمومی فرساینده ای اکنون ده ساله  
میشود، دوره سرنوشت ساز چه معنائی  
دارد؟ درست است که جامعه ما در طول  
ده سال گذشته بحران سیاسی عمومی  
فرساینده ای را از سر گذرانده و نتوانسته  
است حالت قرار یافته سیاسی پیدا کند  
اما در تمام این مدت، بحران سیاسی  
ابعداودا منتهیکسانی نداشته است.  
در میان درگیریهای طبقاتی متعدد و  
نسبتا محدود، رویاروئی های طبقاتی  
بزرگ و بزرگ منتهای وجود داشته که هر  
کدام در مسیر حرکت تاریخی کشور ما  
نقش تعیین کننده داشته اند. بزرگترین  
و بزرگ منته ترین جنگ طبقاتی در سال ۵۷  
به انقلاب مردم ایران منتهی شد،  
دومین رویاروئی بزرگ در نیمه دوم سال  
۵۸ صورت گرفت که خمینی توانست با  
براه انداختن ماجرای اشغال سفارت  
آمریکا آنرا به بیراهه بکشد و بخش  
وسعی از نیروهای مخالفش را از میدان  
بیرون کند؛ سومین رویاروئی بزرگ  
در اواخر سال ۵۹ و نیمه اول سال ۶۰  
صورت گرفت که در جریان آن متاسفانه  
یکبار دیگر خمینی توانست مخالفانش  
را در هم بشکند و به فضای سیاسی نسبتا  
بقیه در صفحه ۳

مبارزه خانواده های شهدا  
وزندانان سیاسی را  
سازمان دهیم!

در صفحه ۱۳

گزارش دهی بی امان رابه عنصر حیات و لاینفک فعالیت تشکیلاتی

تبدیل کنیم در صفحه ۸

ژاپن: باگام های شتابان  
بسوی میلبیتاریسم

در صفحه ۲۵

برگزاری هشتمین اجلاس  
کشورهای غیرمتهد

در صفحه ۳۳

بحران نظام پزشکی همچنان ادامه دارد

در صفحه ۱۱

پیرامون انتخابات

«شورای اسلامی شهر و روستا»

در صفحه ۱۰

زنجیره عملیات قهرمانانه پیشمرگان

بایاد و خاطره رفیق

حمید طهماسبی (کاک محمود)

- باه: در اواخر فروردین یک تراکتور منهدم شد  
و سه یاسدار سرتشین آن بهلاکت رسیدند
- به آتش کشیدن قسمتی از پایگاه گوملو  
و گشتن حداقل ۲ مزدور
- پیرانشهر: حمله به پایگاه خواب

در صفحه ۷

اخبار مبارزات کارگران  
وزحمتکششان

«فتح نزدیک»، سراب است!

در صفحه ۶



سازمان کارگران انقلابی ایران، به پیش!

## اعلامیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی

## سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بمناسبت آغاز هفتمین سال جنگ علیه جنگ و علیه رژیم جمهوری اسلامی بپا خیزیم!

کارگران، زحمتکشان، سربازان و جوانان!

هفتمین سال جنگ خانمانسوز ایران و عراق آغاز می‌گردد. اینک شش سال تمام است که این جنگ ویرانگر ادامه دارد، جنگی که از هر دو جنگ جهانی اول و دوم طولانی‌تر شده است و در ادامه خود هر دو کشور ایران و عراق را به ویرانی و کشتار و در عزا نشانداده است. بنا به برآوردهای حتی محتاطانه، این جنگ نزدیک بیک میلیون انسان را به کام مرگ کشانده و نزدیک به دو میلیون نفر زخمی و معلول داشته و بیش از ۵۰۰ میلیون دلار در درددل و کشور خسارت بسیار آورده است. بیش از نیم میلیون نفر از این کشته‌ها به ایران تعلق دارند و بیش از ۴۰۰ هزار شهروند و ۴۰۰ هزار روستای ایران بکلی نابود شده‌اند. اکنون در آغاز هفتمین سال ادامه این جنگ جهنمی، فقر و فلاکت کارگران و زحمتکشان ابعاد وحشتناک پیدا کرده، غالب کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی به تعطیلی کشانده شده‌اند و در آستانه تعطیلی قرار گرفته‌اند. کارگران بطور دسته جمعی، هزاره‌ها ریکه می‌شوند و به خیل درماندگان می‌پیوندند؛ جوانان در کوچه و خیابان، در محل کار و خانه‌ها شکار می‌شوند و هزاره‌ها ربه کشتار - گاه‌های جنگ فرستاده می‌شوند تا بصورت "مواج انسانی" در کام مرگی عمیق فروغلتند. اعزام اجباری جوانان و مردان به جبهه‌ها و مهاجرت و سیخ مردم از مناطق جنگ‌زده دهها هزار خانواده را متلاشی ساخته و بر دامنه فرار از کشور چندین برابر افزوده است. حتی بنا به اعتراف رهبران جنایتکار رژیم ولایت فقیه بیش از پنجاه درصد بودجه کل کشور صرف هزینه‌های جنگ میشود و این جز با بودی صنعت، کشاورزی، بهداشت و فرهنگ کشور معنای دیگری ندارد.

هدف رژیم جمهوری اسلامی از این همه مرگ و ویرانی، تحکیم سلطه شوم ولایت فقیه در داخل کشور و کشورگشایی برای تاسیس خلافت فقیه در منطقه است. این رژیم برای بقای سنگین خود دنیا زمند جنگ است. شعار "جنگ تارخ فتنه از عالم"، نشانه عمیق جنگ طلبی، سلطه‌گری، سربریت و خواست واقعی آنست. و اگر اکنون خود را درین بست می‌بیند و وعده "فتح نزدیک" میدهد و از "نبردنها" و "جمله سروش" ساز "دم می‌زند، برای آنست که مردم را بفریب و صدها هزار نفر را برای کشتار بزرگ دیگری بسیج کند. اما هیچ "جمله سروش" ساز نخواهد توانست جز کشتار عام مردم هر دو کشور حاصلی داشته باشد. در این جنگ پیروزی وجود ندارد، زیرا این جنگ به مردم ایران تعلق ندارد و مردم هیچ‌نفعی در ادامه آن ندارند. حتی اگر رژیم فقیه در این جنگ پیروز شود، فرضی که تقریباً محال است، مردم ایران نه تنها به صلح دست نخواهند یافت بلکه شاهد آغاز مصیبت‌های بزرگتر و جنگ‌ها و کشتارهای فاجعه‌بارتری در داخل و خارج کشور خواهند بود.

مردم ستم‌دیده ایران!

رژیم ولایت فقیه، پس از گذشت شش سال هم‌چنان می‌خواهد این جنگ خانمانسوز را ادامه دهد، ولی ادامه این جنگ بدون نیروی شما ممکن نیست. این جنگ ارتجاعی برای شما و مردم منطقه، جزا سارت، فقر و فلاکت، سکاکی و سبک‌انمانی، مرگ و تلاشی خانوادها و ناپایداری ارزشها و میراث فرهنگی حاصلی بسیار باورده و نخواهد آورد. نفرت شما از این جنگ، رژیم جنایتکار ولایت فقیه را بر آن داشته که برای ادامه این جنگ مستقیماً به جنگ علیه شما بپردازد. گسترش سرکوب و حاکمیت و سوسی در سراسر کشور، شکار جوانان و زنان آوران خانوادها برای اعزام اجباری به جبهه‌ها، محروم کردن فراریان از سربازی و از جبهه‌های جنگ، از یک زندگی عادی، گسترش فحشا و اعتیاد که اینک در کشور ما بسا می‌کند، چیزی نیست جز اعلان جنگ آشکار رژیم ولایت فقیه علیه شما مردم ایران، شما نبرد در همین جبهه، یعنی جبهه جنگ علیه رژیم ولایت فقیه، باید بجنگید. تنها در این جنگ است که شما می‌توانید و باید به پیروزی برسید. در جبهه جنگ با عراق، نه پیروزی بلکه مرگ در انتظار شماست.

کارگران، زحمتکشان، سربازان و جوانان!

در جبهه‌های جنگ با عراق، چیزی جز مرگ در انتظار شما نیست. در آنجا زحمتکشان و جوانان دو کشور را به برادر کشی وامیدارند. تنها با مقاومت علیه این برادر کشی و تنها با مبارزه علیه رژیم فقیه است که می‌توان به صلح و سرتنگونی این رژیم تیهکار دست یافت. این مبارزه و این مقاومت را هر چه گسترده‌تر و یکپارچه‌تر سازید. در شهر و روستا، کارخانه و ادارات، مدارس و دانشگاهها، محلات، پادگانها و جبهه‌ها... در همه جا علیه جنگ ارتجاعی و برای براندازی رژیم ولایت فقیه بپا خیزید! از رفتن به جبهه‌ها خودداری کنید؛ از جبهه‌ها و پادگانها فرار کنید، به فراریان جنگ پناه بدهید، هسته‌های مقاومت علیه جنگ را در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها سازمان دهید، با تبلیغات گسترده خود موج مخالفت و مقاومت متشکل را علیه این جنگ ارتجاعی سازمان بزنید. تنها مقاومت سازمان‌یافته شما می‌تواند ما شین جنگی رژیم رافلج سازد. علیه کشتار عام، برای صلح و آزادی، و برای سرتنگونی رژیم جمهوری اسلامی بپا خیزیم!

مرگ بر جنگ! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک توده‌ای!

دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

## = در آستانه دوره‌ای سرنوشت ساز

دنباله از صفحه ۱

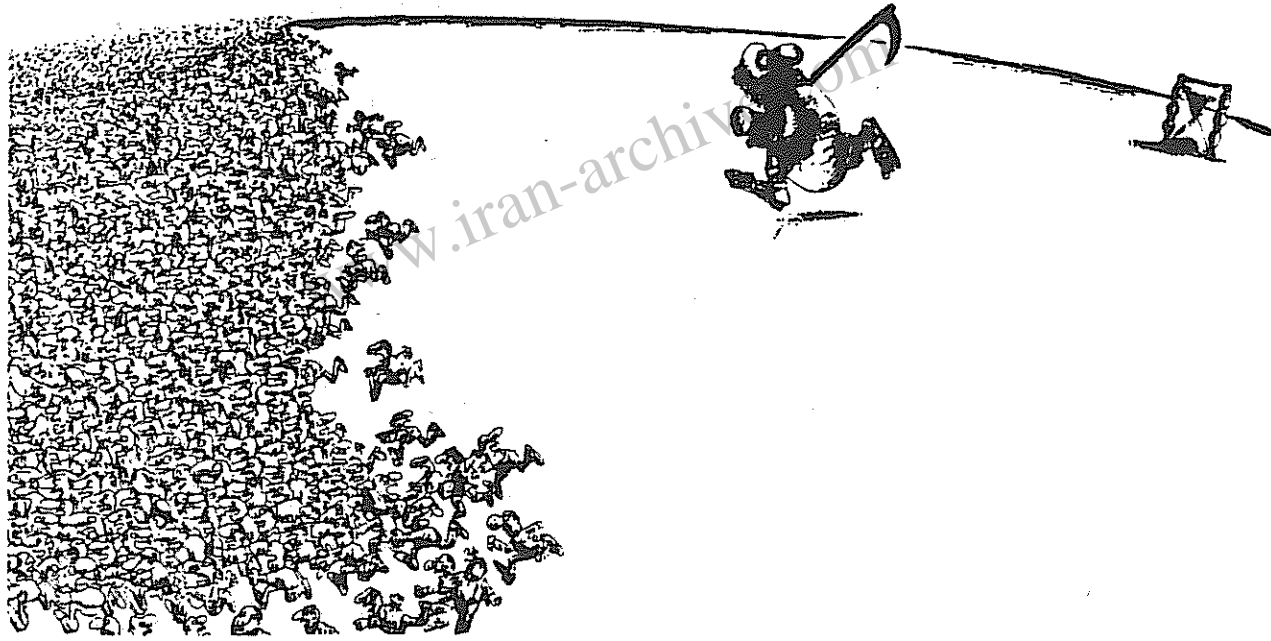
آزاد دوره انقلاب خاتمه بدهد و اختناق کامل ولایت فقیه را پایه‌ریزی کند. و اکنون نشانه‌های شکل‌گیری یک رویا - روشی بزرگ دیگر کاملاً مشهود است. بی - تردید این رویا روشی بزرگ نیز مانند موارد گذشته، دوره‌ای سرنوشت ساز خواهد بود، دوره‌ای که می‌تواند بی‌شک کابوس شوم ولایت فقیه پایان دهد و واقفهای رهائی را بروی مردم قهرمان ایران بگشاید.

ببینیم نشانه‌های شکل‌گیری بحران جدید کدامند. همزمانی عوامل زیر شکل‌گیری بحران جدید را موجب می‌کند:

**الف - رژیم جمهوری اسلامی با**

تنها عراق را به آمادگی و بسیج کامل قوا فراخوانده‌اند، بونه تنها در تمام منطقه مخالفان نشان را بهم پشتی بیشتر با یکدیگر و داشته‌اند، بلکه در داخل کشور نیز با تعرض عمومی و همه جانبه خود به زندگی مردم، همه مخالفان و دشمنان نشان را به مقابله برانگیخته‌اند. سازمان دادن "حمله نهائی"، آنها هم در شرایطی که پایه‌های رژیم بشدت فرسوده شده‌اند، مستلزم حمله همه جانبه به زندگی و هست و نیست همه مردم است. آنها کشور ما را به سربازخانه بزرگی تبدیل کرده‌اند، اما اکثریت قاطع این سربازخانه از ادامه جنگ نفرت دارند و برای فرار از جنگ و برای فرار از مرگ و خانه‌خوابی از هر فرصت و

حکومت عراق را ساقط کند، زیرا در این کار نه تنها امکانات و اسباب نظامی کافی ندارد، بلکه با مخالفت قطعی همه نیروهای بین‌المللی روبروست. حالا دیگر کاملاً روشن است که نه امپریالیسم آمریکا و نه سایر قدرتهای امپریالیستی متحدان، نه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، نه کشورهای عربی و مخصوصاً کشورهای منطقه خلیج، و بالاخره نه اسرائیل، خواهان پیروزی رژیم ولایت فقیه بر عراق نیستند. همه این دولت‌ها بدرجات مختلف می‌خواهند جلو چنین حادثه‌ای را بگیرند، تازه در خود عراق نیز هیچکس خواهان برقراری نظام قرون وسطائی ولایت فقیه نیست. طرفداران حزب الدعوه و "مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق" اقلیت ناچیزی را تشکیل می‌دهند. بهمین دلیل دعوتهای مکرر رهبران رژیم از طرفداران ولایت



تعرض خود همه دشمنانش را، چه در داخل کشور و چه در منطقه، به مقابله فعال با خود برانگیخته است. از آنجا که جنگ فرسایشی شش ساله گذشته با عراق، پایه‌های رژیم را نیز بشدت فرسوده ساخته، رهبران رژیم ناگزیر شده‌اند تکلیف جنگ را یکسره کنند. آنها در چند ماه گذشته بارها اعلام کرده‌اند که امسال تکلیف جنگ را یکسره خواهند کرد و باین ترتیب بطور علنی خود را بعهده سازمان دادن با اصطلاح "حمله نهائی" متعهد ساخته‌اند. باین کار آنها نشانه

امکانی استفاده خواهند کرد. با این تعرض رژیم حتی لایه‌های بی‌طسرتف یا ناراضی منفعل را به مقابله فعال با خود برانگیخته است. تردیدی نیست که این بسیج هرچه بیشتر تداوم یابد، بهمان اندازه زمینه ساز شورشها و قیام‌های بزرگ توده‌ای خواهد بود. اما اگر تداوم طولانی بسیج همه جانبه در داخل ناممکن است، پیروزی "حمله نهائی" نیز کمتر ناممکن نیست. رژیم ولایت - فقیه نخواهد توانست با یک "حمله نهائی" یا یک "حمله سرنوشت ساز"

فقیه به شورش، تمام‌آبی جواب مانده است. بنابراین رژیم جمهوری اسلامی که در نتیجه مجموعه عوامل بحران ناگیر شده با یک بسیج سراسری تکلیف جنگ را یکسره کند، نه تنها توانائی دست یافتن باین هدف را ندارد، بلکه با این کار دشمنان خودش را، در داخل کشور و در منطقه، به مقابله فعال با خود برانگیخته است. رژیم با این بسیج، خود را در بن بست بازگشت ناپذیری انداخته است. گرفتاری در این بن بست که نه راه پیش بقیه در صفحه ۱۵

رفیق حسین امین جعفری (رفیق مجتبی) در سال ۱۳۳۴ در یک خانواده زحمتکش در دهقانان اصفهان بدنیا آمد. تحصیلات ابتدائی زاددهقان و دوره متوسطه را در اصفهان بپایان رساند. از کودکی شاهد زندگی دشوار و مشقت بار زحمتکشان و بیکاری پدر بود، از سالگی

حسین که دوره سربازی را می گذراند از پادگان فرار کرد و به سرعت به جنبش انقلابی مردم پیوست و در ایجا دیکی از محافل دمکراتیک نقش موثری داشت. او در دوره انقلاب آرام و قرار نداشت و هر جا که پرچی برای مبارزه با ستمگران به اهتزاز در می آمد او حضور

هر چند مدت کوتاهی به این کار اشتغال داشت نمونه ای از اخلاق کمونیستی را بنمایش می گذاشت. عشق عمیقش به مردم، صمیمیت فوق العاده اش، شادابی و نشاط همیشگی اش آن نقاط قوتی بودند که رفیق ما را در بین دیگران شاخص میکرد. وقتی در بهار ۵۹ سه روز

## جاودان باد پادرفیق

### حسین امین جعفری

و اردکان رگه کاشیکاری شد و بعنوان شاگرد کاشیکاری کار پرداخت، اشتیاقش به آموختن بحدی بود که فقر خانواده نتوانست او را از هدف بازدارد. سپس از گرفتن دیپلم از اصفهان راهی تهران شد و در یک کارخانه مشغول کار شد و سال بعد در مدرسه عالی بازرگانی تهران پذیرفته شد. رفیق حسین که در دوران دبیرستان و از طریق ادبیات مترقی با مسائل سیاسی و مبارزاتی آشنا شده بود و به غریزه طبقاتی کینه شدیدی نسبت به رژیم آمریکائی شاه بعنوان مظهر ستم سرمایه داری پیدا کرده بود، با بهره گیری از فضای اعتراض به ستم گران و دیکتاتوری در دانشگاه و نزدیکی و دوستی با دانشجویان پیشرو و انقلابی به ارتقاء آگاهی انقلابی خویش پرداخت. رفیق حسین که در دبیرستان مزه آزار و شکنجه مزدوران رژیم را، بعلت پاره کردن عکس پسر در دانشگاه جلاد چسبیده بود، در کارهای منفی و سیاسی دانشکده فعال گردید و نقش موثری در ایجاد تشکلهای دانشجویی داشت. او با آشنائی زیادی که با هنر و ادبیات مترقی داشت و دست اندر کار شعر بود با همیاری نیروهای پیشرو دانشگاه گروههای ادبی، هنری فرهنگی و کوهنوردی ایجاد نموده و در تبلیغ و ترویج آگاهی انقلابی و پیشرو در میان سایر دانشجویان همت گمارد، بهمین جهت محبوبیت زیادی در میان سایر دانشجویان پیدا کرد.

با اوج گیری جنبش انقلابی و توده ای در کشورمان در سال ۵۷، رفیق

داشت با صدای گرمش مردم را به پاره کردن زنجیرهای بردگی سرمایه داری دعوت میکرد و به همین خاطر بود که فعالانه در تمام تظاهرات، تحصن ها و حرکات انقلابی مردم شرکت داشت و در قیام مسلحانه خلق، مسلسل سردوش در فتح پادگانها شرکت جست، در فریاد پیروزی قیام مردم و سرنگونی رژیم آمریکائی شاه از سازماندهندگان راهپیمائی اعتراض آمیز سربازان و افسران مترقی بود و قطعنامه پایانی راهپیمائی را در میان ابراز احساسات پر شور سربازان و همقطارانانش قرائت نمود. در جریان اعتراض به تعطیل روزنامه آیندگان در مسیر راهپیمائی از دانشگاه تا نخست وزیری و بلعکس که پنج ساعت بطول انجامید، نقش مهمی در هدایت و رهبری جمعیت داشت. بعد از پیروزی قیام مردم و اعلام علنی نظرات "راه کارگر"، او با تکیه بر تجربه ای که از راههای راه های گذشته پیدا کرده بود، به "راه کارگر" پیوست و تا آخرین لحظه بی آنکه به راست یا چپ بلغزد با استواری و فداکاری کمونیستی در صفوف سازمان ما به فعالیت پرداخت، تحرک فوق العاده همراه با جسارت انقلابی و اشتیاقش به آموختن، پویائی خاصی در وی ایجاد کرده بود، در کار تشکیلاتی نمونه ای از انضباط کمونیستی و انقلابی بود، دکنار این توانائیها، او در خانواده و در رابطه با همسر و پسر خردسالش سینا و در محیط کار و مدرسه بعنوان معلم،

مدرسه را ترک کرد و دانش آموزان دبیرستان تمام کلاسها را بخاطرش تعطیل کردند و رئیس حزب اللهی دبیرستان را مجبور به برگرداندن رفیقمان کردند. در هفدهم مهرماه شصت و یکم پاسداران جنایتکاران افتاد و توانست با زیرکی خاصی از جنگ آنان بگریزد. دوبار مخفیگاهش توسط مزدوران رژیم شناسائی شده و دوبار توانست از دستگیری قطعی رهایی یابد. سرانجام در یازدهم تیرماه شصت و دو در محل کارش شناسائی و دستگیر گردید و در اسارت و در آفرین رزم انقلابیش از حیثیت و شرف انقلابی خویش بدفاع برخاست و مرگ سرخ را بر تسلیم و زندگی ذلت با ترجیح داد و سرانجام در بیست و یک آذر شصت و دو، حسین بخاطر عشق بیدریغش به مردم و پایداری و قهرمانیش تیرباران شد با این اطمینان که این راه سرخ را طبقه کارگر و کمونیستهای پیشمار، پرشتاب و بی امان تا پیروزی جهانی کمونیسم و نابودی ستم طبقاتی سرمایه داری ادامه خواهند داد. او چه خوب دریکی از شعرهایش گفته بود:

"فریاد دیر صلابت خورشید  
دارد پیام ما"

طنین این پیام مقدس در پیکارهای رهائی طبقه کارگر و همه زحمتکشان بما الهام می بخشد.



دنباله از صفحه ۱

سازمان مادر منطقه، توسط توپخانه سه ارتش عراق گلوله باران شد و در جریان آن متاسفانه دوتن از رفقای قهرمان ما به شهادت رسیدند. ما این اقدام ضد انسانی را محکوم می‌کنیم.

رفقای شهید ما عبارتند از: رفیق علی رضا مدیری (کاک مجید)، عضو شورای

رفیق نامبرده به شهادت رسیدند، ولی کاک مجید که بشدت از چندناحیه بنسدن زخمی شده بود، با تلاش جسورانه اش کسه همیشه دریاها خواهد ماند، با بدن نیمه جان خود را از میدان مین بیرون کشید. یکبار دیگر نیز در جریان حمله برای تسخیر پایگاه یزدهرش، همراه دورفقیق دیگر در اثر ترکش نارنجک زخمی شد. یکی از

شه توده ای در سالهای ۶۱ و ۶۲، در سازمان ما فرا موش نخواهد شد. ا. و در دشوارترین دوره حیات سازمان ما، قوی و آماده تر از همیشه برای جبران ضربات وارد شده بر سازمان توسط دشمن و عناصر مرده، به تلاش برخاست.

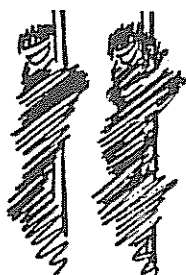
رفیق حمید در سال ۶۲ به واسطه و احسد نظامی سازمان در تهران منتقل شد و با

## یادشیدان قهرمان سازمان رفقا

### علی رضامدیری و حمید زارع پورا

#### گرامی بداریم

توجه به جسارت و شهامت کمونیستی و ملاحظاتی انقلابی اش در راس آن واحد قرار گرفت. در اوایل سال ۶۳ به کردستان اعزام شد تا در سنگری دیگر برای راهی که رگران و زحمتکشان و در دفاع از خلق قیام کرد بجنکد. کاک مسعود در اینجا نیز استعداد خود را در عملیات نشان داد. و سازماندهی تشکیلاتی نشان داد. او متخصص تیمهای تخریب بود و در مین گذاریهای بسیاری علیه مزدوران رژیم اسلامی شرکت داشت، و در اکثر عملیات نظامی پیشمرگان ما، با جسارت فوق العاده ای حضور داشت. او در هنگام شهادت، مسئولیت واحدیانه تشکیلات کردستان سازمان ما را بعهده داشت. با شهادت کاک مسعود، کمیته کردستان سازمان ما یکی از کادرهای ارزشمند خود را از دست داد. او دیگر در میان ما نیست، اما یاد او و عشق بیکرانش به راه‌های طبقه کارگر همیشه انهم بخش ماست. نام و یاد پرافتخارا و گرامی می‌داریم



والبسیاریم!

خصوصیات برجسته علی رضا این بود که باسانی می‌توانست با توده‌های مردم در آمیزد. سرعت و باعلاقه زیاده‌زیان کردی را یاد گرفت و توانست با زحمتکشان و جوانان پر شور خلق کرد را بطن عمیقی برقرار سازد. استعداد و ذوق هنسری، سرزندگی و شادابی او همه جا خود را نشان میداد. در جشنها با اجرای نمایشنامه‌های کوتاه و پانتومیم (لال بسازی) همیشه شورشادی می‌آفرید، انگیزه نیرومند مبارزاتی و عشق عمیق او به کارگران و زحمتکشان و اعتقاد استوارش به سوسیالیسم، او را به وفاداری هر چه بیشتری سازمانش و میداشت. رفیق علی رضا با تجارب و توانی که کسب کرده بود یکی از کادرهای لایق جنبش کمونیستی کشور ما بود. با شهادت او تشکیلات کردستان ما سراستی یکی از کادرهای ارزشمند سیاسی - نظامی خود را از دست داده است. نام و یاد او را گرامی میداریم.

رفیق حمید زارع پور در خانواده زحمتکشی در کرج متولد شد. فعالانه در انقلاب بهمن شرکت کرد و با تشکیل راه کارگر به سازمان ما پیوست. در دوران زندگی کوتاه و پرافتخارش نمونه‌ای از شادان کمونیستی و پیگیری پرولتری بود، چه هنگامی که بعنوان یک کارگر چاپ کار می‌رزم می‌کرد چه زمانی که در کردستان انقلابی مسلحانه علیه رژیم فقهایی جنگید. در طول زندگی سیاسی اش همیشه با صمیمیت و عشق بی‌کران به اردوی کارمیشد. مبارزه قاطع او علیه عناصر ترسو شده‌ای و

فرماندهی نظامی پیشمرگان، و رفیق حمید زارع پور (کاک مسعود) مسئول واحد با نه.

رفیق علی رضا مدیری در سال ۶۱ در خانواده‌ای فقیر در شهر بیرو وجود متولد شد. از همان کودکی طعم تلخ فقر را چشید. او از همان موقع مجبور بود برای تهیه قلم و کاغذ و ادوات تحصیل و کمک به خانواده‌اش به کارهای مشقت بار و پسر رنجی تن بدهد. در جریان انقلاب بزرگ مردم به مبارزه سیاسی پیوست و با تمام نیرو در قیام بهمن شرکت جست. از همان آغاز فعالیت انقلابی به ما رکنیسم - لنینیسم گرائید و به نیروهای کمونیست پیوست. جزو اولین جوانان بی‌وجود بود که با تشکیل راه کارگر به آن پیوست و با روحیه انقلابی و جانفشانی تحسین انگیزی در صفوف سازمان ما به فعالیت پرداخت با شروع سرکوب گسترده و عربیان بعد از ۳۰ خرداد سال ۶۲ به تمام توان خود به فعالیت مخفی روی آورد و برای پیوستن به پیشمرگان سازمان در کردستان داوطلب شد.

ادامه مبارزه در کردستان برای کاک مجید، دوران جدیدی از زندگی خلاق انقلابی و شکوفائی استعدادها و شورش و امید بود. در اندک زمانی بیک پیشمرگه محبوب تبدیل شد، به عضویت شورای نظامی پیشمرگان سازمان در کردستان انتخاب گردید و به مقام شهادت معاون مسئول نظامی کمیته کردستان سازمان ما بود. یکبار همراه رفقای شهیدمان حمید حسین پور و مجید راست روان، در میدان مین دشمن گرفتار شد. در این حادثه دو

# «فتح نزدیک»، سراب است!

جنگ ایران و عراق وارد هفتمین سال خود شده است، جنگی که هر دو کشور را به ویرانه‌های بدل کرده، اقتصاد را به فلاکت کشانده، نیروی فعال را به نابودی سوق داده و مردم ایران و عراق را که هیچ منفی در این جنگ ندارند کار به استخوان کرده است. آیا آغاز هفتمین سال این جنگ شوم، پایان جنگ را نوید میدهد؟ مردم ایران و عراق و مردم صلح دوست سراسر جهان، بی‌تردید چنین آرزوی کنند، در این میان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی نیز مدتی است چنین تبلیغ می‌کنند که امسال، سال پایان جنگ است و در سال ۶۶ دیگر از جنگ خبری نخواهد بود. این تبلیغات رژیم اسلامی نه از روی صلح طلبی، بلکه برعکس بمنظور امکان ادامه جنگ صورت می‌گیرد. رهبران رژیم که با یاس، خستگی و کاهش شدید نیروی داوطلب بسیجی و فرار گسترده مشمولین و سربازان مواجه گشته و بی‌زاری و خشم فزاینده عموم مردم را از جنگ مشاهده می‌کنند، خود را در موقعیت و خیس و خطرناکی می‌یابند؛ از یک سو خطر شکست در جنگ، و از سوی دیگر خطر انفجار خشم مردم به جان آمده از جنگ و خیزش توده‌ای علیه رژیم اسلامی، تبلیغ پایان جنگ در سال جاری برای مقابله با این دو خطر صورت می‌گیرد تا خشم مردم وعده پایان نزدیک جنگ تخفیف دهد و نیز نیروهای فراری از سربازی و ازجبهه‌ها را با تلقین این فکریه جبهه‌ها بکشاند که اگر یکبار دیگر به جبهه‌ها سرازیر شوند، کار جنگ تمام خواهد شد و خیال آنان نیز یکبار برای همیشه از جنگ و از سربازی راحت شده و دنبال کار و زندگی خود خواهند رفت! تبلیغات رژیم در مورد پایان جنگ، یک فریبکاری محض است؛ زیرا منظور مردم ایران و عراق از پایان جنگ، چیزی جز قطع فوری جنگ و برقراری یک صلح بدون الحاق طلبی نیست، حال آنکه منظور حکام جمهوری اسلامی از پایان

جنگ، نه قطع جنگ و برقراری صلح بدون الحاق طلبی، بلکه پیروزی بر عراق و الحاق عراق به قلمرو حاکمیت جهنمی ولایت فقیه است، شعار پایان جنگ به شرط فتح عراق، نه تنها در جوهرتجا و زگرانه، کشورگشایان و ارتجاعی خودباخواست‌ها و منافع مردم ایران و عراق در تضاد است، بلکه بر خلاف خواست مبرم مردم دو کشور، سبب پایان ناپذیری جنگ و تداوم آن تا سالیان دیگر است، سالهایی که پشت سر گذاشته شده، این حقیقت را اثبات می‌کند. چرا سالها جنگ تداوم یافته و تا به امروز طول کشیده است؟ زیرا رژیم اسلامی ایران با شعار "جنگ جنگ تا پیروزی"، فتح عراق و برقراری حاکمیت ولایت فقیه در آن کشور را هدف خود قرار داده و اعلام کرده که تا رسیدن به این هدف، به جنگ ادامه خواهد داد. رژیم ایران آنزمان که تازه نفس تربود و از امکان مالی و ارزی و نیروی وسیع داوطلب برای جبهه‌ها برخوردار بود نتوانست به این هدف شوم خود دست یابد، حال که رژیم هم از لحاظ ابزار جنگی، هم از لحاظ مالی و هم از لحاظ تامین نیروی انسانی برای جبهه‌ها درضعیفترین و بحرانی‌ترین وضعیت نسبت به تمام دوران جنگ قرار دارد و در عرصه سیاسی نیز هم در داخل و هم در سطح بین‌المللی در انزوای کامل قرار گرفته است، هدف تسخیر عراق به مراتب دست نیافتنی تر شده است. نقشه جنگ افروزان رژیم برای حمله بزرگ به عراق، آنگونه که بویژه در سخنان رفسنجانی و محسن رضایی صراحت داشت، هجوم امواج انسانی در ابعاد میلیونی به خاک عراق بوده است. هر چند رژیم آخرین زوز خود را زده و با توسل به سرنیزه و شیوه‌های پلیسی، دستگیری و شکار یک به یک افراد قادر به حمل سلاح، نیروی قابل توجهی را در جبهه‌ها گرد آورده است، ولی با وجود این حتی در میان خود این طراحان

جنگی نیز تردید وجود دارد که این آخرین تیر ترکش نیز بتوا ندیده هدف بنشیند. در حالی که اغلب سران رژیم، حمله بزرگ را حمله‌ای برای فتح کامل و پایان کار جنگ با عراق می‌نامند، رفسنجانی عقیده دارد که این حمله حمله نهایی نخواهد بود، بلکه حمله "سرنوشت ساز" خواهد بود! برکناری میاد شیرازی و درگیری‌های سخت میان سران سپاه و ارتش نیز با اختلاف نظرها و تردیدهای درونی طراحان جنگی رژیم در مورد "نهایی بودن" یا فقط "سرنوشت ساز بودن" حمله بزرگ در ارتباط بوده است. سنه تنها شعار فتح نزدیک سرابی بیش نیست و باعث تداوم جنگی بی فرجام می‌گردد، بلکه بغرض هم که فتحی (اعم از "نهایی" یا "سرنوشت ساز") در کار باشد، جنگ پایانی نخواهد داشت، زیرا شعله جنگ سراسر منطقه را خواهد گرفت و رژیم اسلامی نیز به نسبت پیروزی که بدست آورده باشد، برای گسترش سلطه خود در منطقه، هارتر و جری تر خواهد گشت. فتح نزدیک برای سردمداران رژیم اسلامی، نه پایان جنگ، بلکه آغاز دیگری در جهت گسترش امپراطوری سیاه ولایت فقیه در کشورهای همجوار و در کسل خاور میانه و شمال آفریقا معنی میدهد و بدین ترتیب برای پایان جنگ و برقراری صلحی بدون الحاق طلبی که خواست طبقه کارگروهه مردم زحمتکش ایران و عراق است راهی جز شکست رژیم فقها در این جنگ باقی نمی‌ماند. شکستی که تنها با خیزش قاطعانه مردم ایران علیه جنگ میسر است، زیرا سرنوشت رژیم فقها به سرنوشت این جنگ بسته شده است و بدون مردم، رژیم قادر به تداوم جنگ نیست. حلقوم رژیم جنگ طلب در چنگ مردمی است که طالب صلح اند، با یقین جنینش متحد و متشکل صلح خواهی حلقوم رژیم را هر چه محکمتر فرود نشاند و آن را بر زمین کوفت ●

## مرك بر جنگ! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!



سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر

## زنجیره عملیات قهرمانانه پیشمرگان بایادو خاطره رفیق حمیدطهماسبی (کاک محمود)

بایه شهادت رسیدن رفیق حمیدطهماسبی (کاک محمود) عضو کمیته مرکزی سازمان و مسئول کمیته کردستان موجی از تاشرف صفوف پیشمرگان ما فراگرفت. پیشمرگان قهرمان پیمان بستند که تا خود از شهادت رفیق بزرگوار کاک محمود را تبدیل به آتش نموده و آنرا بر روی مزدوران رژیم مستقر در کردستان بگشایند. لذا پیشمرگان وعده کردند که با یادو خاطره عزیز رفیق حمید در مناطق مختلف کردستان بر علیه مزدوران جمهوری اسلامی عملیات نظامی انجام دهند تا کنون خبر چند عملیات پیشمرگان در مناطق با تاه و پیرانشهر بدست ما رسیده است که بدینوسیله به اطلاع میرسانیم :

### پایه: در ارفجارد زمین یک تراکتور منهدم شد و سه یاسدار سر نشین آن به لاکت رسیدند

با یادو خاطره رفیق محمود پیشمرگان در منطقه بایه اقدام به مین گذاری کردند. در ساعت ۳ بعد از ظهر ۶۵/۵/۱۵ یکی زمین های بزرگ ضد خودرو که در محورا انجینه - کبوروکا گذاشته شده بود، زیر یک تراکتور تارکاتی پایگاه انجینه که حامل سه سر نشین یاسدار نیز بود منفجر شد. شد انفجار بحدی بود که تراکتور فوق به خارج از جاده پرتاب شد و هر سه سر نشین آن دردم به لاکت رسیدند. مزدوران پایگاه انجینه تا چندین ساعت بعد از انتقال اجساد کشته ها، افرادی را که در محور فوق در آمدورفت بودند به جرم حمایت از پیشمرگان به یاد فحش و ناسزا گرفته و مورد ضرب و شتم قرار دادند.

### به آتش کشیدن قسمتی از پایگاه گوما و گشتن حداقل ۴ مزدور

مزدوران پایگاه گوما پس از اشغال منطقه خیله رهش، کاروانیان زحمتکش را گرفته ضمن توهین و انسواع بی حرمتی آنان را مورد اخاذی قرار داده و تحت عناوین مختلف مورد اذیت قرار میدهند و این همه علاوه بر فشاری است که با حضور خود بر مردم منطقه روا میدارند.

شبانگاه ۶۵/۵/۲۱ چند دسته از پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در پی شناسایی دقیق این پایگاه، برای اجرای یک عملیات بیا در رفیق حمیدطهماسبی خود را به چند ده متری پایگاه رساندند. پیشمرگان پس از استقرار در سه نقطه اطراف پایگاه در ساعت ۱۱ شب با شلیک موشک آر. پی. جی و رگبار مداوم سلاحها نشان عملیات قهرمانانه خود را آغاز کردند. اصابت موشکهای آر. پی. جی زبانه های آتش را از قسمتی از پایگاه بلیند نمود و فریاد مزدوران پایگاه را که سراسیمه به هر طرف میدویدند شنیده میشد. پس از گذشت مدتی مرحله دوم عملیات با یورش دلیرانه پیشمرگان ب طرف پایگاه شروع شده و همراه آن شلیک موشکهای آر. پی. جی و آتش انواع سلاحهای رگباری پیشمرگان مستقر در اطراف پایگاه با رسیدن گرفت. مزدوران رژیم برای جلوگیری از تعرض پیشمرگان بسا استفاده از انواع سلاحهای سنگین و سبک سنگرهای پیشمرگان را میکوبیدند. پس از نیم ساعت جنگ متقابل و به آتش کشیده شدن بخشی از پایگاه در پایان این مرحله از عملیات بدلیل آتش سنگین دشمن از طرف فرمانده عملیات دستور عقب نشینی به پیشمرگان داده شد. در این عملیات حداقل ۲ تن از مزدوران پایگاه کشته شدند. تمامی پیشمرگسان بعد از اتمام عملیات سالم منطقه عملیات را ترک نمودند.

### پیرانشهر؟ حمله به پایگاه خراب

بمناسبت گرامیداشت خاطره رفیق حمیدطهماسبی، در تاریخ ۶۵/۵/۲۴ پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در منطقه پیرانشهر طی یک شناسایی از پیش انجام گرفته، به قصد ضربه زدن، خود را به پایگاه خراب پاز توابع پیرانشهر رساندند. پیشمرگان پس از رسیدن به نزدیکی پایگاه در حدود سه در سنگرهای زیبای تعیین شده مستقر شدند در ساعت ۷/۴۵ بعد از ظهر به دستور فرمانده پیشمرگان عملیات آغاز شده و با انواع سلاحهای نیمه سنگین و سبک پایگاه مورد هجوم پیشمرگان قرار گرفت. عملیات پیشمرگان بحدی تند و ناگهانی بود که در دقیق اول سزوران قادر به هیچگونه عکس العملی نبودند و چون انتظار چنین حمله ای را در آن منطقه نداشتند غافلگیر شده بودند. پس از دقیق اولیه حمله پیشمرگان مزدوران نیز با انواع سلاحهای مختلف منطقه را بیهدف زیر آتش گرفتند. پیشمرگان فشار خود را بر مزدوران پایگاه بیشتر نموده و مزدوران نیز دیوانه وار در ویرانه پایگاه و سنگرهای پیشمرگان را زیر آتش سلاحها نشان گرفتند. در این عملیات از میزان دقیق ضایعات و تلفات مزدوران پایگاه اطلاعی بمان رسیده است. پیشمرگان پس از پایان عملیات همگی سالم منطقه درگیری را ترک نموده و از سوی اهالی منطقه مورد استقبال قسرار گرفتند.

سرتگون با در رژیم جمهوری اسلامی ایران!  
برقرار با جمهوری دمکراتیک توده ای!  
پیروز با مبارزات عادلانه خلق کرد!  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۶۵/۵/۲۵

- کمیته کردستان

حق تعیین سرنوشت  
حق مسلم خلقهاست!

# گزارش دهی بی‌امان رابه عنصر حیات و لاینفک فعالیت تشکیلاتی تبدیل کنیم

سازمان ما سازماندهی هژمونی پرولتاریا برای تسخیر قدرت سیاسی توسط کارگران و زحمتکشان را مضمون فعالیت خود قرار داده است. این وظیفه را سلولهای کمونیستی و واحدهای پایه ای سازمان با استقرار در محیط کار و زندگی و در پیوند با مبارزات کارگران و زحمتکشان به پیش می‌برند. آنها را حول مطالبات و خواستههای روزمره شان سازمان میدهند و با تبلیغ و ترویج اهداف و برنامه انقلابی و کمونیستی برای سردقطنی و نهائی شان آماده میسازند. یک سازمان انقلابی و کمونیستی برای آنکه قادر باشد این وظیفه رابه انجام برساند باید درک روشنی از وضعیت و ویژگی جنبش طبقه کارگر و در هر مرحله از آن داشته باشد. این وظیفه را نیز سلولهای کمونیستی و واحدهای پایه بعهده دارند. آنها ارگانهای حسی سازمان را در محیط مشخص کار و زندگی و مبارزه کارگران و زحمتکشان تشکیل میدهند و با نشان دادن واکنش فعال در مقابل حرکات و مبارزات آنان و انعکاس آن به رهبری سازمان رابطه زنده و ارگانیک آنرا با محیط مبارزه و زندگی توده‌ها برقرار میسازند. این رابطه از طریق گزارشدهی اعضا و هواداران متشکل در واحدهای پایه و سلولهای کمونیستی ممکن میشود.

گزارشدهی مداوم و پیوسته بمعنایه جریان حیاتی و تنه‌اوسیلنه برقراری رابطه زنده و فعال سازمان با مبارزات توده‌ها، آن رشته ایست که بیک سازمان انقلابی امکان میدهد تا در وسیعترین ارتباط با آنان بوسیله ارزیابی دقیق از وضعیت سیاسی جامعه و سطح مبارزات توده‌ای پرداخته و با اتخاذ تاکتیکهای مناسب نیروی خود را برای هدایت و رهبری این مبارزات بسیج کند. بدون آن وظیفه رهبری و هدایت مبارزات کارگران و زحمتکشان و سازماندهی هژمونی پرولتاریا برای انقلاب غیرممکن خواهد بود.

ما بارها و بی‌منا سبتهای گوناگون و از جمله در نوشته "بانشریه ما مکاتبه کنید" در نشریه شماره ۱۱ (بهمن ماه ۶۳) بیه ضرورت و اهمیت سازماندهی گزارشدهی تاکید کرده ایم. ولی سازماندهی این جنبه مهم از فعالیتمان هنوز آنطور که باید اهمیت خود را در فعالیت کمیتها و واحدهای پایه ای سازمان ما بدست نیآورده است. این نشان میدهد که ما با اینکه در امر استقرار در میان کارگران و زحمتکشان که شرط اساسی برای پیوند و ارتباط مستقیم با آنهاست موفقیتها بدست آورده ایم ولی هنوز آنطور که باید به عنصری فعال و موثر در مبارزات آنان تبدیل نشده ایم. در شرایط کنونی علاوه بر تاکید بر اهمیت ارسال گزارشات خبری از مبارزات و وضعیت ذهنی توده‌ها و تجربیات سازماندهی باید به این نکته بسیار مهم نیز تاکید کنیم که از جنبه تشکیلاتی و از نظر حفظ و تقویت رهبری سازمان با نیروهای خود، سازمان دادن گزارشدهی منظم و مداوم از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. رژیم اسلامی نیز با درک اهمیت این مسئله نیروی فوق العاده ای را بر روی آن متمرکز نموده و تلاش دارد تا آنجا که میتواند ارتباط رهبری سازمان با نیروهای خود و از آنجا با توده‌ها را قطع کرده و با ایجاد مانع در برابر تقویت جنبش ارتباطی جلوی گسترش سازمان در میان کارگران و زحمتکشان را سد نماید. بنابراین هر یک از اعضا و هواداران سازمان همانطور که در برنامه کار و فعالیت دور گذشته بر امر نهادی کردن گزارشدهی بی‌امان تاکید شده، علاوه بر اینکه می‌باید ارسال گزارشات خبری از مبارزات توده‌ها و تجربیات سازمانگرا نه خود را وظیفه همیشگی و اصلی و کمونیستی خود تلقی کنند، می‌باید به این جنبه از مبارزه با رژیم اسلامی نیز با اهمیت ویژه ای برخوردار نمایند. تا تلاش مذبحانه رژیم اسلامی را که با هدایت پراکندن نیروها و جلوگیری از انعکاس اخبار مبارزات رشدیابنده طبقه کارگر و زحمتکشان دنبال میشود، خنثی نمایند. الف) ضرورت سازمان دادن

گزارشدهی در رابطه با سازماندهی اراده و احد تشکیلاتی هدایت و رهبری مبارزه توده‌ها در گرو سازماندهی و جدت اراده در میان کارگران و زحمتکشان است. یک سازمان انقلابی برای تحقق چنین امری قبل از هر چیزی باید قادر باشد تا اراده واحد را در میان نیروهای خود برقرار سازد. و این ممکن نخواهد شد مگر آنکه رشته‌ای تمامی نیروی آن سازمان را بیک مرکز رهبری متصل نماید. این رشته حیاتی در تحقق اراده واحد با جریان دائمی و منظم گزارشدهی توسط نیروهای آن سازمان برقرار خواهد شد. سازماندهی اراده واحد در یک سازمان انقلابی در گرو آموزش سیستماتیک و با برنامه و هماهنگ نیروهای آن سازمان قرار دارد. اما مهم سازماندهی اراده واحد هم آموزش نیروها از طریق سازماندهی جریان مداوم و منظم گزارشدهی امکان پذیر خواهد شد. چرا که سازماندهی گزارشدهی این امکان را فراهم میسازد که رهبری سازمان با مشکلات و نواقص فعالیت هر رفیق، که با ارسال گزارشات از فعالیت خود زمینه شناخت آنرا بوجود میآورد و از آنجا با مشکلات و نواقص عمومی فعالیت سازمان آشنا شده و از این طریق علاوه بر آموزش هر رفیق از طریق برخورد با مشکلات و موانع و نواقص فعالیتش، برنامه عمومی آموزشی خود را ارائه داده و برگردان آموزش عمومی و سراسری اراده واحد در میان تمامی نیروهایش را تضمین نماید. مسئله دیگر در سازماندهی گزارشدهی توجه به این نکته اساسی است که مضمون گزارشات بی‌انگرمضمون فعالیت هر کمیتها و واحد و هر رفیق می‌باشد. سازمان ما استقرار در میان کارگران و زحمتکشان را بعنوان وظیفه فوری و مقدم کمیتها و واحدهای خود مشخص کرده است. این برنامه هر چند بیاری تلاش مصمانه کلیه رفقا و با استقرار اکثر نیروهای سازمانی در کارخانجات و محلات کارگری و زحمتکش

بقیه در صفحه ۳۵



## اخراج کارگران برای ادامه جنگ

بحران ارزی ناشی از کاهش قیمت نفت گلوی رژیم فقها را می‌فشارد. رژیم برای ادامه جنگ نکبت بار با عراق هر روز با مشکلات جدیدی روبه‌رو می‌شود. اتخاذ استراتژی "فتح نزدیک" و بسیج بیسابقه برای آن "پاسخ" روحانیت حاکم به این مشکلات پایان ناپذیر بوده است. در این رابطه هر چیز دیگری می‌باید فدای جنگ و نیا زهای آن شود. اگر تاکنون بیعت حراج نفت فشار کمبود رزقات فرسوده بود، اما اینک می‌بایست انتخاب کرد یا جنگ یا موجودیت مردم. رژیم جنگ را انتخاب کرده و می‌خواهد توده کارگران و زحمتکشان را قربانی داغ‌نگاه داشتن "تنور جنگ" کند. تا به امروز سیاست اولویت جنگ بر همه چیز عمدتاً از طریق کنترل سهمیه ارز بخشهای مختلف به پیش میرفت و نتایج این محدود کردن، که بمعنا می‌گسترده مواد اولیه لازم و کالاهای نیمه ساخته و وسائل بدکی مورد نیاز کارخانجات و موسسات تولیدی گوناگون بود، بطور پراکنده آشکار می‌شود و دولت باهای وهوی و تبلیغات فراوان بر واقعیت تعطیل فزاینده و از کار افتادن تدریجی بسیاری از این موسسات سایه می‌انداخت. اما حال وضع بکلی دیگرگون شده است و رژیم ناگزیر از اتخاذ یک خط مشی حساب شده در این رابطه گردیده است. اگر به قول روزنامه‌ای "بسا کاهش درآمد ارزی به نصف... صنعت با یک شوک قوی روبه‌رو خواهد شد." می‌بایست برای عوارض این "شوکه" چاره اندیشی کرد. رژیم چاره را در نظمی کردن صنعت جست و برای آن برنامه ریزی کرد. دولتمداران در مناسبت‌های مختلف به این امر اشاره کردند. می‌بایست صنایع نظامی و بخشهای مربوط بدان به کار خود، با حداکثر ظرفیت ادامه دهند، ارزشگانی برای تهیه سلاح، مهمات و سایر نیازهای جنگی در اختیار باشد و در نتیجه سایر بخشهای صنعت، در صورت لازم، بکلی رها شوند. سمینار "مدیران کل ستادی و اجرائی وزارت کار" که از ۱۲ تا ۱۴ مرداد به ابتکار "شورای عالی اقتصاد" برگزار شد و واقعه مهمی بود که خط مشی جدید را به روشنی آشکار کرد. سرحدی زاده، وزیر کار را اعلام کرد که

"صنایع فلزات اساسی و صنایع شیمیایی ممکن است بیعت مسائل ارزی دچار صدماتی شوند." (کیهان ۱۳ مرداد) آقای وزیر قدری محتاطانه صحبت می‌فرمایند! معاون او در مرداد صریح تر از وی حرف زده بود. او گفته بود "ممکن است در برخی صنایع مانند صنایع خودرو، لوازم خانگی، بخشی از صنایع شیمیایی و نساجی به دلیل محدودیت‌های ارزی مشکلاتی پدید آید" (کیهان ۱۳ مرداد). شرکت کنندگان در سمینار مذکور در قطعنامه ۱۶ ماده‌ای خود دقیقاً به این لیست اشاره شده از جانب معاون وزیر کار توجه داشتند. سمینار با تأیید "اولویت جنگ" خواستار "نظارت دولت به تهیه و توزیع مایحتاج عمومی و حفظ سطح اشتغال" شدند. در رابطه با تأمین "سطح اشتغال"، سمینار لزوم "جابجائی و انتقال نیروی کار" را در کنار جلوگیری از "تصفیه حزب الله در محیط کارگری" توصیه کرده است. طبق معمول مقادیری شعار در رابطه بیمه بیکاری، قانون کسار و امثالهم نیز داده شده است. اما آنچه محو این قطعنامه را تشکیل می‌دهند همانا پیشنهادهای بجا کردن نیروی کار، اعتراف به برنامه ریزی برای بیکار کردن تدریجی کارگران صنایع فوق - الذکر و تقویت صنایع مربوط به جنگ می‌باشد. رژیم در ادامه سیاست نظامی کردن صنعت تصمیم به تعطیل گسترده کارخانجات گرفته است و برای اینکه این امر، که به بیکاری وسیع و کاهش تعداد کارگران منجر می‌شود و اکنش شدیدی از جانب کارگران رو برنشود آنها سیاست پیشروی مرحله به مرحله و در حقیقت تقسیم سیل جاری شده به موج‌های کوچک را پیش گرفته‌اند. کارگران حزب اللهی نیز درست در همین رابطه مورد خطاب و حمایت قرار گرفته‌اند. رژیم با پیشروی برنامه ریزی شده سعی می‌کند تا حد عمل بین کارگران بخشهای مختلف و نیز کارخانجات متفاوت را غیر ممکن سازد و در این رابطه به شوراها و اسلامی نیاز دارد تا بتواند بین کارگران فعال و پیشرو و توده کارگران تا سر حد امکان شکاف ایجاد بکند. طرح "جابجائی نیرو" معنائی

جز حفظ اشتغال کارگران حزب اللهی کارخانه‌هایی که قرار است تعطیل بشوند ندارد. عوامفریبی رژیم در این مورد به طرز مضحکی آشکار است. از یک طرف معترف است که کارخانجات زیادی بسته خواهند شد، به صنعت "شوکه" وارد خواهند شد و از طرف دیگر می‌خواهند با "جابجائی نیرو" از بیکاری جلوگیری کنند. جابجائی به کجا؟ کارگران کارخانجات تعطیل شده به کجا "منتقل" خواهند شد؟ این "انتقال" در شرایطی که طبق آمار رسمی دولتی حدود ۲/۵ میلیون بیکار وجود دارد و بخش فعال صنعت نیز در چند ساله اخیر مدام رویه کاهش بوده است تنها به جبهه جنگ و یا گوشه‌خایان می‌تواند صورت بگیرد. کارگران بایست بدانند که رژیم به اشتغال آنان بطور کلی اعلان جنگ داده است. این دیگر یک مسئله موردی و منفرد نیست. رژیم استراتژی تعطیل کارخانجات "غیر - ضروری" را در پیش گرفته است تا بتواند به جنگ خانمان سوز ادامه دهد. در این میان قربانیان اصلی کارگران هستند. گرچه بیعت کاهش مواد و مایحتاج ضروری، در اثر تخصیص ارز موجود به جنگ، به همه مردم، به همه اقشار کم درآمد جامعه فشار وارد خواهد شد و در حقیقت دورنمای تشدید فلاکت و کمبایی از هم اکنون پیداست. اما بطور ویژه این طبقه کارگر است که در این روند جدید قربانی اصلی جنگ و ادامه حیات این رژیم ضد کارگری خواهد شد. تمام تدابیر رژیم نیز برای خلع سلاح کارگران و گرفتن "ضرب" این موج بیکاری آتی است. رژیم میدانند که در صورت مقاومت جمعی کارگران تمام نقشه‌های اونقش بر آب می‌شود. تجربه قانون کار ارتجاعی و مقاومت کارگران این را بخوبی اثبات کرده است. برای همین تصمیم به حرکت با برنامه و حساب شده گرفته است و در همان حال می‌خواهد جاسوسان و مزدوران خود در کارخانجات را نیز بسیج کند. مبارزه کارگران و رژیم به نقطه حساسی نزدیک می‌شود. اگر رژیم در این برنامه خود موفق شود طبقه کارگر چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمی ضربه مهلکی خواهد خورد و بخش بزرگی از بقیه در صفحه ۳۲

# پیرامون انتخابات «شورای اسلامی شهر و روستا»

رژیم اسلامی که از نخستین روزهای بقدرت رسیدنش تمامی نهادها و توده‌های ودمکراتیک نظیر شوراهای کارگران دهقانان، محلات، ارتش و... را سرکوب کرده و تحمل هیچ شکل و نهاد غیر حزب اللهی را نداشته است به علت ناتوانی در مهار بحران اقتصادی - سیاسی و تشدید تضادهای جامعه و تناقضات درونی خویش، چندسال بعد از تصویب قانون شوراهای اسلامی بفقرا برای آن و مبارزه با فساد در شهرداریها برآمده است. در این زمینه محتشمی وزیر کشور، اظهار داشت: تدارک لازم برای انتخابات شوراهای اسلامی فراهم شده و این انتخابات بزودی انجام خواهد شد. (اطلاعات ۱۵ مرداد) و اندکی بعد ضمن یک مصاحبه رادیو تلویزیونی با یادآوری این مطلب که آئیننامه انتخابات شوراهای اسلامی در دست تدوین است و تا یکماه دیگر تقدیم هیئت دولت میشود. (کیهان ۱۲ شهریور) زمان برگزاری انتخابات را به نیمه اول سال آینده موکول نمود. از طرف دیگر معاون عمرانی وزارت کشور نیز به نوبه خود از مبارزه پیگیری با عوامل "فساد" و اخراج کلیه متخلفین و خاطیان دم‌زد و خاطره‌نشان کرد که برای این منظور علاوه بر کارمندان رسمی و غیر رسمی شهرداریها از وجود دانشجویان هم برای بازرسی شهرداریها استفاده میشود و همگان راهم دعوت به همکاری کرد. (اطلاعات ۲۶ مرداد) آنچه که مسلم است رژیم خود را برای انجام یک انتخابات نمایشی در سطح شهر و روستا آماده میکند، حال با دید بجهت دلیل رژیم ولایت فقیه بفر بهره برداری از این اصطلاح شوراهای برآمده است و این شوراهای چه دردی از او را می‌خواهد درمان کند.

رژیمی که کوچکترین حرکت و خواست مستقل توده‌های لرزه بر اندامش می‌افکند و بردگی مردم را با تفکری عقب مانده و ضد انسانی تخریب کرده با عوام فریبی رذیله‌های با طرح شوراهای اسلامی شهر و روستا، می‌خواهد با اصطلاح نمایندگان مردم را در امور شهرداریها مشارکت دهد و در کنار آن با طرح شعارهای عوام فریبانه مبارزه با طاغوت چه با و نشود آنها و رسمیت بخشیدن به نمایندگان

با زار بعنوان جناح شریک و رقیب در حکومت، ماسک عوام فریبی را با دمکراسی قلبی رنگ و روغن تازه‌ای بزند و با این ترتیب انزوای مایوسانه و شتابان خود را در میان توده‌ها دچار کند و اختلال سازد و مهمترین شوراهای اسلامی را بعنوان ابزاری در جهت سرکوب جنبش توده‌ای و برای شکار پیشروان جنبش توده‌ای بکار برد و عملاً مانع از راه تشکیل هر نوع تجمع و شکل و اقدام مستقل توده‌ای فراهم نماید. به این لحاظ می‌توان گفت که شوراهای اسلامی شهر و روستا، زمینه ساز تسلط همه جانبه ترجانیان اسلامی بر جان و مال و زندگی توده‌هاست.

تداوم جنگ ارتجاعی و جناحی تکرانه، کاهش بهای نفت و ارزش دلار، یوروکراسی وسیع دولتی و مذهبی و خرج کمر شکن آن، باعث آن شده است که شکاف بزرگی بین درآمدها و مخارج رژیم بوجود آید. با این خاطر رژیم با افزایش شدید مالیاتها، اخراج وسیع کارگران و کارمندان بخش دولتی، بستن یگان فروش کارخانه‌ها، کم کردن تدریجی و روزانه خدمات دولتی به قیمت پایین آمدن سطح زندگی مردم و... در صد پائین آوردن مخارج خود است. به این لحاظ مساله خودکفایی شهرداریها که عنوان دیگری برای سرکشی کردن مردم و حذف وجوه کمکی دولت به شهر - داریهاست، را مطرح کرده که ادامه همان سیاستهای ارتجاعی رژیم ضد انقلابی حاکم است. و این در حالی است که بنابه گفته معاون عمرانی وزارت کشور، شهرداری تهران با پرداخت سالیانه یکصد میلیون تومان و اعزام حدود چهار هزار نفر رزومی تخصصی با یکصد دستگاه ماشین آلات سنگین به جبهه‌های جنوب و انجام پروژه‌های راهسازی شامل زیرسازی و اسفالت جاده‌ها و خدمات جنبی بیمارستانهای جبهه، بخشی از هزینه‌های جنگی فقها را از جیب مردم تهران می‌برد از دو طبیعتاً بسا گزینش شوراهای اسلامی شهر و روستا و انتخاب مهره‌های مطلوب رژیم روند مشارکت شهرداری تهران و نواحی بیست گانه آن افزایش پیدا خواهد کرد و مشارکت

سایر شهرداریها در پرداخت هزینه‌ها بالا خواهد رفت و با تصویب انواع و اقسام عوارض و مالیاتهای جدید توسط شوراهای اسلامی سرکشی کردن مردم و غارت لقمه نان سفره زحمتکشان با زهم تشدید شده و شبکه‌های غارت و چپاول تا عمیق روستاها و کنا ر سفره، تهی از نان روستائیان گسترش خواهد یافت.

از جهت دیگر توسل رژیم به مبارزه با فساد و اخراج متخلفین بیش از هر چیز بیانگر این حقیقت است که شهرداری به عرصه مهمی از رقابت جناحهای حکومتی تبدیل شده، بدون تردید رژیمی که سراپا غرق در فساد است نه تنها قادر به مبارزه جدی با فساد نیست بلکه تحت پوشش مبارزه با فساد به افزایش فساد می‌پردازد، عوامل فاسد مطیع تر را جایگزین عوامل فاسد جناح رقیب می‌نماید. شهرداریها به لحاظ تنوع وظایفی که بر عهده دارند و نیز به لحاظ تنوع درآمدها و وصول انواع و اقسام عوارض و با جگریها چه در رژیم گذشته و چه در جمهوری اسلامی منبع مهمی برای غارت، چپاول، ریشخت و پاش و اختلاس بوده‌اند. در چند سال بعد از انقلاب صدها فقره از اختلاس و دزدی کارگزاران رژیم در شهرداریهای تهران، تبریز، اصفهان و... توسط جناحهای رقیب افشاء و حتی مدت‌ها سوژه مطبوعات رسمی بوده است. جا و جنجال پیرامون واگذاری زمین‌های مسکونی تهران، محاکمه مسئولین کشتار گاه تبریز بجرم اختلاس کلان، استیضاح ناطق نوری وزیر سابق کشور و سرانجام برکناری وی از کابینه موسوی سرفصل‌های برجسته‌ای از تضادهای و درگیریهای جناحهای حکومتی بر سر غارت و چپاول درآمدهای شهرداری و حاکم شدن بر زندگی مردم است.

با توجه به نکات فوق الذکر، وظیفه ما اینست که قبل از هر چیزی ترفندها و عوام فریبی جدید رژیم پیرامون اصلاح شهرداریها و سپردن کار مردم به مردم از طریق شوراهای را به عنوان تعرض نویسی برای زمینه‌سازی تسلط همه جانبه تر مزدوران "حزب اللهی" بر جان و مال توده‌ها افشاء، نمائیم. همچنین کمونیستها با یخ‌خواب دمکراتیزه شدن

بعد از مخالفت شورای نگهبان بالا بجه نظام پزشکی تصویب شده در مجلس شورای اسلامی، اینک مساله نظام پزشکی یکی از موضوعات مورد اختلاف حاکمهای درونی رژیم ولایت فقیسه تبدیل شده است. شورای نگهبان بارای اکثریت اعضای خود لایحه تصویب شده را مخالف اساس اصل (۱۵۹، ۶۵، ۲۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی اعلام کرده و به

پیشینه سازمان نظام پزشکی ایران، بیندازیم. سازمان نظام پزشکی ایران که بعد از اعدام اخیر پزشکان علامت‌نحل گردید و هیأت رئیسه و گردانندگان اصلی با اتهام اقدام علیه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی زندانی شدند و اخیرا عده‌ای از آنها به تبعید در شهر - ستانهای مختلف محکوم گردیدند.

و خصوصاً در امور جاری مملکت، مخالفت و تعارض با نظام پزشکی بالا گرفت. اما از سوی دیگر بعلمت نیاز مبرم به خدمات پزشکی، جمهوری اسلامی در تعرض به آنان دچار محدودیتها شدی بود. گرچه در تمام این دوره جمهوری اسلامی به انتحاء مختلف سعی در کنترل پزشکان برای قبولاندن طرحهای خود نمود و موفقیت‌هایی نیز کسب کرد. در این زمینه میتوان از

## بحران نظام پزشکی همچنان ادامه دارد

این ترتیب موجودیت سازمانی بعنوان نظام پزشکی را از بنی و بن منتفی تشخیص داده است. بنا به رای شورای نگهبان، هرگونه نظارت بر امور پزشکی از طرف سازمان نظام پزشکی، بمنزله مداخله در اختیارات قوه مجریه است و همچنین هر نوع رسیدگی به خلفات پزشکان از طرف این سازمان بمنزله مداخله در حوزه اختیارات قوه قضائیه مسائلی است. و بالاخره هر نوع الترام بر عکس به شرکت و عضویت در سازمان نظام پزشکی با قانون اساسی جمهوری اسلامی مغایرت دارد. در عین حال شورای نگهبان تشکیل پزشکان را در سطحی مربوط به امور مسائل صنفی آنها مجاز دانسته است. باین ترتیب شورای نگهبان، که اکثریت اعضای آن طرفدار نفی بخش خصوصی و عدم دخالت دولت در امور مربوط به اقتصاد میباشد، ضمن نفی موجودیت سازمان نظام پزشکی با تلاش دولت و اکثریت مجلس شورای اسلامی برای زیرکنترل در آوردن حوزه‌های جدید و نفی قدرت مداخله دولت در امور بخش خصوصی، بمقابله بر - خاسته است. با توجه به اهمیت حیاتی مساله بهداشت و درمان در زندگی و روزمره مردم، کمبود پزشک و بهای گمرشک - خدمات درمانی در شرایط کنونی و محدود - تر شدن امکانات درمانی توده‌های مردم بواسطه جنگ ارتجاعی، و همچنین برای ساختن اهداف و انگیزه‌های رژیم - ولایت فقیه در تعرض به سازمان نظام پزشکی و واسته کردن آن به وزارت بهداشت، موضع گیری و دخالت فعال کمونسنتها در قبال این وقایع ضروری است. برای این منظور، قبل از هر چیزی لازم است نگاهی، هر چند گذرا، به

سازمان حرفه‌ای پزشکان است. این سازمان در واقع یک اتحادیه صنفی قوی بود که اختیارات گسترده آن، بخش مهمی از اختیارات دولتی در حوزه حرفه پزشکی را نیز در بر می گرفت. مثلاً علاوه بر دفاع از حقوق اعضا، ارگان اصلی اداری مربوط به حرفه پزشکی، خصوصاً مسائل مربوط به اشتغال در بخش خصوصی و مرجع رسیدگی به تخلفات پزشکان و شکایات دریافت کنندگان خدمات درمانی به حساب می آمد. امور مربوطه توسط هیئت مدیره مرکزی و مراکز شهرستانها اداره گردیده و تمامی اعضای هیئت مدیره‌ها (طبق قانون قبلی) بنا بر رای مستقیم و مخفی اعضای سازمان - بر - گزیده می شدند و علاوه بر آن پزشکان نیروهای مسلح و دبیران پزشکان و دارو - سازان نیز سهمیه معینی در ترکیب هیئت مدیره دارا بودند.

سازمان نظام پزشکی با این اختیارات که سلطت وزن مخصوص پزشکان به آن تفویض شده بود توسط اطبائی که در حوزه سیاست مملکت نیز از نفوذ بالایی برخوردار بودند در رژیم گذشته تشکیل گردید. در تمامی آن دوران تسلط این پزشکان بر نظام پزشکی برقرار بود. به عنوان مثال رؤسای هیئت مدیره مرکزی آن دکتر اقبال و پرفسور عدل (رهبر حزب مردم) بودند و بدین ترتیب این سازمان در مجموع به عنوان ارگانی هماهنگ با رژیم گذشته به رتق و فتق امور پزشکی مشغول بود.

پس از سرنگونی رژیم گذشته و شکل گیری جمهوری اسلامی تعدادی در کارکردهای نظام پزشکی بهم خورد و زیر ضربه قرار گرفت. بموازات مستحکم گردیدن موضع حزب اللهیها در حکومت

طرح خدمت یکماه در سال پزشکان در حبه با سایر نقاط کشور به انتخاب وزارت بهداشت، قانون خدمت فارغ - التحصیلان جدید به صلاحیت وزارت بهداشتی در مناطق محروم کشور و منتزع کردن اختیارات صدور پروانه اشتغال به حرفه پزشکی از سازمان نظام پزشکی، عدم صدور اجازه برای دارکتر کردن مؤسسات درمانی خصوصی تا سال ۶۳ و ... نام برد.

دو دوره انتخابات هیئت مدیره مرکزی بعد از انقلاب از کسوتش باگرونی آوری بیشتر پزشکان به این سازمان و از سوی دیگر ازوای کامل رژیم فقیه در این نهاد بود. در این دوره پزشکان حزب اللهی حائس برای خودتجاشی نداشتند و انتخاب دکتر شیبایی در دوره اول بعنوان رئیس هیئت مدیره مرکزی در واقع بیشتر جنبه یک تاکتیک دفاعی را داشت. در عین حال در طی این دوره انتخابات ترکیب هیئت مدیره نسبت به گذشته تغییر کرد و جوانتر شد. گرچه از عناصر مرفقی یا انقلابی کسی را در بر نداشت اما کسانی چون دکتر برومند که دارای گرایشات لیبرالی بودند به عضویت هیئت مدیره درآمدند. با استعفای کرسیبایی در دومین انتخابات و تشکیل هیئت مدیره جدید با شرکت متخصصین سرشناس و کسانی که اکثراً مخالف رژیم و دارای تمایلات لیبرالی بودند این سازمان بعنوان ارگانی که در هماهنگی کامل با رژیم نبوده و خارج از حیطه کنترل آنست به حیات خود ادامه داد. در گریبهای مهم میان این سازمان و رژیم طی این دوره و قبل از تعرض قطعی به آن عبارتند از: اعتماد پزشکان اصفهان در اعتراض

احتیاج دارد و با طرح تشویق سرمایه - گذاریهای خصوصی در امور درمانی آنها راه همکاری دعوت می کند و زمینه توافق با آنها کاملاً آماده است .

بدین ترتیب تعرض به استقلال نظام پزشکی قبل از هر چیز تعرض به حق تشکل پزشکان است و در راستای گسترش دامنه سلطه ولایت فقیه انجام گرفته است . طبیعی است ما کمونیستها که قاطعانه از حق تشکل و آزادی اجتماعات دفاع میکنیم باید از حق تشکل و آزادی پزشکان برای تجمع مستقل دفاع نمائیم .

در همین رابطه با یما هیئت سرکوبگرانه وهم چنین عوامفریبانه تعرض رژیم به سازمان نظام پزشکی را افشا نمود و نشان داد که چگونه فقههای حاکم میخواهند با این گونه اقدامات بر ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی طرحهای خویش سربوش بگذارند . و بالاخره با بدبه این نکته توجه نمود که درگیریهای از این دست بهترین وسیله برای آموزش سیاسی توده ها بوده و با بد طرح مستقل خویش را در برابر توده ها قرار داد و بدین وسیله جزئی از برنامه حکومت کارگران و زحمتکشان را به توده ها آموزش داد . باید به کارگران و زحمتکشان آموزش داد که نه طرحهای بورکراتیک - ارتجاعی رژیم فقهها و نه تبدیل خدمات درمانی به یک بنگاه تجاری سرمایه داری ، هیچکدام نمی توانند مسئله درمان و بهداشت را حل نمایند ، تنها برقراری سیستم بهداشت و درمان رایگان برای کارگران و زحمتکشان توسط حکومت

انقلابی است که میتواند خدمات درمانی را بطور رایگان و سراسری در محل کار و زندگی زحمتکشان در اختیار آنها قرار دهد . وهم چنین پزشکان مترقی باید بدانند که تنها برقراری این سیستم است که می تواند جایگاه اجتماعی واقعی و منطبق با اهداف انسان دوستانه این رسته تخصصی را به آنها ارائه دهد و طبیعی است که تلاش خود آنها برای مبارزه در راه تحقق چنین سیستمی و مرزبندی با نمایندگان کسانی که پزشکی را هم چون یک حرفه پول سازی نگردند جزء ضروری مبارزه آنها علیه جمهوری اسلامی و در راه تامین آزادیهای دمکراتیک در کشورمان است .

اقتصادی - اجتماعی دچار بحران شدیدی است . کمبود خدمات درمانی وهم چنین گرانی آن ، وضع آشفته بیمه درمانی و غیره نارضایتی توده ها را هر چه بیشتر دامن می زند . از سوی دیگر رژیم - جناپنگار جمهوری اسلامی درمداست که برای برطرف ساختن کمبود آرزوی خود که حاصل سیاست جنگ افروزانهاش میباشد و سوسیداد روراکا هش ده - در همین رابطه طرحهایی برای افزودن بر قیمت دارو و ایجاد تغییرات - سیستم بیمه درمانی به ضرر بیمه - شدگان در دستور کار دولت قرار گرفته است . به همین دلیل رژیم ولایت - فقیه ، تعرض به نظام پزشکی و ایجاد هیاهو پیرامون سودجویی و بی انصافی پزشکان را هم چون سربوشی بر ضعفهای خویش بکار گرفت . در واقع قرار بود تمام کاسه کوزه ها بر سر نظام پزشکی شکسته شود تا رژیم بتواند در سایه شعار دادنها و گردوغبار بپاشد از یک سو خود را تبرئه کند و از سوی دیگر طرحهای خویش را به اجرا گذارد . این حقیقت که تعرض برای تمرکز امور پزشکی در دست دولت دقیقاً همزمان با تعدیل سیاست محدودیت فعالیت بخش خصوصی در زمینه خدمات درمانی صورت میگیرد ، خود به اندازه کافی بیانگر ماهیت حمله به نظام پزشکی است هر گاه سردمداران حکومت ، که خود منشأ فساد و انواع غارت و جپاول دسترنج توده های محروم هستند ، از سوء استفاده و سودجویی دیگران سخن میگویند ، قطعاً تیغ شمیر سرکوب را تیزی میکنند .

موضع ما در قبال انحلال نظام پزشکی گفتیم که سازمان نظام پزشکی از ابتدای شکل گیری آن زیر نفوذ و سلطه پزشکان عالی رتبه که خود در واقع بخشی از بورژوازی ایران به حساب می آیند بوده و طبیعتاً تصمیمات آن در عین دفاع از منافع عموم پزشکان ، بطور صریح و روشنی دفاع از منافع همین گروه مسلط را نیز تبعه داشته است . طبیعتاً نمی توانیم از حق استثمار و غارت سرمایه داران دفاع کنیم ، اما مسئله اینست که مخالفت رژیم با سازمان صنفی و مستقل پزشکان به هیچ وجه بر سر این مسائل نیست ، و بر عکس رژیم خود به سرمایه این دسته از پزشکان

به کاهش ویزیت و بدنبال آن حمله حزب الله به مطاب این پزشکان ، تحریم روزنامه کیهان از سوی پزشکان که تقریباً عمومیت داشت ، تجمع ۲۰۰۰ پزشک در مقابل در نظام پزشکی در اعتراض به زمزمه انحلال نظام پزشکی ، شرکت تعداد دکتیری از پزشکان در جلسه اعتراض به انحلال نظام پزشکی که در هتل هیلتون تشکیل شد ، تعرض قطعی اخیر به نظام پزشکی مقارن برنامه متمرکز کردن همه امور مربوط به طب و درمان در یک وزارتخانه بنام " وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی " که از الحاق دانشکده های پزشکی به وزارت بهداشتی بوجود خواهد آمد ، صورت میگیرد ، قانون مربوط به تشکیل این وزارتخانه سال پیش در مجلس بتصویب رسید و بدنبال آن اصلاح قانون نظام پزشکی در مجلس تصویب گردید که مضمون آن تبدیل نظام پزشکی به زائده مستقیم دستگاه دولتی است . مطابق قانون جدید اکثریت قاطع اعضاء هیئت مدیره مرکزی نظام پزشکی که شورای مرکزی نامیده میشود از سوی وزارت بهداشت و درمان و بخشهای درمانی ارتش و سپاه و ارگانهای دولتی دیگر تعیین خواهند شد . و اقلیت ناچیز نمایندگان منتخب پزشکان نیز از مافی تعهد به اسلام ولایت فقیه و عمل به احکام عبادی که جزو شرایط رسمی انتخاب در قانون ذکر شده است ، خواهند گذشت .

اهداف رژیم ولایت فقیه در تعرض به نظام پزشکی

همانطور که از بررسی فوق روشن میشود اولین هدف رژیم از حمله به سازمان نظام پزشکی درهم کوبیدن استقلال آن ، بدست گرفتن کامل مدیریت امور پزشکی و خنثی نمودن مقامی است که طی این مسدودت پزشکان در برابر طرحها و برنامه های آن از طریق نظام پزشکی سازمان داده اند . بعبارت دیگر همانطور که مسئولین مملکتی و وزیر بهداشتی تاکید کرده اند هدف از تغییر قانون نظام پزشکی ، جاری کردن اصول ولایت فقیه در نظام پزشکی ایران است .

اما این همه مطلب نیست ، رژیم جمهوری اسلامی در حال حاضر در زمینه پزشکی هم چون عرصه های دیگر حیات

## مبارزه خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی را سازمان دهیم!

دنباله از صفحه ۱

سلطه سرکوب و اختناق ولایت فقیه در کشور ما، خواستهای دمکراتیک را به عمومی ترین و عاجل ترین اهداف مبارزه انقلابی توده‌ها مبدل ساخته است و در میان این درخواستها بدون شک خواست لغو اعدام و شکنجه و آزادی زندانیان سیاسی از اهمیت اساسی برخوردار بوده و در واقع یکی از حلقه‌های اصلی مبارزه برای آزادیهای دمکراتیک محسوب می‌آید. چرا که این سطح از تعرض به آزادیها نه تنها تحسم عینی و همه جانبه سلطه سرکوب و اختناق است، بلکه خود تضمین کننده موفقیت سرکوب انقلاب در همه حوزه‌های دیگری باشد. از همین رو هر آنکس که برای آزادی میرز محمد سناگزی را بدرستی این خواستها مبارزه سرخیزد و هر مبارزه‌حدی برای آزادی نمی‌تواند بدون طرح آنها گامی مؤثر به پیش بردارد.

اگر چنین است در شرایط حاکمیت اختناق نه تنها نادانان خواستها را از طریق تبلیغات روزمره میان توده‌ها بردلگه همجنینا بر سازماندهی مبارزه برای آنها با دستور کار قرار گیرد. این درست است که خواست آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام و شکنجه آزادیخواهان مورد حمایت همه اقشار و طبقات مترقی کشور است اما در شرایط کنونی نیروی که برای این خواستها بطور وسیع واسطه‌علنی مبارزه می‌کند و در طرح آنها نقش ویژه ای ایفا می‌کند، خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی هستند. بنا بر این برای سازماندهی تشکلی توده‌ای که مضمون فعالیت آن طرح این خواستهای دمکراتیک باشد، باید در وهله اول از سازماندهی مبارزه این نیرو آغاز کرد.

پیوند خانواده‌های از عمیق ترین و محکم ترین پیوندهاست و به همین دلیل خانواده شهدا و زندانیان سیاسی بطور اعم و مادران قهرمان آنها بطور اخص آن نیروی را تشکیل می‌دهند که قبل از همه برای تحقق آزادی عزیزانشان مبارزه بر می‌خیزند و بیش از همه در کسب این خواستها زینفعند. خانواده‌های

رفاهی زندانیان سیاسی و... را در بر - خورد با رژیم فقها مطرح می‌سازند و بر این زمینه مبارزاتی و خواستها و نیازهای مشترک این گروه اجتماعی است که سازماندهی تشکلی خانواده‌شهرساز و زندانیان سیاسی بعنوان تشکلی توده‌ای و دمکراتیک معنا می‌یابد. مادری که فرزند خویش را از دست داده است و یا جگرگوشه خود را زیر تیغ خادمی بیند، پلنگ زخم خورده‌ای است که تا آخرین توان خویش خواهد جنگید. خانواده‌ای که

شهدای قهرمان خلق و زندانیان سیاسی نیروی فعال و مبارزی هستند که برای دفاع از آزادی در مقابل رژیم جنایتکار ولایت فقیه ایستاده و با انگیزه انقلابی و ظرفیت مبارزاتی با لایطور گسترده و علنی در مزار شهدای جاوید خلق، در جلوی زندانها، دادستانها، وزارت اطلاعات، نخست وزیر و... بطور روزمره با رژیم سرکوب و اختناق درگیر بوده و با طومار نویسی، اعتراضات فردی و جمعی و افشای جنایات رژیم فقها در مدد دفاع از زندان



یک یا چند عضو خود را در بند می بینند نمی‌توانند به اشکال گوناگون برای رهایی آنها از جان و دل مایه نگذارد و همین جوشش بی پایان کینه و نفرت انقلابی است که این نیرو را در حال حاضر به فعالترین گروه اجتماعی مبارز در جهت تحقق خواستهای دمکراتیک تبدیل میکند.

انقلابی خود برآمده اند. آنها خواستهای دمکراتیک مردم ما را مبنی بر آزادی زندانیان سیاسی، پایان دادن به اعدامها و قتل عام انقلابیون، قطع شکنجه‌های قرون وسطایی و لغو قوانین شرع اسلامی (شلاق، سنگسار، قطع دست و پا و انگشتان، تجاوز به دختران قبل از اعدام، محاکمات چند دقیقه‌ای بدون حضور وکیل مدافع و...) بهبود شرایط

برای سازماندهی مبارزه خانواده شهدا و زندانیان سیاسی باید قتل اهرجیز درک روشنی از ویژگیها و خصوصیات طبقاتی و فرهنگی این نیرو داشت بدون چنین شناختی امسار سازماندهی نمی تواند بدترستی پیش برود، این ویژگیها کدامند:

الف - برحسته ترین ویژگی که در مبارزه خانواده شهدا و زندانیان سیاسی خود را نشان میدهد، وجود جنبه عاطفی و احساسی نیرومند در آن است. این درست است که در مبارزه هر نیرویی جنبه های عاطفی مطرح است و هیچگاه علل اقتصادی و یا فرهنگی مبارزه تنهائی انقاي نقش نمی نمایند، اما در این روابط عاطفی و پیوند خونی و خانوادگی علت اصلی مبارزه است و میتوان گفت از این نظر از تمامی انواع مبارزات بوده ای قابل تفکیک میباشد.

این مسئله خصوصاً در مورد ما در بیش از همه اعضای خانواده صادق است و طبیعتاً وقتی عاطفه و احساس نقش تعیین کننده در حکومتی اقدام یک نیرو داشته باشد، آگاهی و استدلال منطقی تحت الشعاع قرار خواهد گرفت. عملکرد این عامل را باید بطور همزمان نقطه ضعف و قدرت این جنبه دانست. نقطه ضعف قدرت از آن نظر که مادر حاضر است برای رهایی فرزند خود هر کار ممکن را انجام دهد و حتی در بدترین شرایط و خطرناکترین موقعیت ها ترس و واهمه به خود راه ندهد. به همین دلیل است که در اوج خفقان بناگاه در برابر زندانها، بر سر هزار شهدا و با در مواجهه با مزدوران رژیم فریاد افشاگرانه یک صادر ترس و وحشت را در دل دشمن و حرات و اعتماد به نفس را در میان دوستان ایجاد میکند. مادری که فرزند خویش را از دست داده است هیچگاه خاموشی نمیگیرد و در همه جا و برای همه کس جنایات رژیم را افشاء میکند و با تمام وجود علیه آن میجنگد. کینه و نفرت مادر از دشمنان فرزند و جلادان او با هیچکس دیگری قابل مقایسه نیست و به همین ترتیب انگیزه مبارزاتی عمیق و ریشه دار او اعلمی است در جهت نزدیکی و همراهی با رزمندگان انقلاب و دشمنی و مبارزه اش علیه رژیم جنایتکار حاکم. اما همین عشق و علاقه و کینه و نفرت میتواند به نقطه ضعف این جنبه

نیز تبدیل گردد. خطرای که فوراً در احساسات حرکت سنجیده و آگاهانه زان تحت الشعاع قرار دهد کم نیست. مادر همواره هدف رهایی فرزند خود را دنبال خواهد کرد، این انگیزه مبارزه اوست، مادر صورتی توجیبی به مسائل دیگر همین عامل میتواند محدود و کندنده دامنه مبارزه باشد. عشق و علاقه شدید به فرزند در برابر هر چیز و هر کس که نشانی از او ندارد، حالت دفاعی ایجاد می کند. این برای تشخیص دشمن بسیار مفید است، اما همین حالت میتواند مبنای براکنندگی دوستان نیز بحساب آید. مثلاً در صورت عدم آگاهی، مادر میتواند از به اصطلاح "گمراه کننده" فرزند خود متنفر باشد و این احساس را به رابطه با مادر یا خانواده او منتقل سازد و با کم نموده اند مواردی که در نظر ما در ضعف هم بر آورده فرزندش که اعتراف او موجب دستگیری و یا سنگین تر شدن جرائم فرزندش شده است، در حد خیانت تلقی گشته و بر همین مبنا خانواده او نیز در میان مادران یا خانواده ها طرد و منزوی گشته است.

ب - در کشور ما بنا به دلایل زیاد، پیوندهای خانوادگی در امر تحزب نقش مهمی دارند. نگاهی به سازمانهای سیاسی بعد از قیام نظریه فوق را تأیید می کند، خصوصاً در خانواده های اشرار میانی جامعه، پدر و مادرها در این خانواده ها جانب فرزندانشان را میگیرند و جوانترها که از برادر یا خواهر شهید یا زندانی خویش تأثیر پذیرفته اند در دستگیری خانواده نقش زیادی دارند. این مسئله در مورد ما در بیش از همه اعضای خانواده صادق است. مادر معمولاً میکوشد از زاویه منافع فرزندش به مسائل بنگرد و در باره افراد داور می کند. پس از دستگیری و یا شهادت فرزند، این تبعیت از دیدگاه او در برتر عشق و نفرت بیش از پیش تحکیم میگردد. اگر خانواده دشمنی ایدئولوژیک - سیاسی فعالی یا خط ایدئولوژیک - سیاسی فرزند نداشته باشد، موضوعی کلی خانواده و بخصوص مادر عملاد را با ایدئولوژی فرزند تعیین میشود، اما این موضوعی لزوماً پذیرش آگاهانه ایدئولوژی نیست و بیشتر می تواند جنبه تعصب بخود بگیرد. تفکیک خانواده ها بر مبنای پیرونده و دستگیری ایدئولوژیک فرزند یا عضو

دیگری که در بنیاد است، از همین جانشات میگردد. این گرایش در صورت برخورد آگاهانه میتواند در جهت ارتقا سیاسی - ایدئولوژیک کل خانواده مورد استفاده قرار گیرد و در عین حال امکان تبدیل آن به برخوردهای سکنار یستی و عصبی که زمینه ساز پراکنندگی سیاسی میگردد نیز وجود دارد.

ج - برخورد احساسی با واقعیت خانواده شهدا و زندانیان سیاسی خصوصاً مادر که عزیزترین و فداکارترین آنهاست میتواند به نفع یا مضرتی بر ارمون آنهاستند و این برای امر سازماندهی که برخورد کارآمدی با آنها را میطلبد، بسیار گمراه کننده است. واقعیت این است که در مبارزه، حرکات و روابط حاکم در میان این گروه اجتماعی، ویژگیها و خصائل طبقاتی رهایی خویش را آشکارا بر جای مینهند و بدون روشن ساختن آنها، حتی اگر تلخ هم باشند، نمیتوان به سازماندهی درست این مبارزه اقدام نمود. پس از انقلاب، خرده بورژوازی جدید و رادیکال مبارزه فعال و گسترده ای علیه ارتجاع فقهی کرده و می کند و به لحاظ مخالفتش با تمامی جنبه های ایدئولوژیک - سیاسی فرهنگی رژیم فقها، طبیب و سعی از این قشر اجتماعی درگیر با این رژیم بلیه ضد نثری میباشد. طبیعی است که بسیاری از خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی نیز با این اقشار تعلق دارند و در نتیجه در میان این خانواده ها ارزشها و خصائل خرده بورژوازی وزن سنگینی دارند. بنا بر این باید نسبت به آثار منفی این وابستگی هشجاری داشت و با آنها مقابله نمود. خودخواهیها و رقابتهای فردی، پذیرش منزلت و تشخص برای خانواده های متمول و تحقیر ریبی توجیبی به خانواده های زحمتکش، زخم زبان و شایعه پراکنی و تمام خصوصیات خرده بورژوازی دیگر اینجا بقوت خود باقی است و می تواند به روابط درونی تشکل های خانواده ها و تحکیم و یا بیداری اتحاد آنها لطمات جدی وارد سازد. فعالیت سازمانگرا نه و آگاهگرانه در میان خانواده شهدا و زندانیان سیاسی بدون توجه به این عوامل نمیتواند موفقیت چندانی بدست آورد.

## در آستانه . . .

دارد و نه راه پس، مهم ترین عامل زمینه ساز بحران بزرگ جدید می باشد.

**ب -** امکانات مالی رژیم ته کشیده است، رژیم جمهوری اسلامی از لحاظ مالی اکنون در بدترین شرایط سراسر دوران موجودیت خود قرار دارد. حقیقت این است که جنگ شش ساله گذشته میان ایران و عراق، بدون درآمدن نفت امکان ناپذیر بود. هر دو کشور متخاصم با تکیه بر درآمدن نفت توانسته اند جنگ طولانی پرخرجی را تحمل کنند. بعلاوه درآمدن نفت در تمام دوره موجودیت رژیم جمهوری اسلامی باین رژیم امکان داده است که پایه حمایتی خود را فعال نگهدارد و یا دست کم از مقابله فعال توده های تهیدست جلوگیری کند. اکنون نه تنها قیمت نفت در بازارهای جهانی بشدت پائین آمده، بلکه امکانات ایران برای صدور نفت نیز بخاطر جنگ و حملات هوایی عراق عملاً بسیار محدود شده است. از آن گذشته رژیم ناگزیر است قسمت اعظم درآمدن خود را صرف ادا ماه جنگ کند. نتیجه این شده که تقریباً تمام صنایع اصلی کشور به حالت تعطیل درآمده، صدها هزار کارگر بیکار شده اند. در محافل حکومتی آشکارا از امکان بیکار شدن ۶۵ هزار کارگر صنعتی، یعنی از بیکار شدن تمام کارگران صنایع و کارخانه های بزرگ، صحبت می شود. مواد غذایی اولیه کاملاً کمپا شده اند. جهش قیمت ها و سلطه بازاریا پیدا می کنند. چنین وضعی برای مدتی زیاده قابل دوام نمی تواند باشد. جمهوری اسلامی که از لحاظ امکانات مادی، هرگز به محاصره نیفتاده بود، اینک در بن بست کامل قرار گرفته است. این بن بست مالی نه تنها پایه های حمایتی رژیم را تضعیف میکند، بلکه اکثریت قریب با تفاق مردم را به مقابله فعال با آن خواهد کشاند.

**ج -** رژیم برای بسیج پایسه حمایتی خود در بدترین شرایط قرار دارد. جنگ طولانی شش ساله و بحران اقتصادی مزمن ده ساله گذشته وضع تهیدستان شهر و روستا را بشدت خرابتر کرده و رژیم اسلامی که بارها با کثیف ترین شیوه های عوام فریبی خود را حامی "مستضعفان" و "کوچ-تشینان" جازده، اینک دیگر قدرت مانور خود را از دست داده است. ته کشیدن امکانات مالی و فشار رویرا نگر جنگ

چهره واقعی ولایت فقیه را حتی برای بخش وسیعی از "امت حزب الله" نیز نشان داده است. اکنون حتی بسیاری از حزب اللهی ها نیز در ریافتها ندکمه رژیم ولایت فقیه حامی ثروتمندان است. وضع رژیم دیگر بدتر از آنست که حتی به "مستکبرستیزی" نظر هر یکند. موسوی خمینی ها، مهره اصلی خمینی در اشغال سفارت آمریکا، اینک در سمت دادستانی کل انقلاب، دیگر قاف در نیست حتی روستائیان یک ده فلک زده را دور خود بسیج کند و با لاسه "مستکبرستیزی" راه بیندازد. رژیم بعد از این برای مقابله با جنبش توده های مردم، دیگر نمی تواند بخشی از خود مردم را بسیج کند، بلکه ناگزیر است به نهادهای سرکوب مستقیم و عریان خود متوسل شود، و این درمنزوی ساختن او نقش تعیین کننده ای دارد و خواهد داشت.

**د -** شکاف درونی رژیم عمیق و دامنه بی سابقه ای پیدا کرده است. بعد از بیرون راندن بنی صدر از حکومت رژیم جمهوری اسلامی هرگز چنین گرفتار شکاف درونی نبوده است. علی رغم تمام تدارکات که برای جانشینی خمینی و تحکیم روابط درونی رژیم صورت گرفته، اختلافات نه تنها کاهش نیافته بلکه دامنه دارتر و عمیق تر نیز شده اند. هاشمی رفسنجانی بارها تاکید کرده است که در مورد مسائل اقتصادی دودیدگاه متفاوت وجود دارد، دودیدگاهی که در شرایط عادی باید دو حزب سیاسی متفاوت را شکل بدهند. آذری قمی در پاسخ او، در روزنامه رسالت، صراحتاً یادآوری کرده است که اختلاف دودیدگاه تنها به مسائل اقتصادی محدود نمی شود بلکه در همه حوزه های حیاتی، آنها با هم دیگر اختلاف دارند. اختلاف بر سر ادامه جنگ، هر چند کاملاً پوشیده نگه داشته می شود، در درونی تریسین محافل رهبری رژیم ریشه دوانیده است. دوجریان مخالف پنهان نمی کنند که بعنوان هدف مقدم بر سرکامین می جنگند. در نیروهای مسلح رژیم شکاف آنچنان آشکار شده که اینک همه آنرا برزبان می رانند. سپاه پاسداران حتی فرمانده حزب اللهی نیروی زمینی را نتوانست تحمل کند. جنگ و بحران اقتصادی دائماً بر این شکاف می فزاید و خمینی قادر نیست یکی از دو جناح را

حذف کند زیرا اگر رفسنجانی، منتظری، مشکینی، خامنه ای و اردبیلی را بران قدیمی او هستند، آذری قمی ها، عسگر-اولادی ها، توکلی ها، محمدی زدی ها، با دامچیان ها نیز بیگانه نیستند. اختلاف این بار در میان حلقه اصلی هواداران ولایت فقیه افتاده است و آنهم بر مسائل حیاتی.

همزمانی و ترکیب مجموعه عوامل یا شده است که شرایطی بوجود آورده است که در هر لحظه از یک جرقه کوچک ممکن است آتش بزرگی برخیزد. بی توجهی باین شرایط، بی توجهی به بتانسیل تکوین موقعیت انقلابی است. کمونیستها باید از هم اکنون خود را برای نبردهای بزرگ آماده کنند. تردیدی نیست که در روند تدارک، یکسان گرفتن امکان و فعلیت خطای بزرگی است و هرگز بدون تشبیه نمی ماند. امکان بروز موقعیت انقلابی با موقعیت انقلابی تفاوت آشکاری دارد. بعلاوه بیرونی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه و بیرونی یک حکومت انقلابی و دموکراتیک نیست. اما همه اینها تا حدود زیادی به آمادگی و توان رزمی و سازماندهی نیروهای کمونیست و انقلابی بستگی دارد. ما حق نداریم در این دوره سر-نوشت سازتما شاگرو مفسر حوادث بمانیم. اگر قدرت سازمانی و توان رزمی مان هنوز برای رویارویی های بزرگ کافی نیست، باید جسارت فکری و عملی مان بیشتر باشد. نباید فراموش کنیم که مسابزرگترین نیروی انقلابی کشورمان - یعنی طبقه کارگر ایران - را نمایندگی می کنیم و باید کنیم، تنها طبقه ای که میتواند معمار یک جامعه دموکراتیک و انقلابی باشد، تنها طبقه ای که همه نیروهای مترقی و تمام عناصر شرافتمند کشور ما می توانند برگرد او متحد شوند. برای کمونیستها و انقلابیونی که به نیروی تعیین کننده توده های زحمتکش ایمان دارند، هر بحران انقلابی، امکانی است سرنوشت ساز و تعیین کننده. آنچه را که کم داریم در بیکارهای بزرگ طبقاتی بدست خواهیم آورد، بشرط اینکه عزم و جسارت جنگیدن داشته باشیم و به پرچم رهاشی طبقه مان وفادار بمانیم. در جنگی (یا بقیه در صفحه ۳۱

# اخبار مبارز کارگران و زحمتکشانشان

رکود تولید و بیکاری کارگران

## ایران ناسیونال

در این شرکت که تا تاریخ ۶۵/۴/۱۷، به کارگران مهلت داده شده بود که استعفا بدهند، تا شهریورماه حدود ۸ هزار تا ۸۵۰۰ نفر استعفا داده بودند و خط استعفا همچنان ادامه داشت. بطوریکه دست اندرکاران تا حدودی سعی داشتند که استعفای آنها را مهار کنند، مخصوصاً از استعفای آنهایی که مورد احتیاج می باشند، جلوگیری کنند. از طرف دیگر کارگران مطرح می ساختند که مسأله استعفا بگونه ای است که بیست و نه کارگرانی که احتیاج ندارند، فشار می آورند تا خود آنها محوره استعفا گردند. در حال حاضر این کارخانه روزانه ۶۰ اتومبیل بیکان تولید می نماید و حدود ۶ هزار نفر مشغول کاری باشند. اخراج کارگران فعلی متوقف شده و کارگران

را بدلیل کمبود نیرو، به شیفت تقسیم کرده اند و اضافه کاری دوباره رواج پیدا کرده است. هم اکنون اکثریت قریب به اتفاق کارگران دیگر حاضر به استعفا نیستند. آنها در این مدت یکماه از نزدیک شاهد سرگردانی و بیکاری همکاران اخراجی خودشان بوده اند و فهمیده اند که شرکت هرچقدر بپول به آنها بدهد، سریعاً تمام می شود و آخرش بیکاری و بی پولی و سرگردانی است. بهمین خاطر این روزها کارگران می گویند: "برای اینکه ما را تشویق به باز خرید کنند، میگویند که می خواهیم شما را به جیبها و یا مناطق جنگی بفرستیم و حالاکه اکثر بیرون رفته اند، معلوم شده که فقط برای ترساندن کارگران این حرف را زده اند". کارگران ایران ناسیونال در حال حاضر کارگران کارخانجات دیگر را نیز از استعفای دادن برحذر می نمایند.

## قطع غذا در کارخانه کفش شاه کرده و تنها در ساعت ۹ صبح غذای مختصری

میل نان و سیب زمینی می دادند که دیگر حتی صدای اعتراض کارگران حزب اللهی نیز شنیده میشد. ولی کارگران می گویند اعتراض برای غذا در شرایط کنونی که کارگران کارخانه های دیگر را اخراج می کنند، تأثیری ندارد و حتی ممکن است بهانه ای برای اخراج گردد. این در حالی است که برخلاف همیشه که قبل از تعطیلات تا بستن حق تولید و پول آنها به همراه حقوق پرداخت می شد، امسال فقط حقوق را داده اند و از این بابت شدیداً در مضیقه مالی برمی روند و اکثراً مجبور شده موجودی خود را از صندوق

از پایان ماه رمضان تا اول مردادماه از طرف مدیریت تصمیم گرفته شد تا آنها را قطع کرده و در ساعت ۱۱ صبح تا پنج بجاده شود. این برنامه تا حدودی پیش رفت، اما بتدریج از کیفیت صحنه کاسته شد، بطوریکه بعضی از روزها نان کم می آمد و یانان و خیار بعبه و نان صحنه میدادند و با محتویات ساندویچ روز بروز کمتر میشد و بعضی روزها هم سبب زمینی خرد شده را داخل نان ساندویچ ریخته و به کارگران میدادند که کارگران نیز از این وضع ناراضی بودند. در تاریخ ۲۹/۴ تا ۵/۲، صحنه و ساندویچ را قطع

## شرکت سولیران

هم اکنون اکثر کارگران این شرکت بعلت کمی حقوق، پس از ساعات کار در کارخانه، به اشتغال در خارج از کارخانه روی آورده اند. در حال حاضر این شرکت با کمبود مواد اولیه چون ورق گالوانیزه و کوئیل فولاد لپه روبرو می باشد.

## گروه صنعتی ملی و هفتم تیر

در گروه صنعتی ملی، انجمنهای اسلامی نمایشگاهی تدارک دیده بودند که علاوه بر پوسترو کتاب و فروش نسوار، در انتهای نمایشگاه، جایگاهی درست کرده بودند که شبیه قبرستان بود و ۷۳ عدد سنگ قبر ساخته بودند که کارگران از این نمایشگاه استقبال نکردند و کسانی که از روی کنجکاری به نمایشگاه میرفتند، به دیدمضحکه به آن میگریستند و می گفتند: "این چه نمایشگاهی است که مردن را تبلیغ میکند." و یا اینکه: "حق تولید ما را صرف چه چیزهایی می کنند."

اطلاعیه نه تنها استقبال نکردند، بلکه با افشای توطئه این توطئه انجمن اسلامی را که قصد داشت تعداد اعضای خود را بیشتر نماید، خنثی نمایند.

مثل نان و سیب زمینی می دادند که دیگر حتی صدای اعتراض کارگران حزب اللهی نیز شنیده میشد. ولی کارگران می گویند اعتراض برای غذا در شرایط کنونی که کارگران کارخانه های دیگر را اخراج می کنند، تأثیری ندارد و حتی ممکن است بهانه ای برای اخراج گردد. این در حالی است که برخلاف همیشه که قبل از تعطیلات تا بستن حق تولید و پول آنها به همراه حقوق پرداخت می شد، امسال فقط حقوق را داده اند و از این بابت شدیداً در مضیقه مالی برمی روند و اکثراً مجبور شده موجودی خود را از صندوق

## شرکت کفش شاه

علاوه بر اعتراضاتی که کارگران این کارخانه در مورد حذف غذا و کیفیت ساندویچ داشتند، بعلت آنکه در روزهای اول به آنها اجازه داده نمی شد که هنگام صرف ساندویچ کار را قطع نمایند، دست به اعتراضات پراکنده و جسته و گریخته ای زدند و بالاخره توانستند هنگام صرف غذا بمدت ده دقیقه، دستگای آنها را ببندند. همچنین در تاریخ ۶۵/۲/۲۷، از طرف انجمن اسلامی اطلاعیه ای خوانده شد که در آن از کارگران دعوت بعمل آمده بود که برای اینکه بتوانند در انتخابات مسئول انجمن اسلامی شرکت نمایند، لازم است تا تاریخ ۶۵/۳/۲۹، به عضویت انجمن درآیند. کارگران از این

## اعتصاب در کارخانه

ریس باف اصفهان کارگران کارخانه ریس باف اصفهان در اعتراض نسبت به کاهش حقوق خود، که به بهانه تا مین حقوق و مزایای کارگران اعزامی به جیبها در تاریخ ۱۷ تیرماه دست به اعتصاب زده بودند، با عوامل سرکوبگر رژیم روبرو شدند و به خواسته های آنها ترتیب اثر داده شد.

## نیروگاه برق اصفهان

در پی آتش سوزی در واحد شماره ۳ نیروگاه اصفهان که ۲۰۰ مگاوات برق شهر را تولید می نماید، اکثر نقاط شهر در خاموشی فرورفت و این مسأله موجب خشم و نفرت توده ها نسبت به رژیم گردید.



## رنگ سازی طیف

## ماشین سازی تبریز

در این کارخانه مدیریست اعلام کرده است که تا پنج ماه دیگر، مواد اولیه به اتمام میرسد و به این وسیله قصد دارد که محیط رعب و وحشت ناشی از اخراج و تعطیلی را بر کارخانه حاکم نماید. این کارخانه دارای ۳۰۰۰ کارگر و کارمندی باشد و تولیدکننده انواع ماشین های ترانس، مته و فرز میباشد.

این شرکت در جاده مخصوص کرج واقع شده است و نزدیک به ۲۵۰ نفر کارگردارد. تولیدات آن پیش از این روزانه ۴۰ تن بوده که هم اکنون به ۳ تا ۴ تن رسیده است. مواد اولیه آن در حال پایان یافتن میباشد. مساله اخراج در این شرکت رواج یافته است. از اواخر خرداد اطلاعاتی مبنی بر استعفادادن کارگران بطور داوطلبانه به دیوار نصب گردید که تا آخر خرداد مهلت داده شده بود. تا تیرماه، ۴۰ نفر داوطلبانه استعفا داده اند. عده ای که تا پایان مهلت مقرر استعفاندا ندن پیشیمان شده و می گویند که اخراج خواهند شد و چیزی به آنها تعلق نخواهد گرفت. هم اکنون کارگران نگران مساله اخراج میباشند.

## صنایع نظامی - تهران رکود تولید و بیکاری کارگران اخراج در ایران یا سا

تا تیرماه اصالت بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران این کارخانه اخراج گردیده اند و روزانه نیز بین ۲۰ تا ۳۰ نفر اخراج میگرددند.

## شرکت تهیه و توزیع

## ابزار آلات و مواد اولیه

پس از اطلاعیه شرکت مبنی بر استعفا کارگران، تاکنون ۲۲۰ نفر از کارگران تصفیه حساب کرده و ۲ ماه حقوق دریافت کرده اند. هم اکنون تنها ۸۰ نفر باقی مانده اند. به گفته یکی از کارگران، در کلیه شرکتهای وابسته به وزارت بازرگانی، به همین نسبت اخراج صورت گرفته است.

## شرکت ایرانا

این کارخانه وابسته به گروه کارخانجات ایرانی نامی باشد و بیش از ۱۰۰۰ کارگردارد. تولیدات آن عبارتست از ملامین، کف پوش ماشین و غیره. در حال حاضر این شرکت از نبودن مواد اولیه در مصیقه می باشد بطوریکه تولید ملامین آن در گذشته ۱۰۰۰ سری بوده است، در حالیکه هم اکنون به ۱۴ سری رسیده است و تنها یک دستگاه آن کار می کند. از شش ماه پیش تاکنون، مواد اولیه این کارخانه تمام شده است و از باقی مانده ضایعات خود که در بیابانهای اطراف جاده کرج ریخته شده بود، استفاده میکند. مدیریت گفته است که با وجود این وضع، تا عماره دیگر، چیزی برای تولید کردن نخواهیم داشت و کارگران از هم اکنون نگران آینده خویش می باشند.

در این کارخانه، مبلغ ۴۸۰۰۰ تومان که بعنوان حق عائله مندی، هر ماه یکبار به کارگران پرداخت میگردد، در شش ماه دوم سال ۶۴ پوش ماه اول سال ۶۵ پرداخت نگردیده است و این مساله هم اکنون باعث شکل گیری اعتراضات پراکنده کارگران گردیده است. علاوه بر این، ارتعنا دسهمیه دفترچه خواربار، از سال ۶۴ به بعد، یک سهمیه کسر گردیده است. مثلاً به یک خانواده ۵ نفری، فقط ۴ سهمیه تعلق میگیرد. قرار بر این بود که در ازای آن مبلغی بول به کارگران داده شود. ولی اینکار نه در شش ماه دوم سال ۶۴ و نه در شش ماه اول سال ۶۵، انجام نگردیده است. کارگران این کارخانه همچنین در مقابل فشارانجمن اسلامی برای برگزاری نماز جماعت مقاومت می کنند و هرگز کسبه نحوی از رفتن به برگزاری مراسم مذهبی - سیاسی خودداری نمی نماید.

## اخراج کارگران در کارخانه آتمسفر

این کارخانه که ۷۰۰ الی ۸۰۰ کارگردارد، در جاده مخصوص کرج واقع است و متعلق به بخش خصوصی میباشد. حدود ۳ ماه پیش تعداد ۶۰ نفر کارگر به استخدام این کارخانه درآمدند که در فاصله ۶۵/۴/۱۵ تا ۶۵/۴/۲۲، تعداد ۵۷ نفر از آنها در چند نوبت و بدون دادن حتی یک ریال اخراج گردیدند. از نظر مدیریت، اخراج این کارگران از آنجا نیکه هنوز دوره آموزشی ۳ ماهه خود را پایان نرسانیده بودند، بدون پرداخت مبلغی پول قانونی می باشد.

## کارخانه پلی اکریل

این کارخانه که در ۵ کیلومتر اصفهان واقع است و دارای ۲۵۰۰ کارگر می باشد، به علت کمبود مواد اولیه، به مدت ۴۵ روز تعطیل گردیده بود. مدیریت این کارخانه گفته است برای جبران زیانی که از این تعطیلی به کارخانه وارد آمده است، باید از حقوق و مزایای کارگران کسر شود که این امر با مقابله یکپارچه کارگران روبرو گردیده است. مدیریت هم اکنون از مقابله مستقیم با کارگران هراس دارد.

## بنزخا ور

تعداد ۸۰۰ نفر از کارگران استخدامی و روز مزد در بنزخا ور اخراج گردیدند.

## کارخانه ارج :

## تدارک قطع عیدی

هر ساله هنگامی که کارگران به تعطیلات تابستانی می رفتند، عیدی یکماه به آنها پرداخت میگردد. ولی مساله سال ابتدا مدیریت اعلام کرد که قبل از تعطیلات، عیدی نمیدهیم، ولی تحت فشار کارگران اعلام کرد که علی الحساب به هریک از کارگران مبلغ ۳ هزار تومان میدهیم، اما ۷۰۰ تومان از حقوق ماهیانه کسر خواهیم کرد. چون ممکن است دولت اعلام کند که از سال عیدی قطع شود، ولی اگر اعلام شود که عیدی مانند سالهای قبل پرداخت گردد، دوباره این مبلغ را به شما خواهیم داد.

## جنگ و کارگران

لسنرور

در تاریخ ۱۴/۴/۶۵، از طرف سپاه پاسداران اطلاعاتی در تابلوهای اعلانات زده می‌شود در آن از کلیه کارگران خواسته می‌شود که جهت آموزش نظامی ثبت نام نمایند. از طرف دیگر اسامی کله‌کارگران به وسیله کارخانه داده می‌شود و قرار بر این می‌گردد که هر هفته تعداد ۴ نفر را جهت آموزش بفرستند. اکثر کارگران از این موضوع ناراحت هستند و می‌گویند هدف رژیم این است که کارگران را پس از آموزش به جبهه‌ها اعزام نماید. به همین خاطر در حال حاضر تعدادی از کارگران حاضر نیستند دوره آموزش نظامی را طی کنند.

### شرکت پارس الوان : (تیرماه ۶۵)

پس از اخراج مدیریت توسط کارگران در تاریخ ۲۶/۳/۶۵ از طرف سازمان صنایع ملی مدیریت جدیدی به شرکت فرستاده شد که بنا به اظهار کارگران با اصطلاح "مکتبی تر" می‌باشد و از فردای ورودش به کارگران فشار آورده و مطرح کرده که همه کارگران باید به نوبت به حسه بیرون و نمازخانه را نیز راه انداخته و آخوندی را هم جهت برگزاری نماز به کارخانه آورده است و هر روز خود و تعدادی حزب الهی که اکثر اعضای انجمن اسلامی هستند، در آن شرکت می‌کنند که در مجموع ۲۴ نفر می‌شوند. لازم به یادآوری است که شورای اسلامی در اخراج مدیریت قبلی با کارگران همکاری کرده بود ولی حال اجرای دستورات مدیریت جدید

## کارخانه کفش شاهد

در اوایل شهریور ماه از طریق بلندگواعلام می‌شود که کارگران داوطلب شرکت در جبهه‌ها خود را جهت اعزام به دفتر انجمن اسلامی معرفی نمایند. ولی هیچیک از کارگران داوطلب نمی‌گردند. انجمن اسلامی و بسیج کارخانه بیکار ننشسته و با زحم پس از چند روز دیگر، از طریق بلندگوا از کارگران خواستند تا برای رفتن به جبهه‌ها ثبت نام نمایند و با زحم کسی ثبت نام بعمل نیامد. این مسأله باعث ناراحتی شدید انجمن و بسیج گردید. آنها پس از اینکه فرم اعزام ۱۵ نفر از کارگران را بخش کردند و از میان آنها فقط نفر به جبهه رفتند، شدت تحت فشار روحی هستند و هر چه بیشتر منزوی شده‌اند. کارگران آنها را به هم‌بگیر نشان می‌دهند و حتی در جلوانجمنی‌ها و بسیجی‌ها مطرح می‌کنند که شما‌ها چرا به جبهه نمی‌روید؟ همچنین دانشم سعی می‌کنند از طریق شوخی و تمسخر، نفرت خود را بروز دهند.

### شرکت سولیران

در سه ماه دوم سال جاری، این شرکت با خرید ۵ هزار تن ورق فولاد لایه از ژاپن، به تولید سفارشات مربوط به جنگ و سپاه پاسداران پرداخت. طی یک ماه گذشته، ۲ سفارش برای ساخت اسکلت فولادی از طرف سپاه آورده شده است که ۳ هزار متر مربع صرف ساختن پادگان سپاه بنام "بازوردی" واقع در جاده قدیم کرج گردید. این سفارش که مهلت آن ۴۵ روزه بود، باعث گردید که مدیریت اضافه کاری را در قسمت‌های تولید برقرار نماید. علاوه بر این، ساختن یک قایق لایروبی بطول ۶ متر به این شرکت داده شده است که در دست انجام است. شایعاتی وجود دارد که اگر ساختن این قایق به پایان برسد و مورد تأسیس سپاه قرار گیرد، در آینده تولید اصلی این کارخانه متوقف و ساختن قایق لایروبی برای مدتی تولید این شرکت خواهد بود.

### اعتصاب ۲ ساعته در شرکت کفش پویا

کارگران این شرکت پس از آنکه متوجه شدند مقدار بولی که به آنها برده‌اند شده بسیار ناچیز است به اعتصاب دست زدند. اعتصاب به سرعت به همه قسمت‌ها گسترش یافت.

بسیار خرابی در کارخانه بنزخا و رکلید افتاده کارصبا تحت هر عنوان حذف گردیده است. دو صورتیکه بنا بر هر علتی عده‌ای از کارگران به اضافه کاری دعوت شوند با این ساعات اضطراری اضافه کاری هیچگونه حقوقی تعلق نخواهد گرفت.

گفته و کارگران از این بابت سخت‌تاز شورا ناراحت هستند و وقتی عملکردهای مدیریت جدید را می‌بینند مطرح می‌کنند که شورا چون رابطه‌اش با مدیریت خوب نبود، از ما کارگران استفاده کرده است و حالا که مدیر مکتبی آمده و خرش از پیل گذشته، با مدیر جدید ساخته است.

### مقاومت پیروز مندان آوارگان جنگی

یورش ضد مردمی رژیم به مهاجرین جنگ در اثر مقاومت یکپارچه آنان با شکست مواجه گردید. هتل بین‌المللی با تمام نقلیج واقع در سیدخندان، به مهاجرین جنگی اختصاص یافته و تعدادی از خانواده‌های جنگ زده که اکثر آنها خرمشهری هستند در آنجا سکونت دارند. رژیم که اخیراً تصمیم به تخلیه این هتل آوارگان جنگی گرفته است، و در این رابطه چندین بار به ساکنین هتل تذکر کتبی و شفاهی داده که هر چه زودتر ساختمان مزبور را تخلیه کرده و به شهر خود مراجعت کنند. اما تذکرات و خط‌راهای مکرر نتیجه‌ای نداد و رژیم طبق معمول همیشگی به زور متوسل گردید. روز

جمعه ۲۱/۵/۶۵، پلیس قضائی برای تخلیه به محل می‌آید، اما چون با مقاومت یکپارچه جنگ زده‌ها مواجه می‌گردد، از کمیته انقلاب اسلامی کمک می‌خواهد و بلافاصله پاسداران مسلح با ماشینهای کمیته فرامی‌رسند. اما این بار نیز کاری از پیش نمی‌برند. زیرا همچنان با مقاومت سرسختانه آوارگان مواجه می‌گردند. یکی از آوارگان جنگی بعنوان نماینده به پاسداران مراجعه کرده و می‌گوید: "ما از اینجا تکان نمی‌خوریم مگر اینکه همه ما را از زن و بچه و پیر و جوان بکشید. ما تمام زندگیمان را از دست داده‌ایم. خانه‌هایمان سوخته و بچه‌هایمان کشته شده‌اند." سرانجام پاسداران مجبوره عقب نشینی می‌گردند.

## لندرور

این کارخانه هم اکنون همه اضافه کار بهایش را الفلک کرده و روزی ۴۵ دقیقه به ساعات کار روزانه افزوده است و بجای آن پنجشنبه ها را تعطیل اعلام کرده است. میزان تولید این شرکت بعطت خرید مواد اولیه ای که پیش از این داشته نسبتا خوب است و به روزی ۱۴ تومبیل میرسد. کارگران مطرح میکردند که قرار است حدود ۴۰ نفر را اخراج نمایند. زیرا تعداد کارگران که حدود هزار نفر می باشند، بیش از تعداد در تاریخ ۶۵/۵/۲۵ از طرف مدیریت شرکت فرمی در اختیار کارگران قرار دادند که در آن از کارگران خواسته شد که هر چه سریعتر جهت باز خرید و استعفا فرم را پر نمایند و اگر تا تاریخ ۶۵/۵/۲۳ فرم را پر کنند، مبلغ ۱۰ هزار تومان جایزه به آنها تعلق خواهد گرفت و اگر تا تاریخ ۶۵/۵/۲۸ آنرا پر کنند، مبلغ ۶ هزار تومان جایزه پرداخت خواهد گردید. ضمنا در این فرم قید شده بود که در ازای هر سال سابقه، ۴۵ روز حقوق و در صورتیکه بخواهد بیه روستا بیرون مسافرت ۱۵ هزار تومان وام و یکماه حقوق بیکاری به کارگران استعفا دهنده داده خواهد شد. البته در همان روزی که فرم مزبور را به کارگران دادند،

مدیریت نیز سخنرانی نمود و ضمن آن از کارگران خواست تا احتما استعفا دهند زیرا اینکار به نفع خودشان می باشد و علت این مساله را پاشین بودن بودجه ارزی کشور ذکر نمود که شرکت قادر نیست لوازم بدکی خود را مداوما تهیه نماید و ممکن است در آینده، یک روز در میان کارخانه کار نماید، یا بصورت روزی ۵ ساعت و یا ۱۵ روز تعطیل و ۱۵ روز کار باشد، که در همه این موارد فقط حقوق روزهای کسه کارخانه مشغول بکار می باشد به کارگران تعلق خواهد گرفت مساله دیگر اینکسه امکان دارد کارگران را به مناطق جنگی بفرستیم که در آنجا کار کنند و یا آنها را به جبهه اعزام کنیم. خلاصه اینکسه وضع شرکت اصلا خوب نیست و هر چه زودتر استعفا دهید.

کارگران پس از این سخنرانی تقریبا تحت تاثیر قرار گرفتند و قبل از ۶۵/۵/۲۳ تعداد ۲۷ نفر استعفا دادند که بتدریج از تعداد داد و طلبین کاسته شد، بطوریکه از ۶۵/۵/۲۶ دیگر نه تنها کسی استعفا نداد بلکه تعدادی هم پشیمان شده و از کارگزینی خواستند که فرمهایشان را برگرداند، اما کارگزینی فرمهای پر شده را پس نداد و مساله با خرید همچنان مسکوت ماند تا اینکه در تاریخ ۶۵/۶/۸ دوباره از کارگرانیکه فرم پر کرده

بودند خواسته شد تا بطور رسمی تقاضا نامه جهت باز خریدشان بنویسند که البته این بار فقط ۷۰ نفر از ۲۷۰ نفر قبلی، اینکار را انجام دادند و بقیه در اعتراض به بیکار سازی مطرح می کردند که ما اشتباه کرده ایم که از اول فرمها را پر کردیم. مگر با ۱۰۰ یا ۲۰۰ هزار تومانی که می دهند چند سال میتوانیم زندگی کنیم، هر چه باشد تمام می شود و بعد با بدبوییم و گدائی کنیم. بطور کلی پس از گذشت نزدیک به یکماه از زمان پر کردن فرمهای باز خرید، کارگران لندرور نسبت به گذشته بسیار آگاهتر شده و از خطرات باز خرید و بیکار سازی هر چه بیشتر با خبر گردیده اند، آنها از تجارب کارخانه های ناسیونال، مزدا، نیسان و سایر کارخانجات مثال می آورند که کارگرانیکه استعفا داده اند در چه وضعیتی هستند. از جمله اینکسه بولهای را که گرفته اند در حال تمام شدن است و از صبح تا غروب باید در خانه هستند و یا در خیابانها پرسه می زنند، تعدادی هم برای خود ساط زده اند و کاسبی میکنند و همه این فلاکتها را ناشی از بیکاری اجباری می دانند و تاکنون تصمیم گرفته اند که در مقابل این موج اخراج مقاومت نمایند.

\* - روز یکشنبه ۲۵ خرداد ماه

مرد سستاجوانی خمکینانه در خیابان قدرت پاکی (سراه آذری) و در حالیکه بلیط اتوبوس شرکت تعاونی مسافری را در دست داشت به تنهایی و جورا نه با فبادهای بلند شمار مرگ بر خمینی را از انبها تا ابتدای خیابان مرتضا تکرار میکرد و از جمعیتی که متحیرانه وی را می نگریستند تقاضا مینمود که به وی بیوندند. با مطلع شدن پاسداران وی بلافاصله دستگیر و با مدخله ما مورین امنیتی رژیم جمعیت حاضر در صحنه بدون درگیری متفرق شدند.

حقوق کارگران اضافه خواهد شد، کارگران از این وضع ناراضی هستند و وعده ای خط و نشان می کشند که اگر طرح به ضرر ما بود، باید همگی اعتراض کنیم.

\* در بعضی از کارخانجات از جمله کمپاین سازی حق خوار با روبری کارگران نیز قطع شده است.

## پروفیل پارس

بنا به گفته یکی از کارگران این شرکت، از اوائل خرداد ماه، تعداد زیادی از کارگانش را اخراج کرده، بدون آنکه پولی به آنها بپردازد. کارگران برای اینکه پولی دریافت کنند، دونفر نماینده انتخاب کرده اند که خواسته های آنان را پیگیری کنند، ولیکن از طرف مدیریت این دونفر به سپاه معرفی شده و دستگیر شده اند و هم اکنون در زندان بسر می برند. اما کارگران توانستند در ادامه اعترافشان به مدیریت فشا را آورده و در ازای هر سال، یک ماه حقوق ثابت را بعنوان باز خرید دریافت نمایند.

## شرکت داروئی رازک

در تاریخ ۶۵/۵/۱۵ از جانب امورا داری اطلاعیه ای منتشر گردید که در آن از کارکنان خواسته شد که کاندیدای های خود را برای عضویت در کمیته صندوق قرض الحسنه معرفی کنند تا انتخابات برگزار گردد. در غیر این صورت به کسی وام پرداخت نخواهد شد. کارگران به دلیل آنکه نماینده مدیریت در این کمیته حق و تودارد، برای معرفی نماینده رغبتی از خود نشان نمی دهند. این سومین اطلاعیه ای است که در این رابطه منتشر گردیده است. در این کارخانه یکی از اساسی ترین خواسته های کارگران، اجرای هر چه سریعتر طرح طبقه بندی مشاغل می باشد. در این رابطه، شایع است که با اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که در این کارخانه مراحل پایانی خود را طی میکند، فقط ۵٪ به

## گزارشی از دانشگاه تبریز

در این دانشگاه که بیش از هزار دانشجو در رشته‌های مختلف پزشکی، فنی و اجتماعی مشغول تحصیل هستند، کنترل بلبسی توسط رژیم بطور همه جانبه‌ای اعمال می‌شود، تفتیش عقاید، کم‌دگروری، تفتیش بدنی در هنگام تردد، جلوگیری از صحبت دانشجویان دختر با پسر، فشار جهت اعزام به حبه‌های مرگ و غیره همگی نمونه‌هایی از سیاستهای ارتجاعی رژیم در این دانشگاه می‌باشد. رژیم در هر خوابگاه دانشگاهی، خصوصاً برای دختران یک نفر سرگروه قرار داده که همه این سرگروه‌ها حزب اللهی و جاسوس می‌باشند، رفتن به میهمانی و گشت در شهر باید با نظر و همراهی این سرگروه‌ها صورت بگیرد، عدم رعایت حجاب و گفتگوی پسران یکی از صدها مورد "ممنوعه" ای می‌باشد که توسط سر دسته‌های حزب اللهی تجسس و گزارش می‌شود. با این وجود در مورد دانشجویان فالانزبه توجه و نظارت کمتری قلیل می‌باشد.

### مبارزه پیروز منتهی دانشجویان

حندماه پیش در اعتراض به افزایش پول غذای دانشجویی از ۷ تومان به ۹ تومان و همچنین تفتیش بدنی مداوم توسط مقامات دانشگاه، دانشجویان دست به اعتصاب و اعتراض می‌زنند که در این اعتراض دانشکده‌های پزشکی، برق و مکانیک نقش فعالی داشته‌اند. این اعتراض با پیروزی همراه می‌شود و پول غذا مجدداً به ۷ تومان کاهش می‌یابد. اما رئیس مزدور دانشگاه خطاب به دانشجویان می‌

### برقراری مجدد شهریه

اخیراً در تبریز، والدین دانش آموزان مشاهده می‌کنند که باید برای نام نویسی فرزندان شان، شهریه پرداخت نمایند. این مساله با اعتراضات گسترده ما پراکنده و فردی مردم روبرو گردیده است. اواسط مرداد ماه در دبستان "قطران" تبریز، والدین وقتی با مساله پرداخت شهریه مواجه می‌شوند، دست به اعتراض زده و عملاً به خمینی و رژیم اش فحش میدهند. یکی از خواهران زینب در جواب می‌گوید: چرا به خمینی فحش میدهند، خمینی امام عزیز ماست، آیا شاه خوب بود؟ یکی از مادران هم در پاسخ ضمن ناسزا به خمینی و رژیم اومی گوید: هیچکس نمی‌گوید شاه خوب بود، اما حداقل دیگر شهریه نمی‌گرفت. حتی چیزی بنام تغذیه رایگان هم میداد، حکومت شما نه تنها تغذیه رایگان را قطع کرده، حالا یک چیزی هم طلبکار است. درگیری لفظی با خواهر زینب به دعوا کشیده می‌شود و چند نفر از مادران شروع به کتک زدن "خواهر زینب" می‌نمایند که سرانجام این مساله با دخالت مدیر دبستان و با تهدید به قطع نام نویسی خاتمه می‌یابد.

گوید: "ما خواسته شما را برآورده کردیم، اما اگر با زدست به اعتراض دسته جمعی بزنید، شما را آخراج خواهیم کرد". در جریان این اعتراض، اعلامیه‌هایی توسط سازمانهای مختلف پخش گردید که تاثیر خوبی بر روی دانشجویان داشته است. اما هنوز مدتی از این پیروزی دانشجویان نگذشته بوده که خبر کشته شدن یکی از استادان دانشگاه بدست مزدوران حزب اللهی، وسیعاً منتشر گردید. این استادیکی از مترقی ترین اساتید دانشگاه تبریز بود که حاضر به کرنش در مقابل سیاستهای ارتجاعی رژیم نبود. ولی مزدوران رژیم بدروغ مرگ او را ناشی از افراط در خوردن مشروب اعلام کردند. در حالیکه این اساتید وسیله جریان برق بقتل رسیده بود. فالانزهای حزب اللهی جهت صحنه سازی چندشیشه مشروب در کنار جسد گذاشته بودند، بعد از این جنایت "انجمن اسلامی" در انزوای کامل قرار گرفت.

چندی پیش مراسمی به مناسبت سالروز مرگ دکتر علی شریعتی، برگزار گردید. در این مراسم حدود ۴۰۰ نفر از دانشجویان شرکت داشتند، اما عناصر حزب اللهی و انجمن اسلامی مانع سخنرانی یکی از استادان که از طرف دانشجویان برای اینکار دعوت شده بود، می‌گردند و جلسه را بهم می‌ریزند و علت این امر فقدان اجازه برگزاری مراسم از انجمن اسلامی ذکر می‌کردند. پس از آن، دانشجویی را که از استاد مذکور دعوت به سخنرانی کرده بود در سریانی مراسم نقش فعالی داشت، دستگیر و روانه زندان می‌کنند. جریان این درگیری حتی به روزنامه‌کیهان هم کشیده شد.

### سرکوب مجدد بساط داران

بار دیگر شهرداری کرج به شکل وحشیانه‌ای از تاریخ ۶۵/۵/۱۱، به جمع آوری بساط فروشیهای کنار خیابان پرداخت. همان روز اول در چند نقطه شهر مقامتهایی از جانب بساط داران دیده شد و در چند مورد هم همکاری مردم با بساط داران باعث نجات بساط دارها و وسایلشان گردید. در همین رابطه عده زیادی از مردم با صدای بلند از بساط داران حمایت می‌کردند و به مسئولان شهرداری ناسازی گفتند. عوامل شهرداری، ۲ کامیون را از افراد دستگیر شده و وسایلشان پر کرده بود. شایع است که یک زن بر اثر تیراندازی مأموران شهرداری کشته شده است. حمله به بساط داران در روزهای بعد نیز ادامه یافت.

### درگیری پاسداران و سربازان!

اینکار می‌شوند ما سربازان به اینکار خود ادامه می‌دهند و به حرف پاسداران اعتنائی نمی‌کنند. این مساله منجر به زد و خورد می‌گردد و سربازان یکی از پاسداران را حسابی کتک می‌زنند و هنگامی که این پاسدار برای خیر کردن سایر پاسداران می‌رود، مسافرینی که منتظر قطار بودند، با سنگریزه‌های داخل محوطه، او را فراری می‌دهند.

به نقل از یکی از شاهدان عینی، در خرداد ماه ۶۵، در میدان راه آهن تهران، گروهی از سربازان عازم جبهه که برای سوار شدن قطار به آنجا آمده بودند، در فاصله سوار شدن، بصورت دسته جمعی به رقص و ترانه و دست زدن می‌پرداختند که پاسداران کمیته راه آهن آمده و مانع

## اخباری از کردستان قهرمان

مقاومت مردم در مقابل سربازگیری سیاست بسیج جنگی رژیم در مناطق مختلف کردستان ادامه دارد. رژیم برای سربازگیری مردم را به اشکال مختلف تحت فشار قرار داده و گروه‌های گشت رژیم در شهرها و دهها پست نگهبانی و با زرسی به کنترل راهها و روستاها پرداخته‌اند. در سنجندج مزدوران ارگان آموزش نظامی را برای مقامات بالای ادارات دولتی برپا کرده اند تا کارمندان پائین را برای بسیج آماده نمایند. کارمندان در مقابل این سیاست رژیم شروع به مقاومت و اعتراض کرده‌اند. در شهر سنقر نیز کارمندان ادارات مقاومت کرده و گفته اند حاضر نیستیم که آموزش نظامی دیده و بجهت هابرویم، در میوان در او اختیار ما به ۲۰ روستا از جمله "گماوه لنک"، "ویله"، "چناره"، "زوران" و... حمله می کند و حدود ۱۰۰ نفر از اهالی این روستاها از مسمول و غیر مسمول را که دست به اعتراض زده بودند دستگیر می کند. مردم این روستاها با ماشین و پیاده به طرف روستای "چناره" که مرکز بخش سرشیو میوان است برآه می افتند

و در این روستا علیه سیاست سربازگیری رژیم دست به اعتراض می زنند و تظاهرات می نمایند. مزدوران که قصد داشتند مردم را که حدود ۵۰۰ نفر بودند متفرق کنند و مسمولین را سوار ماشین کرده و بطرف میوان ببرند، با مقاومت مردم که با سنگ و چوب و چماق به ماشین ها حمله ور شده بودند روبرو گردیدند و در مقابل سیل خشم مردم عقب نشینی کردند و مسمولین را آزاد کردند. ولی مجدداً روز ۳۱ تیر ماه به همان مناطقی حمله کرده و تعدادی را دستگیری نمایند. این بار نیز تمامی مردم این روستاها به مقابله برخاسته و حدود ۱۵۰ نفر در مرکز بخش تجمع کرده و به تظاهرات می پردازند رژیم با تیراندازی آنها را متفرق می نماید و مسمولین را به میوان میبرد. در سردشت مزدوران رژیم به روستای "هزارگانیا" هجوم آورده و پس از اذیت و آزار مردم، تعدادی از جوانان روستا را دستگیر کرده و با خود می برند. مردم در مقابل پایگاه محل بازداشت جوانان تجمع کرده و دست به اعتراض می زنند. مزدوران در اثر

### مقاومت مردم در برابر کوچ اجباری

قراردادهای آنها را غارت کنوده و خانه های آنها را به آتش می کشد. رژیم در منطقه سردشت نیز شروع به اجرای طرح سیاست کوچ اجباری زده است که با مقاومت مردم روبرو شده است. رژیم به اهالی روستاهای "اشکان"، "مزناوه"، "هرزنه" و چند روستای دیگر اعلام کرده که باید روستاهايشان را ترک کنند، مردم این روستاها در اعتراض به این سیاست تاکنون چندبار نمایندگان نشان را به شهر فرستاده‌اند. بیستم تیرماه رژیم توسط شوره‌های اسلامی به اهالی روستای "دوله‌تو"

در سنقر، مزدوران رژیم، اهالی روستای "باوسه" را برای کوچ اجباری تحت فشار قرار داد. مردم زحمتکش این روستا دست به مقاومت زدند و به کوه رفتند. مزدوران با خمپاره بلندپه‌ای این کوه را در نزدیکی روستا مورد حمله قرار دادند، در مها باد، رژیم اهالی دو روستای "آیمند" و "کوخان" را تهدید کرده و از آنها خواسته تا از روستا کوچ نمایند، اما بدلیل زیاد بودن اهالی و مقاومت مردم این روستاها تاکنون نتوانسته این سیاست را عملی نماید. از اینرو مردم این روستاها را مورد آزار و اذیت پیرانشهر

اعلام نموده که باید کوچ نمایند. سیاست کوچ اجباری در روستاهای دیواندره نیز توسط مزدوران رژیم ادامه دارد. رژیم به اهالی روستای "سوله" گفته است که باید به روستای "عیسی آباد" که پایگاه رژیم در آنجا قرار دارد بروند. همچنین در این منطقه رژیم سعی می‌کند که سیاست نگهبانی اجباری را به مرحله اجرا درآورد که این سیاست یعنی نگهبانی اجباری پس از سیاست کوچ اجباری، سربازگیری اجباری و تسلیح اجباری به مورد اجرا گذاشته می شود.

### میریوان

۱۸ تیرماه مزدوران رژیم بداخل روستای "هنجیران" ریخته و شروع به اذیت و آزار مردم می نمایند و ۱۰ نفر از اهالی روستا را بزور مسلح می نمایند. اما آنها سلاحهای خود را پس دادند. مردم در اجتماع عمومی خود در روستا تصمیم به مقاومت در برابر تسلیح اجباری میگیرند و با مبارزه خود از آن ۸ نفر حمایت می نمایند.

رژیم چادر نشینان منطقه "سرشاخان" را مورد حمله و اذیت و آزار قرار داده است. مزدوران در اوائل تیرماه در روستای "کانی زرد" همه چادرهای مردم و وسایل آنها را به آتش کشیدند. در غیر تیرماه نیز مزدوران رژیم مستقر در پایگاه روستای "میشه‌ده پائین" این شهر به داخل روستا هجوم آورده، مردم را بشکلی وحشیانه جمع کرده و به زور به پایگاه بردند و به آزار و اذیت مردم پرداختند. مزدوران از رفتن مردم به سرکارشان جلوگیری کردند که این اعمال منجر به مقاومت مردم و درگیری با مزدوران گردید و در نتیجه یک زن کشته و ۸ نفر از اهالی روستا زخمی شدند.

## رفسنجانی: محرم امسال حمله سرنوشت ساز

## وقایع و حقایق

## اسرای جنگی، گوشت دم توپ

اخیرا، رفسنجانی در طی سخنرانی خود در مجلس، ضمن برشمردن باصطلاح "افتخارات" عملیات به شمارش افتاده کربلا، حقیقت مهمی را فاش کرد. این حقیقت عبارتست از بکارگرفتن اسرای عراقی به عنوان گوشت دم توپ در عملیات کربلای ۲. اسرای عراقی که باصطلاح در "تیپ بدر متشکل شده بودند" در این عملیات به عنوان امواج انسانی مورد استفاده رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفتند و بنا به گفته رفسنجانی قرار است که "انشاء الله در آینده بخش مهمی از عملیات و آزادسازیها را بیاید سر باران خود عراقی همراه رزمندگان ما انجام بدهند". (کیهان، ۱۱ شهریور ۶۵). حقیقتا که این اسرا "باید" در زیرمهمیرژیم جمهوری اسلامی چنین فرجامی را انتظار بکشند. دقیقا در مقابل چنین سیاستی است که سر باران کشور ما یعنی کارگران و زحمتکشانی ملبس به لباس سربازی که بالاجبار به جبهه ها اعزام شده اند، منافع خود را در برقراری صلحی بدون الحاق طلبی و غرامت بین دولت و اعلام برادری با سربازان عراقی در جبهه ها می بینند.

## انگشت نگاری از ۱۵ ساله ها

اخیرا مجلس شورای اسلامی طرحی را به تصویب رسانده است که بموجب آن از این پس از کلیه افرادی که به سن پانزده سالگی می رسند، انگشت نگاری بعمل خواهد آمد. انگیزه این تصمیم - که پلیسی شدن حیات جامعه را بخوبی منعکس می سازد - اگر تعقیب بزهکاران باشد، آنگاه معلوم خواهد شد که در رژیم بیکاری، فقر و فلاکت جمهوری اسلامی ابعاد بزهکاری تا چه اندازه گسترش یافته است که چنین تصمیمی را الزام آور ساخته است. اما به نظرمی رسد این تصمیم انگیزه سیاسی نیز داشته است. اگر انبیا و کومنیست ها و انقلابیون دمکراتی را که پس از دستگیری، عیرغم وحشیانه ترین شکنجه های جلادان رژیم اسلامی از انشای نام حقیقی خود امتناع کرده پاره ای با اسم جعلی و بسیاری بدون هیچ نامی زیر شکنجه شهید شده یا اعدام گشته و می شوند بیاد آوریم، آنگاه روشن خواهد شد که چرا تصمیم گرفته شده است هر کس را که به سن پانزده سالگی می رسد، یعنی قبل از آنکه به فعالیت سیاسی قدم بگذارد، انگشت نگاری کنند. ضرورت این تصمیم گیری، خود نشان دهنده ابعاد مقاومت در زندانهای اسلامی است و نیز نشان میدهد که رازداری اسرای انقلابی تا چه حد دژ خیمان اسلامی را به استیصال افکنده است. درود بر آنان!

رامی درند و البته زهر طرف که کشته شود به نفع اسلام است!

آخرین نمونه از این دست دعوای ارتش و سپاه در نتیجه شکستهای مفتضحانه در جبهه های جنگ ارتجاعی ایران - عراق است. صیاد شیرازی فرمانده سابق نیروی زمینی، قبل از برکناری، طی نطقی در مهدیه تهران ماجرا چنین بیان کرد: "فتح فاونشان گرایین بود که... بن بست که دشمن ایجاد کرده بود شکسته شد... در پی این فتح متوجه شدیم دشمن دست به یک توطئه جدید می زند... اسم آنرا هم استراتژی جدید اعلام کرد... دشمن در دوسه نبرد اولیه موفق شد و این زمینهای بود برای یک توطئه شوم دیگر که در اینجا و آنجا تفرقه بیندازند و بگویند جاها را سپاه

بقیه در صفحه ۳۰

رفسنجانی در طی نماز جمععه ۱۴ شهریور ۶۵ بار دیگر، موعدی را برای "حمله سرنوشت ساز" به عراق تعیین کرد. وی اظهار داشت که: "محرم امسال سرنوشت ساز است و فرماندهان نظامی طرح ضربه نهائی را آماده کرده اند". (کیهان، ۱۵ شهریور ۱۳۶۵). وی همچنین در دیدار با "گردان سازمان تبلیغات اسلامی" به همین موضوع پرداخت و گفت: "محرمی که امسال داریم یک محرم تاریخی است و به محرم سال آخر مبارزات پیروزی انقلاب تشبیه می شود. آن راهپیمائی های عظیم که در آخرین محرم پیروزی انقلاب شکل گرفتند و راهیان کربلا ۵۰۰ گردان و ۱۰۰۰ گردان شکل تکامل یافته آن محرم هستند و آن دستاوردهای زمان پیروزی انقلاب اسلامی با دستاوردهای شما در جبهه ها تکمیل می شود." و اما زحمتکشانی که بالاجبار به جبهه ها اعزام شده اند، بخوبی می دانند که جنگ ارتجاعی - بمثابه ادامه سیادت نکبت با رژیم ولایت فقیه برای آنان حاصلی جز کشتار، فلاکت اقتصادی و اختناق داخلی ندارد و تنها برای حکام جمهوری اسلامی مایه عظمت طلبی اسلامی، توسعه طلبی و الحاق طلبی است. از این رو بی تردید تا مین صلح، نان و آزادی، موقعیت مناسب را برای برگرداندن سلاح به سوی حکومت خودی تشخیص خواهند داد و برادری خود را در جبهه های سربازان عراقی از طریق اقدام عملی برای برقراری صلحی عادلانه بدون الحاق طلبی و غرامت بین دولت تکمیل خواهند کرد.

## سربالایی جنگ و دعوای ارتش و سپاه

مثل معروفی می گوید "در سربالایی اسبها همدیگر را گاز می گیرند". و این زبان حال مسئولین جمهوری اسلامی است. بحران روبه رشد و مقابله واقعیت سرخست با اوها ممالیخولیاثی این جماعت باعث می شود که پیشروی در یک امر، خرابی در امور دیگر را ببار آورد و در کل سیاستهای ورشکسته این جانباور در جازده ویاگامی به پس بردارد و این خود از منابج جنگ زرگری در میان آنهاست. هر کس سعی دارد در برابر شکستهای دیگری را متهم به کار شکنی و خرابکاری نماید و به نفع خود او را قربانی ندانم کاری کل نظام گرداند، به همین دلیل ما در امور، امروز قسم برادری و اتحاد می خورند و فردا ما نندسگ و گربه یکدیگر

## مبارزه خانواده‌های...

سازماندهی خانواده‌های شهدا  
 وزندانان سیاسی ووظائف آن  
 تشکل خانواده شهدا وزندانان  
 سیاسی یک تشکل دمکراتیک است واز نظر  
 ترکیب نیروهای شرکت کننده باید شامل  
 تمام اقشار و طبقات مترقی ودمکرات  
 باشد واز نظر پلاتفرم مبارزاتی اهداف  
 وخواستهای عمومی لغو اعدام و شکنجه ،  
 آزادی زندانان سیاسی و تعقیب و  
 محاکمه مزدوران و شکنجه گران رادنیال  
 کند . این تشکل دمکراتیک بخاطر ترکیب  
 خانواده‌های شهدا وزندانان سیاسی  
 که هر کدام تعلقات سیاسی وگروهی خاصی  
 دارند ، طبیعی است که بیک گروه خاص  
 تعلق نداشته بلکه در عین حال فضای  
 مناسبی برای فعالیت گروهها و جریانان  
 سیاسی مختلف باشد طبیعتاً هر کدام از این  
 گروهها سعی خواهند کرد تشکل را به سمت  
 اهداف خود جهت دهند . به این خاطر این  
 تشکل نیز مانند هر تشکل توده‌ای از لحاظ  
 سیاسی بیطرف نیست بلکه در عین  
 استقلال از سازمانها و احزاب سیاسی ،  
 میدان رقابت و رویارویی خط مشی این  
 سازمانها و احزاب میباشد . از این رو ما  
 نیز می بایست برای پیش برد خط مشی  
 خودمان در درون این تشکل ، با ایجاد  
 فراکسیون کمونیستی متشکل از خانواده-  
 های کمونیست ، مبارزات کنیم و در عین  
 حفظ چهارچوبهای دمکراتیک و استقلال  
 سازمانی تشکل ، بکوشیم آنرا در راستای  
 خط مشی عمومی خودمان هدایت کنیم .  
 برای اینکار لازم است با طرح شعارهای  
 دموکراتیک خود ، بکوشیم اتحادی  
 دموکراتیک و انقلابی از خانواده‌های  
 کمونیست و پیشرو بوجود آوریم و در عین  
 حال با سیاستهای غیردموکراتیک (مثلاً  
 سازمان مجاهدین که میکوشد با استفاده  
 از اعتبار روحیت شهدا وزندانان  
 سیاسی در جهت شعار "رجوی ایران -  
 ایران رجوی" بهره برداری کند ، در  
 عین همکاری و همدلی با خانواده شهدا  
 وزندانان سیاسی مجاهد) به مقابله  
 برخیزیم و آنها را افشا و طرد نماییم .  
 ارتقاء آگاهی و توانائی خانواده‌های  
 سرخ که نسبت به خط و برنامه سازمان  
 آگاهی کامل داشته باشند ، یکی از  
 شرایط و لوازم اساسی این سازماندهی  
 است .

این تشکل با استفاده از محفل‌های  
 خانوادگی موجود و بر پایه فعالیت  
 هماهنگ کننده و رهبری یک هسته مخفی  
 بوجود می آید . این هسته مخفی باید از  
 میان آگاه‌ترین ، فداکارترین و بسا  
 تجربه ترین اعضای خانواده شهدا  
 وزندانان سیاسی انتخاب شود . خصوصاً  
 علاوه بر مادریا پدریاید سعی نمود عناصر  
 جوانترمانند خواهر ، برادر یا همسر  
 شهید یا زندانی را وارد هسته نمود .  
 حضور عناصر جوانتر سطح آگاهی و توان  
 سازماندهی هسته را بالا برده و بر کارائی  
 آن میافزاید . لازم به تذکر است که در  
 فعالیت‌های علنی از چهره‌های جوانتر  
 باید حتی الامکان کمتر استفاده شود .  
 حضور مادران مسن و جاافتاده در  
 فعالیت‌های علنی ضربه پذیری نیروها  
 را بشدت کاهش میدهد و تاکنیک مؤثری  
 برای مقابله با سرکوب پلیس سیاسی  
 رژیم است .

در سازماندهی این تشکل ، مانند  
 هر تشکل انقلابی دیگر ، باید اصل عدم  
 تمرکز را رعایت نمود در حال حاضر هیچ  
 وجه نمیتوان تشکل سراسری از  
 خانواده شهدا وزندانان بوجود آورد ،  
 حتی در شهرهای بزرگ ، مانند تهران ،  
 شاید وجود چند هسته مخفی رهبری برای  
 حفظ فعالین و سازماندهندگان این  
 تشکل از ضربه پلیس ، ضروری باشد . اما  
 رعایت اصل عدم تمرکز بمعنای نفی یک  
 جنس سراسری نیست ، بلکه بخاطر  
 سرکوب و خفقان حاکم بر جامعه مان  
 و حفظ فعالین این تشکلها عاملاً  
 ضروری است . میتوان با استفاده از  
 ارتباطات سیال و طبیعی و انتقال  
 اخبار و تجارب مبارزاتی ، هماهنگی  
 مبارزات خانواده‌ها را تامین کرد . در حال  
 حاضر رژیم جلا فقهها برای خنثی کردن  
 وحدت و هماهنگی زندانان و خانواده‌های  
 آنها ، اقدام به جابجائی زندانان  
 و انتقال زندانی از یک زندان به  
 زندان دیگری نماید . از همین حرکت  
 رژیم باید در جهت ایجاد ارتباطات  
 سیال فوق الذکر و همچنین رساندن اخبار  
 و تجارب مبارزاتی به مناطق دیگر  
 استفاده نمود .

وظیفه هسته مخفی عبارت است  
 از ایجاد هماهنگی میان محافل خانوادگی  
 و سازماندهی اقدامات مبارزاتی

مشترک آنها ، سازماندهی انواع جمعاعات  
 خانواده‌ها برای بالابردن ارتباط و  
 اتحاد آنها ، تشخیص و تفکیک شایعات  
 و اخبار موثق و پخش آنها در میان  
 خانواده‌ها و توده‌های زحمتکش ، دیده  
 شده است که رژیم برای گمراه کردن  
 نیروهای انقلابی اخبار دروغ پیرامون  
 مقاومت و ابین و خیانت عناصر مقاومت  
 در میان خانواده‌ها پخش کرده است از  
 همین رومی باید با پخش اخبار موثق ،  
 دست رژیم را در پخش شایعات روگرد که  
 این کار مهم تنها از طریق ارتباطات  
 وسیع امکانپذیر است و هسته مخفی  
 میتواند مرکز چنین ارتباطاتی باشد ،  
 پست اخبار به سازمانهای سیاسی وهم  
 چنین سازمانهای بین المللی  
 - خصوصاً سازمانهای دفاع از حقوق بشر ،  
 افشای وضعیت رفاهی و بهداشتی  
 زندانان سیاسی و عملکرد ضد بشری فقهها  
 و مزدوران آنها در زندانها (اعدامها ،  
 شیوه‌های شکنجه و کشتار زندانان ،  
 فشارهای سیاسی ، روانی بر زندانان  
 و جمع آوری کمکهای مالی  
 و رساندن آنها به خانواده‌های کارگرو  
 زحمتکشی که نان آور خود را از دست  
 داده اند و از نظر مالی تحت فشار قرار  
 دارند و بالاخره شناسائی عناصر نفوذی  
 رژیم و طرد آنها از میان جمعاعات و محافل  
 خانواده‌های شهدا وزندانان سیاسی  
 بایستی بخشی از وظایف تشکل خانواده-  
 های شهدا وزندانان سیاسی باشد .

کدام اشکال مبارزه را باید در  
 پیش گرفت ؟

این تشکل مانند هر تشکل توده‌ای  
 دیگر اساساً از طریق اشکال علنی مبارزه  
 میتواند فعالیت کند و تا حد امکان باید  
 از اشکال قانونی مبارزه در جهت انعکاس  
 خواستهای خود بهره برداری کامل بنماید .  
 در این زمینه میتوان از تهیه طومارهای  
 اعتراضی و ارسال آن به روزنامه‌ها ،  
 مقامات حکومتی و ارگانهای دولتی  
 و مذهبی نظیر حوزہ‌های علمیه ، مجلس ،  
 دفتر خمینی و منتظری ، ریاست جمهوری ،  
 نخست وزیر ، شورای عالی قضائی و ...  
 و تجمع در برابر دفاتر ارگانهای دولتی  
 و قضائی یا منزل مقامات رسمی یا  
 ذینفوذ در سیستم حکومتی فقهها نام برد ،  
 همچنین می توان طومارهای اعتراضی

## مبارزه خانوادگی‌ها

راه سازمانهای مترقی حامی حقوق بشر و مطبوعات بین المللی رسانند. در حالت اخیر لزومی ندارد مضامین کنندگان اسم کامل یا حقیقی خود را بنویسند، همچنین با پیدایش هیئت جمع سنتی مانند پختن آش جمعی و مراسم مشابه، برگزاری سالگرد شهدا، تجمع بر سر مزار شهیدان، دیدوبازدیدهای اعیاد و پیاچش تولد فرزندان شهدا و پیامهای ویا کلاسهای سوادآموزی، آموزش خیاطی، گلدوزی و... در جهت تحکیم پیوندهای موجود میان خانواده‌ها و سازماندهی اقدامات تبلیغی در میان توده‌های زحمتکش استفاده نمود. لازم بتذکر است که تا حد امکان باید عناصهرچه بیشتری از کارگران و زحمتکشان انقلابی را به چنین مراسمی دعوت کرد و آنها را با اهداف مبارزاتی شهدا و پیونداندن آنان سیاسی آشنا نمود، در همین رابطه اگر مراسم فوق الذکر در مناطقی زحمتکش نشین برگزار گردد، بهتر است، چراکه نه تنها از این طریق میتوان به نحو گسترده‌تری میان توده‌های کارگر و زحمتکش تبلیغ نمود، بلکه این مسئله فعالیت خانوادگی‌ها را کارگر و زحمتکش را گسترش داد و از این طریق بروز و اعتبار آنها در درون شکل خانوادگی افزوده میگردد.

## جهت‌گیری شکل چگونه

## با پیدایش

شکل خانوادگی شهدا و زندانیان سیاسی در فعالیت افشاگر خود پدید توده‌های هرچه بیشتری را مورد خطاب قرار دهد و حمایت آنها را جلب نماید. در این رابطه خانوادگی‌ها نیز نباید جنگ طلبانه رژیم جنایتکار ولایت فقیه که اجبارا به جبهه‌ها اعزام شده اند و یاکسانی که هم‌اکنون فرزندان شان اجبارا در جبهه‌های جنگ هستند، اهمیت زیادی دارند و امروز که جنبش ضد جنگ بمثابه یک جنبش سراسری بود مکرراتیک مطرح می‌باشد و از طرفی جنگ نیز می‌تواند

سرکوب عامل مهمی در بقای رژیم می باشد که هر دو فرزند آن مردم ما را بکام مرگ و نابودی می کشانند، میباید قربانیان این سیاستهای جنایتکارانه رژیم را با هدف بسیج کارگران و زحمتکشان علیه رژیم جنایتکار ولایت فقیه و تقویت جنبش سراسری ضد جنگ و استبداد فقهی بسیج نمایم، هر چند هسته مرکزی این تشکل که عبارت از خانواده شهدا و زندانیان است فشرده تر و مستحکم تر سازمان باید، امکان جلب حمایت و گسترش ارتباط با چنین خانواده‌هایی که همان کینه و نفرت را در دل می‌پروراند و رژیم خمینی را مشغول مرگ فرزند خود می‌داند و یوا هر آن امکان از دست دادن فرزندانشان وجود دارد، عملی تر خواهد بود، در همین زمینه اولویت با خانواده‌های کارگر و زحمتکشی است که فرزندان شان قربانی سیاستهای جنگ طلبانه رژیم فقهی شده و یا در حال حاضر اجبارا در جبهه‌های جنگ مشغول سربازی می باشند.

یکی از معضلاتی که در حال حاضر در رابطه با مبارزات خانوادگی مطرح است وجود توأبیین و تنظیم رابطه با خانواده آنهاست. رژیم ولایت فقیه همواره سعی میکند از خانواده توأبیین برای ایجاد تفرقه، تشدید روحیه یاس و تسلیم و بالاخره اعمال پلیسی در میان خانواده‌ها بهره برداری نماید. این درست است که معمولا خانوادگی‌های توأبیین تحت تاثیر فرزندان مبارزه خود داری کرده و حتی در برابر آن کارشکنی میکنند، اما با این وجود توبیه فرزند نشانه خیانت خانوادگی نیست و باید در تنظیم رابطه خود با این خانواده‌ها سیاست جلب ویا بیطرف کردن آنها را در پیش گرفت و از این طریق سیاست رژیم را خنثی کرد.

## امنیت تشکل را چگونه حفظ کنیم؟

رعایت مسائل امنیتی در رابطه با سازماندهی تشکل خانوادگی‌ها

وزندانان سیاسی اهمیت حیاتی دارد. اگرچه این گروه اجتماعی در سرتاسر کشور پراکنده است و تعداد بیشماری را در بر می‌گیرد، اما با این وجود از نظر دستگاہهای امنیتی آن کاملاً شناخته شده است، خانه‌ها و رفت و آمدشان قطعاً از طرف مزدوران و جاسوسان رژیم گناه و بیگانه و در مواردی بطور مستقیم تحت کنترل قرار می‌گیرد. به همین دلیل فعالین کمونیست که رابطه تشکیلاتی دارند نباید بطور مستقیم با خانواده‌ها تماس برقرار نمایند. رابطه مستقیم این امکان را به دشمن میدهد تا با ردیابی و پیداکردن سرخ از درون خانواده‌های شهدا و اسرا و تعقیب و مراقبت را گسترش دهد و به نیروهای انقلابی ضربه وارد آورد. تماس با خانواده‌ها تنها با یک طریق ارتباطات فامیلی که از پوشش و محمل کاملاً طبیعی و قابل توجیهی برخوردار است، صورت گیرد. در این زمینه آموزش نحوه ارتباط و نامه نگاری برای ارسال اخبار به مرکز ارتباطات سازمان کاملاً ضروری است، چرا که در عین حفظ رابطه آنرا بی خطر و غیر قابل کنترل میسازد. تجربه تمامی انقلابات، از جمله تجربه مبارزات قبل از سال ۵۷ نشان میدهد که تشکل خانوادگی شهدا و زندانیان نقش بسیار حساسی در مبارزه برای آزادیهای دمکراتیک بطور کلی و آزادی زندانیان سیاسی بطور خاص بازی میکنند. افشاکردن خانوادگی‌های قهرمان شهدا و زندانیان سیاسی همواره احساس همدردی و حمایت را در میان توده‌های مردم برمی‌انگیزد و این امر در سیاسی کردن شعارها و مطرح شعار آزادی زندانیان سیاسی اهمیت اساسی دارد. سرکوب هرچه شدیدتر و دامنه آن هرچه گسترده تر باشد، مبارزه خانوادگی‌ها سرخشان ترونیروی آنها قوی تر خواهد بود. آشفشانی که تا سرنگونی رژیم اسلامی واستقرار دمکراسی و سوسیالیسم با زخمی ایستد، آنرا جدی بگیریم

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات زندانیان سیاسی بپا خیزید!



## ژاپن: باگام‌های شتابان بسوی میلیتاریسم

اگر بقدرت رسیدن جناح فوق ارتجاعی و جنگ طلب ریگان در آمریکا، نقطه عطفی در تشدید بی سابقه مسابقه تسلیحاتی و کثرت زندگی میلیونها انسان بمرفز جامعه بشمار می رود، همان نقش را در ژاپن، نا کا زونه، نخست وزیر فعلی از "حزب لیبرال دموکرات" برعهده گرفته است. اقدام سیمولیک نا کا زونه (همانندیدار ریگان از گورستان نازیها) در دسته گل گذاشتن بر سر قبر جنگ افروزان ژاپنی، تلاشی بود برای شکستن "تابوی" محکومیت اخلاقی جنس قدر و حدان عمومی، و وارد کردن ژاپن در مرحله جدیدی از مسابقه تسلیحاتی و گسترش میلیتاریسم، آسهم در کشوری که بمباران اتمی هیروشیما و نا کا زاکی توسط آمریکا، هنوز بعد از چهل سال، هر سال هزاران قربانی تازه می‌گیرد.

اگر سیاست بین المللی ریگان با "جنگ ستارگان" علیه شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مشخص می‌شود، نا کا زونه این سیاست جنگ طلبانه امپریالیستی را با این فورمول بیان می‌کند: "ژاپن باید بصورت یک نا و هواپیما بر" علیه شوروی درآید.

تقویت میلیتاریسم در ژاپن، از عوامل متعددی مایه می‌گیرد که در شرایط بحران عمومی و ساختی سرمایه‌داری، تاثیر تقویت کننده‌ای برهمه‌گیر می‌گذارند.

نخستین عاملی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که هیچ قدرت امپریالیستی، در بلندمدت خود را بدون سلاح‌های تکیه نمی‌داند و امپریالیسم ژاپن بعنوان یکی از سه قطب سرمایه‌داری جهانی، از این قاعده مستثنی نیست، و ژاپن از سال‌های پیش در تلاش بوده است که برحسب بزرگی اقتصادی خود، لباس رزمی بیوشاند. حتی در ۱۹۸۰، سوزوکی، نخست وزیر وقت ژاپن، با دم زدن از اتحاد با آمریکا، حفاظت از ۱۰۰ میلیارد دلار از تجهیزات شرقی اقیانوس آرام را برعهده گرفت، که متضمن بسیج نیروی نظامی بزرگی بود. اگر در سالهای ۷۰، ژاپن تحت پوشش "کنک رسمی برای توسعه" (OXA) به کشورهای میلیتاریستی و ارتجاعی در اطراف و اکناف جهان، نظیر ترکیه، پاکستان، تایلند و غیره، کمک نیمه‌مردتا بعنوان زاندارم‌های محلی از خطوط مواد خام آن کشور حراست کنند، اکنون این سیاست با خطی تهاجمی تر، علیه انقلابات سستگیری شده است و ژاپن هرگونه حرکت توده‌ای مثلادریا کستان یا جامائیکا را تهدید می‌کند. برامنت خود تلقی می‌کند، بهمین دلیل نیز از کشورهای عضو "آه آن"، علیه ویتنام و حتی از خم‌های سرخ یل پت علیه دولت کامبوج، حمایت مینماید و بهشتیانی از کشورهای ارتجاعی نه فقط در قالب "کمک رسمی برای توسعه"، بلکه تحت عنوان‌های صریح "امنیت همه جانبه" و "کمک استراتژیک" و در هم‌آهنگی کامل با آمریکا انجام می‌گیرد. رشد میلیتاریسم در ژاپن، اگرچه پدیده خلق الساعه ای نیست، لیکن دوره نا کا زونه، مرحله‌ای کیفی در میلیتاریزم ژاپن گشوده است. بدون تردید، فشار آمریکا بر ژاپن در بردها ختن هزینه‌های تسلیحاتی ژاپن توسط خود آن کشور، در کثرت شدن ژاپن به مدار "جنگ ستارگان" نقش مهمی داشته است. ولی گرایشات موجود در پاسخ به بحران اقتصادی، نقشی تعیین کننده ایفا می‌کنند و سیاست نظامی یک قدرت بزرگ اقتصادی را با عامل خارجی نمیتوان توضیح داد، بلکه تابعی است از توازن بیکارهای طبقاتی در داخل یک کشور و گرایشات توسعه اقتصادی. نا کا زونه می‌گوید که "در مسائل مربوط به دفاع و تجارت، ما نه تحت فشار آمریکا، بلکه برپایه منافع خود باید عمل کنیم". این گفته در عین حال، بیانگر گرایش درونی جناح‌های ارتجاعی و

## ارگانهای ضد کارگری به نام کارگران

### نماینده تعیین میکنند

در ماه‌های اخیر کنگره سراسری شوراهای اسلامی کار و کنگره سراسری انجمن‌های اسلامی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی برگزار شد. کنگره سراسری شوراهای اسلامی کار، اعضای کارگری شورای عالی کار، هیئت عالی حل اختلاف و شورای عالی تأمین اجتماعی و نماینده کارگران در کنفرانس‌های بین‌المللی کار را با اصطلاح "انتخاب کرد" و وزیر ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی در تشریح اهمیت این کنگره چنین اظهار داشت: "اهمیت کنگره از آن جهت است که از آنجا که کارگران تاکنون نمایندگان قانونی نداشتند تصمیمات این کنگره نخستین تصمیماتی است که پس از آنقلاب در زمینه مسائل کارگری، توسط کارگران اتخاذ می‌شود". براساسی که رژیم جمهوری اسلامی پس از بنا بودی کلیه دستاوردهای شکوهمند کارگران در طی انقلاب بهمین، دستگیری و اعدام بخش قابل توجهی از نمایندگان واقعی کارگران، اکنون در شرایط اخراجهای دستجمعی کارگران، کسرا حباری حقوق و با اصطلاح "مزایای جنسی مزد" به نام صرفه جوئی و کمک به جبهه‌ها و اعمال شدیدترین اختناق نظامی در کارخانه‌ها، با پدیده فکر تحمیل "نمایندگان قانونی" برای کارگران بیفکندتا از پیش هرگونه نمایندگی واقعی کارگری را نمایندگی غیر قانونی معرفی نماید. برگماردن عسده‌ای از کارگران حزب الهی بعنوان نمایندگان دولتی کارگران و متشکل نمودن آنان در شوراهای اسلامی کار بعنوان "بهترین وسیله حذف کننده توطئه‌های استکبار جهانی" (کیهان، ۱۰ شهریور ۶۵) یعنی وسیله سرکوب اعتمادات و اعتراضات کارگری (که از جانب رژیم عنوان "توطئه‌های استکبار جهانی" را دریافت کرده) اکنون بیش از هر زمان دیگری برای رژیم جمهوری اسلامی اهمیت مبرم یافته است.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

رژیم اهالی "چمشهر" سنندج را برای نگرهبانی اجباری تحت فشار قرار داده است روز ۲۸ خرداد مزدوران رژیم مردم روستای "خلیفه ترخان" را تحت فشار گذاشته و از خروج مردم از روستا جلوگیری می کنند. رژیم از آنها خواسته است که یا هر شب هفت نفر نگرهبانی بدهند و یا اینکه با یدبه جبهه های جنگ بروند. مردم به نگرهبانی دادن رضایت می دهند. در روستای "کُرکُره" نیز مزدوران به آزار و اذیت مردم پرداخته و آنها را به نگرهبانی اجباری وامی دارند. در روستای "سورازه" نیز رژیم پایگاه مستقر کرده و بیه مردم گفته است که باید نگرهبانی اجباری بدهند. مردم ندادند و حتی آب خوردن را نیز بسته روی مزدوران قطع کردند. نیروهای رژیم نیز سه روستا هجوم آورده و مردان روستا را دستگیر کرده و بجزوربه نگرهبانی اجباری وامی دارند.

### ▶ ارگانهای ضد کارگری ...

بر هر کارگری روشن است که تحت رژیم ولایت فقیه یعنی رژیمی که در آن آوردن اسم اعتصاب مستوجب زندان و تازیانه است و هرگونه تشکیلات اتحادیه ای و اجتماع مستقل کارگری پیگرد و تعقیب را بدنبال دارد، نفس اقدام به معرفی نمایندگان خودی با چیزی بجز دستگیری، زندان و بعضاً اعدام نماینده مترادف نیست. بدین لحاظ نیز کارگران غالباً در حیثین اعتصاب و اعتراض و بصورت دستجمعی خود را نمایندگی می کنند و غالباً حتی از معرفی و فرستادن نماینده برای مذاکره با کارفرما و مقامات دولتی پرهیزی نمایند. بدین لحاظ نیز لاقابل برای سراغ گرفتن از نمایندگان کارگران کافیسیت هیئتی از مجامع بین المللی کارگری به زندانهای اوین، قصر غیره رجوع نمایند تا تفاوت نمایندگی واقعی کارگران و نمایندگان دولتی کارگران را دریابند. و اما در مورد نمایندگی کارگران ایران در کنفرانس های بین المللی کار، بگذارید که این عوامل دولتی در دفاع از "قانون کار اسلامی" در چنین مجامعی شرکت نمایند تا همان فضاحت و رسوائی را ببینند و آنگاه شرکت زنان حزب الهی در کنفرانس زنان در نایروبی برای رژیم جمهوری اسلامی به بار آورد!

محافظة کار در نحوه پاسخ به بحران، نوعی موضع گیری در برابر طبقه کارگر ژاپن است. ژاپن اکنون بستانکارترین و آمریکا به لحاظ حجم بدهی ها، بدهکارترین کشورهای جهان هستند. چنین معادله ای در رابطه با دو قدرت اول و دوم صنعتی جهان سرمایه داری، عوارض سنگینی بدنبال دارد، که قبلاً از هر چیزی موجب بالا رفتن قدرت بین در برابر دلار و در نتیجه، تضعیف امکانات صادرات ژاپن و کاهش قدرت رقابتی اقتصاد سرمایه داری آن می گسرد. از اینرو، سرمایه داری ژاپن برای حفظ قدرت رقابتی خود که با دو پدید آمده دستمزدهای پائین در ژاپن و کسری موازنه پرداختهای آمریکا با ژاپن گره خورده است، در برابر یک دوره قرار گرفته:

با یاد با افزایش دستمزدها، و پائین نگه داشتن بودجه نظامی در یک سقف حداقل، قدرت خرید داخلی را بالا ببرد (که این بمعنای امتیازی است به طبقه کارگر که اگر اکنون داده شود، پس گرفتن بعدی آن بسیار دشوار خواهد بود)؛ و با افزایش هزینه های نظامی، بایستی با زار داخلی خود را بر روی رقابت خارجی (و کاهش کسری پرداختهای آمریکا) بگشاید. جناح فستق ارتعاعی حاکم در ژاپن، راه حل دوم را که با خواسته های مرتجعین جنگ طلب آمریکا و کمپانیهای تولید تسلیحات سازگاری دارد، برگزیده است. افزایش ۶/۹ درصد از بودجه نظامی (در برابر ۲/۷ درصد افزایش عمومی بودجه)، افزایش حقوق نظامیان، خارج کردن تدوین سیاست "دفاعی" از دست کمیسیون مشترک پارلمانی و سپردن آن به گروهی از کارشناسان تحت نظارت ناکازونه، کاهش هزینه های اجتماعی، برگزاری مانور دریایی مشترک با آمریکا تحت عنوان "دفع حمله شوروی" و مهمتر از همه، مشارکت در طرح "جنگ ستارگان" از جمله این اقدامات برای احراز راه حل دوم بود.

دومین عامل موثر در احیای میلیتاریسم ژاپن، رابطه ویژه آن با آمریکا است. گرایشات اقتصادی و میلیتاریستی ژاپن، بدون توجه به این رابطه ویژه با آمریکا چندان قابل فهم نیست. بعد از پایان جنگ جهانی، آمریکا ژاپن را تحت حفاظت نظامی خود قرار داد و سرمایه داری ژاپن توانست بسدون ائتلاف هزینه های سنگین در شاخه های نظامی، به احیاء و توسعه قدرت اقتصادی خود بپردازد و با تکیه بر دستمزدهای پائین، با اروپا و آمریکا رقابت نماید. مدرنیزاسیون و رشد صنعتی ژاپن در ده سال گذشته چنان ابعاد غول آسایی داشته که اکنون در بسیاری از شاخه های صنعتی، موقعیت برتر آمریکا را در معرض تهدید قرار داده است. و کسری موازنه تجاری آمریکا با ژاپن، از مرز ۳۷ میلیارد دلار فراتر رفته است. از اینرو در شرایط موجود، آمریکا بیهیچوجه از طریق رقابت در شاخه های غیر نظامی، امکان کاهش کسری موازنه پرداختهای خود را ندارد و فاصله آن با ژاپن هر روز بیشتر میشود. چرا که چنین امری، مستلزم حداقل ۵ سال مداوم توسعه صنعتی بالای نرخ ۵ درصد می باشد که در اقتصاد بحران زده آمریکا، بیشتر بخواب و رویا میماند. آمریکا تنها در یک حوزه بدون رقیب است و آن، شاخه نظامی است، و فاصله ژاپن با آمریکا، زیادتر از آنست که در آینده ای نزدیک، خطری برای سیادت آمریکا ایجاد کند. بهمین دلیل، میلیتاریزم و ریزاسیون ژاپن، با زارهای آن کشور را بر روی رقابت سازندگان اسلحه آمریکا می گشاید و امکان کاهش کسری موازنه پرداختهای آمریکا را فراهم می سازد.

بعد از روی کار آمدن ریگان، فشار دولت آمریکا در این زمینه، چنان زیاد بود که یکی از وزرای خارجه پیشین ژاپن، بعد از بازگشت از سفر خود به آمریکا در نیمه اول ۱۹۸۵، فضای حاکم بر روابط بین دو کشور را نظیر آستانه جنگ جهانی دوم توصیف کرد. فشار جنگ طلبان آمریکا، با فشار جناح های فوق ارتعاعی در داخل ژاپن برای میلیتاریزه شدن، کاملاً همخوانی داشت، و این در حالی است که ۷۳ درصد مردم ژاپن مخالف میلیتاریزه شدن آنکشور هستند و موافقین فقط ۲۷ درصد را تشکیل میدهند.

# پاسخ به نامه ها

گرچه نام این ستون ، "پاسخ به نامه ها" است ، اما چون هدف آن پاسخگویی به سئوالات خوانندگان است ، منطقی است که برخی از سئوالاتی را نیز که گاه برای خوانندگان ما مطرح می شوند ولی فقط بصورت شفاهی منعکس میگردند ، در همین ستون پاسخ دهیم . ضمن آنکه از خوانندگان عزیز راه کار گردخواست می کنیم سعی کنند پرسش های خود را کتبا برای ما بفرستند تا سئوالاتشان با دقت بیشتری منعکس گردد .

در رابطه با سیاست مادر قبالی سازماندهی جنبش ضد جنگ و ارتباط آن با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی - سئوالاتی شده است که بیشتر جنبه ابهام دارند . مثلاً پرسیده شده است که آیا شعار "زنده باد انقلاب" که در پیوند با شعار "مرگ بر جنگ ، زنده باد صلح" مطرح می شود ، شعار دعوت به قیام نیست ؟ همچنین در رابطه با مقاله "مرحله جدید در تداوم جنگ ارتجاعی و سیاست مادر قبالی آن" (مندرچ در راه کار شماره ۲۸ - دوره دوم - تیرماه ۶۵) سوء تفاهاتی برای برخی از خوانندگان بوجود آمده است . در آن مقاله گفته شده است : "در چنین شرایطی که توده های مردم برای فرار از جهنم جنگ ناگزیر میشوند مستقیماً با موجودیت رژیم جمهوری اسلامی رودررو شوند ، تبلیغات انقلابی می تواند و باید شعار صلح را در ارتباط کاملاً تنگاتنگ با شعار سرنگونی رژیم طرح کند و از آنها که خواهان پایان یافتن این جنگ ارتجاعی هستند بخواهد که برای دست یافتن به صلح ، علیه موجودیت رژیم جمهوری اسلامی بیاخیزند" . و نیز گفته شده است : "اگر این حقیقتی مسلم است که سر نوشت حکومت مستقیماً با سر نوشت جنگ گره خورده است و در شرایط کنونی راه انقلاب از مسیر تبدیلی جنگ ارتجاعی به جنگ برای آزادی و سوسیالیسم در داخل ایران هموار می شود ، پس محور تبلیغات انقلابی کلیه اعضا و هواداران سازمان مادر کارخانه ها و محلات و سراسر کشور باید بر پایه تبلیغ منظم و مستمر علیه جنگ ارتجاعی و تشریح ضرورت انقلاب در ارتباط با کلیه درخواست های ملموس و فوری از قبیل صلح ، آزادی ، کار و مسکن تنظیم شود . ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برای قطع فوری جنگ و برقراری صلح بمثابه عمده ترین درخواست ملموس و فوری عموم توده ها که در شعار ما مبنی بر "زنده باد صلح ، زنده باد انقلاب" منعکس شده است ، راه فاشیست آمدن بر جنگ ارتجاعی را نشان میدهد . " همچنین در مقاله "وراق بازجویی ، جنگ ارتجاعی ، و تعرض رژیم به جنبش کارگری" (همان شماره راه کارگر) چنین گفته شده است : "ما باید تحریم این گونه وراق را وسیعاً در میان کارگران تبلیغ نماییم ، امر تبلیغ علیه جنگ ارتجاعی و ارتباط آن را با موجودیت جمهوری اسلامی و ضرورت تبدیل آن را به جنگ داخلی علیه رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران در رأس تبلیغات انقلابی خود قرار دهیم و برای ارتقاء مبارزه کارگران به مبارزه سیاسی انقلابی با تمام قوا بکوشیم . شعار مرکزی ما برای سازمان دادن مقاومت دستجمعی کارگران علیه تعرض نوین رژیم فقها ، تنها میتواند چنین باشد : زنده باد صلح ، زنده باد انقلاب !"

در ارتباط با مطالب فوق سئوالاتی از این قبیل مطرح شده اند : آیا تحلیل راه کارگر عروض شده یا عوامل عینی تغییر کرده اند ؟ آیا راه کارگر خواست بیواسطه صلح را راه کرده و دعوت به قیام را بجای آن نشانده است ؟ و آیا راه کارگر نظرات " اقلیت " را در مورد تبدیل این جنگ به جنگ داخلی پذیرفته است ؟

رفقا ! طرح شعار "زنده باد انقلاب" در پیوند با شعار صلح از جانب ما و سخن گفتن از ضرورت تبدیل جنبش صلح خواهی مردم به جنبش سرنگونی رژیم یا عبارت دیگر به جنگ داخلی ، تازگی ندارد . برای نمونه ، شعار "زنده باد صلح ، مرگ بر جمهوری اسلامی" را در راه کارگر شماره ۱۴ و شعار "مرگ بر جنگ ، زنده باد صلح ، زنده باد انقلاب" را در شماره ۱۵ راه کارگر نیز که به بیش از یکسال ونیم پیش مربوط میشوند می توان دید . گذشته از شکل شعاریه لحاظ مضمونی هم ، تاکید ما بر ضرورت ایجاد پیوند میان صلح خواهی توده ها و سرنگونی رژیم ، یا عبارت دیگر تازگی و ضرورت تبدیل این جنگ به جنگ داخلی علیه رژیم جمهوری اسلامی ، هیچ تازگی ندارد . برای نمونه در همان شماره اول از دوره دوم راه کارگر ( فروردین سال ۶۳ ) گفته بودیم : "خواست صلح با توجه به اینکه در بستریک دوره انقلابی صورت میگیرد و با توجه به آسیب پذیری شدید رژیم در قبالی آن ، طبیعتاً خواستی است در جهت سرنگونی رژیم اسلامی و گامی مهم در این سمت و حتی ممکن است این گذار از صلح به سرنگونی ، سریع و پرشتاب باشد . . . سازماندهی توده ها علیه جنگ و برای تحقق صلحی عادلانه (بدون الحاق طلبی هر دو طرف ) گامی است عظیم در مجموعه مبارزات دمکراتیک توده ها علیه کلیت جمهوری اسلامی . " یا در شماره ۶ راه کارگر ( شهریور ۶۳ ) : " . . . جوانان و سربازان با امتناع از جنگ ، طرح خواست صلح ، افشاکری از رژیم و جنگ الحاق طلبانه ، و جان نبداری از نیروهای انقلابی قادر خواهند شد سیاست میلیتاریستی رژیم را به وسیله ای برای مبارزه علیه رژیم تبدیل کنند . " و باز در راه کارگر شماره ۱۴ ( اردیبهشت ۶۴ ) : " امروز صلح به خواست بیواسطه میلیونها نفر از توده های مردم تبدیل شده است و سازماندهی این خواست بیواسطه توده ای ، حلقه مقدم در سرنگونی رژیم منحوس جمهوری اسلامی بشمار می رود . . . سازماندهی صلح ، یعنی گامی مهم در سرنگونی رژیم ولایت فقیه . . . ما میخواهیم با سازماندهی صلح خواهی توده ها ، آن را به پرچم مبارزه علیه رژیم مبدل سازیم . . . فعالیتمن و

رژیم اسلامی، توده‌های مردم را آگاه و متقاعد سازیم که برای دستیابی به صلح، برای دستیابی به آزادی و نان و کار و مسکن، راهی جز جنگیدن با موجودیت رژیم، سرنگونی آن، و گشودن راه انقلاب اجتماعی وجود ندارد.

لازم به تذکر است که جنگ طلبی ذاتی رژیم فقها را نباید در جنگ مشخص ایران و عراق خلاصه کرد. همانطور که همیشه گفته‌ایم، اینک نیز بر این عقیده‌ایم که رژیم فقها اگر برای حفظ موجودیت خود راهی جز صلح با عراق نبینند، ممکن است به این جنگ مشخص پایان دهد. از اینرو ما بر - خلاف "اقلیت" معتقد نیستیم که صلح رژیم فقها با عراق الزاماً و در هر شرایطی از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می‌گذرد. اینک رژیم اسلامی بنا به مصلحت به این جنگ مشخص پایان میدهد یا در اصرار به تداوم آن سرگون میشود، احتمالاتی است که سخن گفتن از آن به ارزیابی از وضعیت مربوط میشود. اما رابطه ذاتی رژیم ولایت فقیه با جنگ بطور کلی، به آرمانهای پان اسلامیتی آن از یکسو و به نیاز مبرم آن به منحرف کردن مردم از تعقیب اهداف انقلابی و مطالبات برحقشان از سوی دیگر برمی‌گردد. اصرار رژیم به تداوم جنگ با عراق، تجلی موردی این نیاز ذاتی به جنگ است و حتی اگر رژیم تحت شرایطی ناگزیر از قبول آتش بس با عراق شود، در جنگ طلبی این رژیم تغییری حاصل نخواهد شد و در اولین فرصت مساعد لشکرکشی برای صدور انقلاب اسلامی را از سر خواهد گرفت؛ کما اینکه سقوط فرضی عراق و سلطه ولایت فقیه بر آن کشور نیز که شکلی از پایان جنگ با عراق است، بهیچوجه بمعنی پایان جنگ بطور کلی و بمعنی پایان جنگ طلبی ذاتی رژیم فقها نخواهد بود و همانطور که سردمداران رژیم با راهبانی برده عنوان کرده‌اند، با فتح عراق ثبوت به اسرائیل و دیگر کشورهای خواهد رسید و جنگ "تارفع فتنه از عالم" ادامه خواهد یافت! پس ما نمی‌گوئیم که برقراری صلح با عراق و توقف این جنگ مشخص، جز با سرنگونی رژیم محال و غیر قابل تصور است؛ آنچه می‌گوئیم این است که صلح پایدار بر اساس برسمیت شناختن حق کلیه ملل در تعیین سرنوشت خود، و ممانعت از جنگ افروزی‌های تازه رژیم فقها در مرزهای کشور، در حوزه خلیج فارس و خاورمیانه یا هر نقطه‌ی جهان، جز با سرنگونی این رژیم، محال و غیر قابل تصور است.

اگر درست است این است که جنگ طلبی و جنگ افروزی ذاتی رژیم ولایت فقیه را بعنوان یک امر کلی، صرفاً با امکان یا عدم امکان توقف جنگ ایران و عراق بعنوان یک امر موردی و مشخص توضیح ندهیم و فرق ایندو را در یابیم، اما از طرف دیگر این هم واقعیتی است که جنگ مشخص ایران و عراق و اصرار جنون آمیز رژیم فقها به ادامه آن، شرایطی را فراهم آورده است که به ما امکان می‌دهد تا آن امر کلی، یعنی جنگ طلبی و جنگ افروزی ذاتی این رژیم را، بکمک همین امر موردی و مشخص، یعنی جنگ با عراق، برای مردم آشکار و قابل لمس سازیم. ما نه فقط با استناد به گفته‌ها و اعترافات صریح سردمداران رژیم، که جنگ حتی پس از پیروزی بر عراق نیز برای "آزادی قدس" و "تارفع فتنه از عالم" ادامه خواهد یافت، بلکه همچنین با نشان دادن

هواداران سازمان باید... خشم توده‌ها را از جنگ، علیه حکومت ارتجاعی ولایت فقیه متوجه سازند و ناراضگی و اعتراضات پراکنده آنان را به جریان واحد بنیان کنی علیه رژیم تبدیل نمایند... زنده باد صلح، مرگ بر جمهوری اسلامی."

همانطور که شواهدی از این قبیل گواهی میدهند، ما همواره بر ضرورت ایجاد پیوند میان خواست بیواسطه صلح و سرنگونی رژیم، با ضرورت تبدیل این جنگ به جنگ داخلی علیه رژیم، توجه و تاکید داشته‌ایم. و راه کارگر ۲۸ - برای نخستین بار نیست که این ضرورت را به میان میکشد. اختلاف ما و "اقلیت" نیز در این زمینه، در قبول یا عدم قبول ضرورت ارتباط صلح با سرنگونی، یا در قبول و عدم قبول ضرورت تبدیل این جنگ به جنگ داخلی نبوده است. اتفاقاً در این تاکیدات، ما و "اقلیت" اشتراک داشته‌ایم. اختلاف ما در چگونگی پیوند میان صلح (و دیگر خواست‌های بی واسطه) با سرنگونی، و چگونگی تبدیل این جنگ به جنگ داخلی بوده است. "اقلیت" از آنجا که هر خواست بیواسطه‌ای را در دوران انقلابی - و از جمله خواست بیواسطه و مستقل صلح - خواستی فرم‌یستی دانسته و مردود می‌شمرد، به بهانه آنکه رژیم تن به این خواست‌ها نخواهد داد ضرورت سازماندهی خواست‌های بیواسطه را انکار کرده و مطالب آن بوده که خواست سرنگونی بجای خواست‌های بیواسطه نشانده شود. "اقلیت" رابطه میان خواست‌های بیواسطه و سرنگونی را از طریق تقدم سرنگونی بر مبارزات بیواسطه توده‌ها برقرار می‌کرد و بدینسان، تبدیل جنگ کنونی به جنگ داخلی علیه رژیم را نیز از طریق دعوت مستقیم توده‌ها به قیام علیه رژیم، پیش از یاد گرفتن یک نهضت عمومی ضد جنگ، عملی می‌پنداشت در مقابل، ما معتقد بودیم که دعوت مستقیم به قیام در شرایطی که جنبش توده‌ای هنوز از حالت تدافعی خارج نشده است و دعوت به جنگ داخلی هنگامی که ناراضگی از جنگ هنوز به یک خیزش عمومی ضد جنگ تبدیل نگشته است، کاری خطرناک و دست کم دعوتی بی پاسخ خواهد بود. ما می‌گفتیم مبارزات بیواسطه توده‌ها در تداوم و گسترش خود، به مبارزه مستقیم برای سرنگونی رژیم ارتقا خواهد یافت و جنبش ضد جنگ نیز در صورت اوج گیری و تبدیل شدن به یک نهضت عمومی نیرومند، خواهد توانست که به جنگ داخلی علیه رژیم مبدل گردد. ما کماکان بر این نظر هستیم و تحلیل ما از این جهت تغییری نکرده، و مطالب راه کارگر ۲۸ نیز در انطباق کامل با همین تحلیل نوشته شده است. اما آنچه در این میان تغییر کرده است عوامل عینی ناشی از تداوم جنگ ایران و عراق است؛ و راه کارگر ۲۸ - ضمن تشریح این تحولات جدید، عنوان کرده است که اگرچه ما در تبلیغات خود همواره سرنگونی رژیم را بعنوان راستای انقلابی درخواست‌های بیواسطه مردم و بویژه درخواست صلح تبلیغ کرده و بر آن تاکید داشته‌ایم، اینک که تحولات عینی در اوضاع سیاسی اجتماعی، شرایط بسیار مساعدی بوجود آورده است تا توده‌های هر چه وسیعتری از مردم پیوند ذاتی رژیم ولایت فقیه را با جنگ عمیقاً درک کنند، لازم است که با تمرکز تبلیغات خود روی جنگ و رابطه آن با موجودیت

به استخوان شدن مردم از این جنگ، شرایطی را بوجود آورده اند که مردم، بمراتب آسان تر و ملموس تر از گذشته آنچه را که با همیشه درباره رابطه میان خواست های بیواسطه و بیویژه صلح، با سرنگونی رژیم تبلیغ کرده ایم، دریا بنند. راه کار رگر ۲۸ بر اساس همین تحولات و همین شرایط جدید است که لزوم قطعی تمرکز تبلیغات انقلابی روی مسأله صلح و ضرورت سرنگونی را مطرح می سازد و می گوید: "در جنبش شرایطی که توده های مردم برای فرار از جهنم جنگ ناگزیر می شوند مستقیماً با موجودیت رژیم جمهوری اسلامی رودر رو شوند، تبلیغات انقلابی می تواند با یدشعرا صلح را در ارتباط با کلمات تنگ با شعار سرنگونی رژیم طرح کند و از آنها که خواهان پایان یافتن این جنگ ارتجاعی هستند بخواهد که برای دست یافتن به صلح، علیه موجودیت رژیم جمهوری اسلامی بپاخیزند."

این نه اراده پیشاهنگ، بلکه جریان زنده مبارزات توده ها و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی است که مبارزات توده ها را برای خواست های بیواسطه، به سطوح بالاتر، به سطح مبارزه مستقیم برای آنچه که دیروز خواست با واسطه و درودستی بوده است، ارتقاء می دهد. شرایط نوینی که در تداوم جنگ ایران و عراق پیش آمده است، امکان عینی فراهم کرده است که مردم در این راستا، گامی - وای بسا گامی جهش آسا - به پیش بردارند. هنوز شرایطی که بتوانیم مردم را مستقیماً به برداشتن اسلحه و قیام فراخوانیم فرا نرسیده است و دعوت ما از مردم که اگر صلح می خواهند علیه موجودیت رژیم بپاخیزند، هنوز دعوت مستقیم به قیلم نیست. این دعوتی است برای اقناع مردم به اینکه صلح و آزادی و کنار و مسکن و همه درخواست های اساسی و برحقشان، در گرو سرنگونی این رژیم جهانی و طاغونی است. ما خواست های بیواسطه و از همه میبرم تر، خواست بیواسطه و مستقل صلح را رها نکرده ایم، با زماندهی این خواست ها راهم رها نمیکنیم. تلاش ما برای ارتقاء این خواست ها است و شرایط چنین ارتقائی فراهم گشته است. مانعی گوئیم کارگران مثلاً خواست بیمه بیکاری را رها کنند و توقع نداریم که همین امروز، خواست بیمه بیکاری را با شعار "مرگ بر خمینی" به پیش کشند، چنین توقعی از جنبش در حال تدافع، احمقانه است. آنچه وظیفه ما است، تلاش برای کمک به آگاهی انقلابی جنبشی است که دیرباز دبه موضع تعرض در خواهد آمد و چون کارد به استخوان مردم رسیده و چشم انداز طوفان بزرگ نزدیکتر می شود، وظیفه داریم که تبلیغات انقلابی خود را هر چه بیشتر روی ضرورت سرنگونی رژیم و گشایش راه انقلاب متمرکز سازیم. این است آنچه که راه کار رگر ۲۸ بیان کرده است و این است دلیل آنکه شعار "زنده باد صلح، زنده باد انقلاب" را در رأس تبلیغات انقلابی خود قرار می دهیم.



مطلب دیگری که سکولاتی در اینجا و آنجا سبب شده است، موضع مادر قبائل "سنت فدائی" است که در مقاله "بیگان و رشکستگی پوپولیسم بورژوا فرمیستی" مندرج در راه کارگر تئوریک شماره ۴۴ درباره آن سخن رفته است. برای این سو تفاهم پیش آمده است که گویا ما با سنت فدائی سرستیز

این واقعیت ملموس به مردم که حاکمان جمهوری اسلامی امروزه در چه شرایطی و به چه قیمتی بر تداوم جنگ با عراق اصرار می ورزند، می توانیم آنان را به ذات جنگ طلب این رژیم واقف سازیم، و متفادشان کنیم که تا این رژیم هست، جنگ هم خواهد بود و برای آنکه جنگ نباشد، باید خود این رژیم را سرنگون کرد. رژیم در شرایطی جنگ را ادامه میدهد که نیروی دا و طلب ته کشیده، فرار و نرفت از جنگ همگانی شده و نارضایی عمومی از جنگ، به خشم متراکمی مبدل گشته است که هر آن ممکن است منفجر شود و بساط رژیم را به آتش کشد. حاکمان رژیم این را بهتر از همه می دانند و از وحشت آن بخود می لرزند، اما با وجود این بر تداوم جنگ اصرار می ورزند، امکانات فنی نظامی رژیم ته کشیده است و با تحریم وسیع فروش اسلحه از سوی جهان مواجه گشته است، صدور نفت و قیمت آن کاهش یافته و منبع اصلی تامین بودجه جنگی خشکیده است. ذخیره ارزی پایان یافته، قطعی و فلاکت در آستانه در ایستاده و کشور در پرتگاه ورشکستگی و ویرانی کامل قرار گرفته است، و علی رغم این، حاکمان جمهوری اسلامی بر تداوم جنگ اصرار دارند. دیر و بخشی از دستمزدها کارگران و زحمتکشان را بجا ب جنگ کسرمی کردند، امروز بقیمت اخراج صدها هزار کارگر، و کارمند، بقیمت توقف تولید و تعطیل گسترده کارخانجات و بقیمت نابودی کامل اقتصاد، و فلاکت و تباهی تمامی نیروی تولیدی و فعاله کشور بر تداوم جنگ اصرار دارند. دیر و با ایستادن در صنف ارزاق، نیم لقمه ای بدست مردم میرسد، امروز حاکمان فقیه جنگ را حتی بقیمت اختصاص این نیم لقمه به بودجه نظامی ادامه می دهند. دیر و بهر کلکی بودنیروی دا و طلب برای جبهه فراهم میشد، امروز بقیمت پلیسی کسردن حیات سراسر جامعه و دستگیری جوانان و کودکان و حتی سالمندان در شهر و روستا، در کاراها و سینماها و حمام ها، در منازل و معا برو بقیمت قربانی کردن تمامی نسل جوان و نیروی فعاله کشور، جنگ ادامه می یابد. و بالاخره، اگر در گذشته، رژیم به جهاتی موقعیت بهتری داشت، اینک حتی در ضعیفترین و شکننده ترین موقعیت خود که هم از لحاظ بین المللی در انزوای کامل قرار گرفته، هم خشم و انزجار توده ای محاصره اش کرده، هم نیروی انسانی و فنی اش ته کشیده و هم اقتصاد کشور بکلکی متلاشی شده و در آستانه فلاکت کامل قرار گرفته است، باز هم از جنگ طلبی و جنگ افروزی خود دست برنداشته و حاضر نشده است حتی در جنبش شرایطی نیز اصرار به تداوم جنگ با عراق و صدور انقلاب اسلامی به آن کشور دست بکشد. اگر این رژیم به بهای نابودی همه کس و همه چیز و آنهم در ضعیفترین موقعیت خود، بر تداوم جنگی اصرار ورزیده است که ممکن است خود و رانیز قربانی کند، پس وای بروزی که وعده رژیم مبنی بر پایان این جنگ با پیروزی بر عراق تحقق یابد! این است آن حقیقتی که باید مردم بدانند. گسترش بی سابقه عوارض جنگ به تمام عرصه های حیات کشور، و لمس فاجعه صدور انقلاب اسلامی رژیم توسط یکایک مردم از طریق تعمیم دهشتناک رکود تولیدی و بیکاری، سقوط تحمل نا پذیر سطح زندگی مردم و پلیسی شدن کامل سراسر جامعه، و در یک کلام کارد

پاسخ ...

داریم می خواهیم آن را نابود کنیم! چنین برداشتی نادرست است. سنت فدائی چه بوده است؟ ما فراموش نکرده - ایم که فدائیان خلق در شرائطی که از یکسوی جنبه ملی از مبارزه با دیکتاتوری کنار کشیده و از سوی دیگر حزب توده در عمل و حتی مدتی از لحاظ نظری نیز، با "انقلاب سفید شاه و ملت" کنار آمده بود، پرچم مبارزه با دیکتاتوری را برافراشتند. پیام فدائی در شرائطی که اپوزیسیون سابق بکلی به زانو در آمده و هرگونه اعتراض و حرکتی از جانب رژیم سرکوبگر شاه با زندان و سرنیزه پاسخ داده میشد این بود: مبارزه با دیکتاتوری به هر قیمت، فدائی حتی برای دست بدست کردن یک اعلامیه، سیانوریدها و اسلحه به کمر حرکت میکرد. این مبارزه بهر قیمت، فقط با دیکتاتوری نبود، در عین حال مبارزه بهر قیمت با اپورتونیسیم، رفرمیسم و سازش با دیکتاتوری نیز بود. چه کسی نمیداند که فدائی، با سخنی بوده اپورتونیسیم و رفرمیسم حزب توده و سازشکار ریهای بورژوا رفرمیستی؟ سنت فدائی از گرانقدرترین سنت های مبارزاتی تاریخ کشور ما است و مانه تنها در پی نابودی آن نیستیم، بلکه خود از سلاله این سنت و از ادامه دهندگان آن، ضمن آنکه شرط حراست از این سنت از زشمندرا مبارزه با انحرافات آن از بیوولیسیم و ناسیونالیسم میدانیم و در جهت پالایش آن از این انحرافات بسهم خود کوشیده و می کوشیم. مانه با سنت فدائی سرستیز داریم، و نه خواهان منلاشی شدن سازمانهای سیاسی هستیم. ما با این مخالفیم که سنت فدائی که در نبرد بهر قیمت با دیکتاتوری و در مبارزه با رفرمیسم و اپورتونیسیم معنا یافته بود، زمانی وسیله تقویت سیاه ترین دیکتاتوری عصر، یعنی رژیم ولایت فقیه و سپس وسیله ای برای ماستمالی این خیانت بزرگ، ورشته ای برای پیوند اپورتونیسیت های رفرمیست، و بالاخره دامی برای جمع آوری نیرو در دست حزب توده و ورشکسته و متلاشی باشد، و یا مثلامدال افتخاری باشد بر سینه چماقداران برادرکش. ما با خط خیانت سرچنگ داریم، با انحرافات سر جنگ داریم و طبیعی است که با تجلی تشکیلاتی چنین خطوطی نیز کنار نخواهیم آمد. این تنها راه حراست از سنت انقلابی فدائی است.

دمکراسی درون حکومتی نیز مضر است!

اخیرا در پی اوگیری اختلافات درونی حکومتگران، خمینی مجددا بر سر متبرفت و جناح مخالف را که امروزه عمدتاً حول نشریه رسالت مجتمع شده است، مورد عتاب قرار داد که: "این جور نیست که همه اش قضیه تمیحت باشد و ملایمت باشد، یک مساله دیگری پیش می آید". به عبارت دیگر اینکه آقایان مخالف کابینه موسوی باید حساب کار خود را بکنند که تنها با زبان خوش با آنها صحبت نخواهد شد! رفسنجانی نیز بلافاصله پس از اظهارات "امام"، موقعیت را مناسب تشخیص داد و دیکتاتوری تمام و تمام جناح "پیرو خط امام" را در مجلس اعلام کرد. وی در تفسیر اظهارات امام چنین گفت: "مخاطبان امام هم نویسندگان بودند و هم گویندگان و طبعاً بخشی از گویندگان در مجلس هستند" (کیهان، ۱۱ شهریور ۶۵). از این رو جناح مخالف که اساساً تمایلات بورژوازی تجاری بزرگ و ممتاز زه را نمایندگی می کنند و در انتخابات میان دوره ای مجلس با فرستادن ناطق نسوری کاندیدای انتخاباتی خود به مجلس به پیروزی چشمگیری بر رقیب مسلط خود دست یافته توسط خمینی از ادامه تلاش برای برکناری کابینه موسوی بر حذر شد و علاوه بر آن مورد تهدید قرار گرفت که از تریبون مجلس برای مخالفت با کابینه استفاده نکند.

روزنامه رسالت و گردانندگان آن یعنی افرادی نظیر عسکراولادی، آذری قمی، ناطق نوری که در استثمار و بهره کشی و سرکوب کارگران و زحمتکشان با روحانیت حاکم شریکند و اختلافشان با جناح مسلط تنها بخاطر خصومی کردن بیشتر سرمایه ها و تامین شرایط سیاسی مناسبتری برای اعمال حاکمیت بورژوازی ممتاز است، اکنون دمکراسی درون حکومتی خود را به خطر انداخته اند. آخر، تداوم ارتجاع اسلامی در شرایط بسیج نظامی عمومی برای باصلاح "فتح نزدیک" مستلزم دیکتاتوری همه جانبه "حزب الله" بر کل جامعه و منجمله بر همکاران و شرکاء خودی است. در غیر این صورت چگونه می توان انتظار داشت که تضادهای هیئت حاکمه در چنین شرایطی از بسیج نظامی به بهانه ای برای انفجار بزرگ توده ها علیه کل رژیم جمهوری اسلامی مبدل نشود. پس "امام" درست می گوید که: آقایان، اسلام، روحانیت در خطر است!

با شریه



هکاته گنید!

سر بلایی چنگد و ...

دنباله از صفحه ۲۲

آزاد ساخته و ارتش از دست داده است... و چقدر برای ما سخت بود که جبهه ها را رها کنیم و به پشت جبهه بیائیم و این مسائل را توضیح دهیم. (جمهوری اسلامی، ۲۴ خرداد) و در پایان وعده داد که "ما فرماندهان نیروهای مسلح متعهد شده ایم که با هم یید واحد باشیم تا میهن اسلامی را از شر تاجا و ز دشمنان نجات دهیم." (همانجا)

اما هنوز حرفهای این جناب تمام نشده بود که حکم برکناری از فرماندهی را بدستش دادند و معلوم شد که آقایان چقدر به تعهدات خود پایبندند!

در آستانه... دنباله از صفحه ۱۵

**"عملیات کربلا" نیز به شمارش افتاد!**

پس از عملیات والفجر، اینک عملیات کربلاست که به شمارش افتاده است و تاکنون سه پرده آن با انواع و اقسام "رمزها" سپری شده و هنوز البته "حمله سرنوشت ساز" رخ نداده است. رفسنجانی پیش از عملیات کربلای ۳، درباره کربلای ۲ چنین گفت: "قبل از پیروزی مطلق و قبل از آنکه عملیات سرنوشت ساز شروع شود، انشاءالله از مسیر همین کربلای دو بدست خواهد آمد." اما مسیر کربلای دویه "پیروزی مطلق" منجر نشد و وعده با زهم به تاخیر افتاد! با این همه، آنچه تاکنون نقداً بدست آمده عبارتست از کشتار با زهم فزونتر زحمتکشان و جوانان هردو کشور، ویرانی و فلاکت اقتصادی با زهم بیشتر، ابعاد این فلاکت اقتصادی چندان است که رژیم حتی از ذکر ارقام و آثار آن هراسناک و وحشتزده است. به این سخنان رفسنجانی در تفسیر اظهارات خمینی به تاریخ ۸ شهریور ۱۳۶۵، توجه کنید: "از شما توقع دارم که اسرار جنگ و اسرار اقتصاد و آثار و ارقام نفت و چیزهای را که برای ما جنبه بیکلی سری دارد در روزنامه‌ها بگوئیم و بعد هم دولت یا مجلس را زیر سؤال بکشیم... وضع جنگ، وضع جبهه‌ها و وضع مردم را شما دارید می بینید، شکی نیست که الان نزدیک دو سوم ارزش را صرف جنگ می کنند و تقریباً بیش از نصف بودجه مصوب مجلس را ما داریم خرج جنگ می کنیم و امکانات وزارتخانه‌ها را داریم می گیریم می بریم به جنگ، خوب این حتماً کمبود دارد... آیا می شود این‌ها را گفت؟" البته که نمی شود، در جمهوری اسلامی اینها را گفت! زیرا تداوم جنگ ارتجاعی با اختناق و فلاکت اقتصادی داخلی برای کارگران و زحمتکشان تکمیل می شود، به همین دلیل نیز منافع کارگران و زحمتکشان در قطع فوری جنگ و برقراری صلح است و این امر نه با دل بستن به "فتح نزدیک" بلکه با شکست حکومت "خودی" یعنی نابودی رژیم جمهوری اسلامی مترادف است.

دنباله از صفحه ۲۶

**ژاپن:...**

و بالاخره میلیتاریزه شدن عمومی بلوک کشورهای امپریالیستی سومین عامل موثر در احیای میلیتاریسم ژاپن می باشد. اکنون تمام اردوگاه کشورهای امپریالیست (دزهرسه قطب آن) راه میلیتاریسم همه جانبه را در پیش گرفته اند، و این میلیتاریزه شدن هر چند جزئی از جنگ برای سرکردگی در بلوک امپریالیسم را تشکیل میدهد، لیکن سمت عمومی گسترش میلیتاریسم در هر سه قطب جهانی سرمایه، علیه اردوگاه کشورهای سوسیالیستی و انقلابات در سراسر جهان می باشد. این سیاست بلوک امپریالیستی، در بیانی سه سران هفت کشور صنعتی، با فورمول "سرشت همگانی و تقسیم ناپذیرانه منیت" خود را نشان داد، که در حقیقت پاسخی بود به پیشنهادات صلح شوروی و اروپا و ژاپن. دولت ارتجاعی ناکازونه، حتی پیشنهاد دگر و میکودر مورد کاهش تشنج با اروپا و انتقال موشک های اس.اس.۵ به سبیری را بهانه ای برای در "معروض تهدید قرار گرفتن ژاپن" و میلیتاریزه سازیون بیشتر قرار داد، و تاکنون نیز از پذیرش پیشنهادات گورباچف در ولادی وستک، مبنی بر همکاری با ژاپن، عملاطفره رفته است.

بلوک امپریالیستی با دادن زدن بر میلیتاریسم، جهان را بسوی یک جنگ ویرانگرسوق میدهد، از اینرو، مبارزه برای صلح و مهارگر ایشات جنگ طلبانه امپریالیسم، جزئی از وظائف نیروهای انقلابی است، و گامی است در حفظ سوسیالیسم، و گسترش بیکارهای طبقاتی و انقلابات در سراسر جهان، بویژه در کشورهای "دنای سوم".

پیروز گردد؟! برای پیروزی این تنها آلترنا تیفو موکرا تیک و انقلابی، در زیر پرچم پرافتخارهای کارگران، متحد و یکپارچه بپای خیزیم!

طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، پیوند خورده است با نیرومندتر شدن ایمن اراده انقلابی توده ای نیرومندتر خواهیم شد. آیا آلترنا تیفو کارگران و زحمتکشان نمی تواند در "آلترنا تیفوهای دیگر

بهتر بگوئیم، در جنگها ئی) که پیش رو داریم پیروزی آنان بدست نخواهد آمد؛ دیگران بیکار نخواهند نشست؛ فقهای حاکم به آسانی از قدرت دست نخواهند شست. جمهوری اسلامی با حکومت سرنگان یونان و با حکومت ژنرالهای آرژانتین تفاوت زیادی دارد و بعید است حتی در صورت یک شکست کامل در جنگ بخودی خود سرنگون شود، آنها را خواهند جنگید، اما این بار علیه همه مردم. مردم که چهره واقعی آنها را شناخته اند، این بار با همه امکانات علیه آنها برخوانند خاست، پس چرا مردم نتوانند بر آنها پیروز شوند؟! ما مردم تنها سرنگونی ولایت فقیه را نمی خواهیم بلکه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میخواهند. و این هدفها را جز با سازمان یابی آگاهی و اراده انقلابی خودشان بدست نخواهند آورد. از میان دشمنان ولایت فقیه، کدام نیرو با ارتقاء آگاهی و شکل گیری اراده مستقل مردم نیرومندتر می گردد؟ طیف رنگارنگ لیبرالها در پی کنار آمدن با ولایت فقیه است، و از اراده مستقل کارگران و زحمتکشان بیش از ولایت فقیه هراس دارد. سلطنت طلبان که با انقلاب مردم به زباله دانی تاریخ پرتاب شده اند، می خواهند به مردم بقبولانند که انقلاب علیه نظام ستمشاهی چیزی جز جنون و سفاقت نبود! آنان خواهان امتیازات از دست رفته شان هستند، "نه چیسزی، را فراموش کرده اند و نه چیزی یاد گرفته اند. مجاهدین خلق می خواهند بجای ولایت فقیه، ولایت رجوی را بنشانند، آنها از اراده مستقل توده های مردم نفست دارند و این را با شعار "ایران رجوی، رجوی ایران" با صراحت بیان می کنند. اما ایران جزیه توده های مردم ایران به کسی تعلق ندارد، آنکه این را نمی پذیرد نمی تواند برای سازمانیابی آگاهی و اراده مستقل مردم ایسران بجنگد. ما کمونیستها، برخلاف ایمن با مصطلح "آلترنا تیفو" فقط و فقط از آگاهی و اراده مستقل انقلابی توده های مردم نیرومی گیریم و بنا آگاهی، انقیاد و پراکندگی اراده توده ها تضعیف می شویم. سرنوشت ما و شرف و غرور ما با سرنوشت آزادی و رهائی مردم، با اراده انقلابی

### ۱۰۰. اخراج کارگران

کارگران به خیابان پرتاب میشوند و به صدقه‌بگیران جامعه تبدیل خواهند شد. می‌باید دست به مقاومت گسترده‌ای زد. باید برای کارگران توضیح داد که برنامه رژیم به این یا آن کارخانه محدود نمی‌شود بلکه جز صنایع نظامی و بخش کوچکی از صنایع مواد غذایی، بقیه همه در معرض تعطیل قرار دارند. در همان حال کارگران شاغل در این بخشهای "ممتاز" نیز باید بدانند که رژیم برای حفظ کارگران حزب الهی و "انتقال" آنان به این بخشهای فعال ناگزیر است که حتی در این کارخانجات نیز دست به اخراج کارگران "غیر خودی" بزنند و اخراج "دیگران" برای آنکه برای حزب الهی ها جا باز بشود تردیدی نخواهد کرد. بنا بر این همه کارگران غیر حزب الهی، مستقل از اینکه در کدام بخش صنعت و یا کارخانه کاری کنند برضبت رژیم قرار دارند. باید با اتحاد همگانی علیه رژیم با این برنامه مبارزه کرد. شعار ما در این زمینه اینست: کارگران نباید فدای این جنگ خانمانسوز بشوند. کارخانه‌ها باید بازمانند، کارگران نباید اجازه دهند که در هیچ کارخانه‌ای بسته شود. کارخانه‌ها نباید نظا می‌شوند. کارخانه‌ها باید بیدبه کار خود ادامه دهند و دولت موظف است از لازم‌رادر اختیار آنان قرار دهد. کلید موفقیت، اما، در اتحاد کارگران کارخانه‌ها و بخش‌های مختلف است. تنها در این صورت است که رژیم موفق نخواهد شد برنامه تعطیل و بیکاری گام به گام را به پیش ببرد. طبقه کارگرنیز خود راه مقابله با این شیوه مودیانه را نشان داده است: اعتصاب باشکوه و پیروز ذوب آهن اصفهان. در آنجا رژیم میخواست بخش بزرگی از کارگران را بیکار کند اما یکدفعه وارد عمل نشد. در آنجا از اخراج کارگران پیمانی بخش ساختمان شروع کردند و با هوو و جنجال و قسم و آیه گفتند که تنها و تنها به این "بخش غیر ضروری" کارخانه کاردارند. اما کارگران فریب نخوردند. کارگران همه بخشها متفقا در مقابل تعطیل بخش ساختمان مقاومت کردند و برای جلوگیری از اخراج آنها دست به اعتصاب دسته جمعی

زدند و کل کارخانه را به اعتصاب کشاندند. نتیجه این اقدام درخشان و پهرمانا نه کارگران ذوب آهن اصفهان عقب نشینی مفتضحانه رژیم بود. آنها مجبور شدند اعلام کنند که اسلاکل قضیه سوء تفاهم بوده و حتی اخراج کارگران پیمانی هم در برنامه شان نبوده است! این اقدام متحد و شجاعانه کارگران اصفهان می‌بایست سرمشقی برای همه کارگران ایران باشد. کارگران پیشرو و فعالین کارگری باید این نمونه درخشان را برای کارگران بازگو کنند و از درسهای آن استفاده کنند. این تجربه اقدام کارگران ذوب آهن بهترین نمونه‌ای است که میتوان از آن یاد کرد. اما در بخشهای دیگر، در کارخانجات دیگر نمونه‌های کوچک یا بزرگی از اقدامات مشابه وجود دارند. کارگران پیشرو این کارخانه‌ها باید آوری آن و توضیح نتایج آن بایدر و جوامع را تقویت کنند. مبارزه برای بازماندن کارخانه‌ها و عدم اخراج کارگران در اثر کمبود رزرها باید با مبارزه برای قانون کار پیشرو و بخصوص "بیمه بیکاری" پیوند داده شود. از این فرصت استفاده کرد و برای کارگران توضیح داد که چگونه در یک جامعه سرمایه‌داری جنبدیکاری همواره روی سر کارگران بال می‌زند و هر لحظه خطر بیکاری وجود دارد. تحمیل "بیمه بیکاری" برای کارگران غیر شغل "اقدامی است که می‌تواند فشار مشکلات ناشی از بیکاری را کاهش دهد و تا مین حد اقلی را برای کارگرو خا نواده‌اش فراهم سازد. کارگران در مقابل سیاست دولت برای بستن کارخانجات و ادامه جنگ، از بازماندن کارخانجات، عدم اخراج، قطع جنگ و بیمه بیکاری دفاع می‌کنند. باید این نکات را با شدت هر چه تمامتر در همه کارخانجات مطرح کرد. اهمیت این تبلیغات در مقطع کنونی بسیار است. کارگران با دولت و کارفرمایان بیش از هر زمان دیگری است. افشای انجمن‌های اسلامی و منفرد کردن آنان که در این سیاست دولت برای ایجاد تفرقه در کارگران نقش مهمی ایفا می‌کنند و با این کارنان و آب خود را نیز حفظ می‌کنند، از اهمیت زیادی برخوردار است.

کارگران! رژیم میخواهد شما را از کار بیکار کند تا جنگ ادامه یابد، علیه بیکاری و جنگ مبارزه کنیم! در شرایط فاجعه بار کنونی اقتصاد جنگی بیکار شدن بمعنای از دست دادن شغل برای همیشه است. برای جلوگیری از تعطیل کارخانجات و برای برقراری بیمه بیکاری مبارزه کنیم! رژیم میخواهد با تعطیل یک به یک کارخانه‌ها و عوام فریبی که کسی بیکار نخواهد شد اقدام متحد کارگران جلوگیری کند، از بردارن قهرمان ذوب آهن اصفهان بیا موزیم و با اتحاد همگانی این نقشه رژیم را نقش بر آب کنیم!

کارگران! تا وقتی این رژیم پابرجاست، جنگ، بیکاری، گرانروی، کمبایی گریبان همه زحمتکشان را می‌فشارد و برای سرنگونی این رژیم مبارزه کنیم!

### کارگران اتحاد، اتحاد!

دنباله از صفحه ۱۰

### پیرامون انتخابات

اداره امور شهرداریها را در میان توده‌ها مطرح سازند. زیرا شهرداریها میتوانند بعنوان وسیله موثری برای دفاع از سطح زندگی زحمتکشان و سازماندهی کمبهای مالی و معنوی حیاتی (کنترل اجاره‌ها، تامین مسکن مناسب، تاسیس غذاخوریها، عمومی ارزان قیمت، تاسیس مهدکودک برای تمامی محلات و...) در خدمت توده‌ها قرار گیرند. این مسئله تنها با دمکراتیزه شدن اداره شهرداریها و انجام انتخابات آزاد برای انتخاب شهردار و شوراهای توده‌ای و قبضه اموری این ارگان توسط کارگران و زحمتکشان بدست خواهد آمد. از سوی دیگر تحقق دمکراتیزه شدن اداره شهرداریها مانند تمام خواسته‌های دمکراتیک با موجودیت رژیم ولایت فقیه گره خورده است و باید به توده‌ها نشان داد که بدون سرنگونی ولایت فقیه و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق هیچ اصلاح جدی در امور شهرداریها امکان پذیر نیست.



# همگام با کارگران و زحمتکشان جهان

## تزاری هشتمین اجلاس کشورهای

### غیرمتعهد

با حضور حدود ۴۷ رئیس دولت از ۱۰ کشور عضو جنبش غیرمتعهدها، هشتمین اجلاس این سازمان در حراره، پایتخت زیمبابوه، برگزار شد. بررسی مذاکرات و مصوبات این اجلاس نشان میدهد که هر چند بیعت گوناگونی و عدم تجانس کشورهای عضو، این سازمان از اتخاذ یک روش عملی مبارزاتی در مقابله با توطئه‌های امپریالیستی عاجز است اما با این حال تریبون افشاگری مناسبی در اختیار کشورهای انقلابی میدهد و قادر به درهم شکستن دسیسه‌های امپریالیستی برای به انزوا کشاندن کشورهای چون نیکاراگوئه میباشد. حضور نمایندگان نهضت‌های رها فی بخش جون سوایو، سازمان آزادی بخش فلسطین، کنگره ملی آفریقای جنوبی و نیز جمهوری دمکراتیک صحرا، بمثابه اعضای کامل الحاق این جنبش بر اهمیت این اجلاس‌ها می‌افزاید و نشان از مفید بودن وجود این نهضت غیرمتعهدها دارد. هرچند که وجود برخی از رژیم‌های بغایت ارتجاعی نظیر مصر و ایران در کنار رژیم‌های انقلابی چون کوبا، نیکاراگوئه و زیمبابوه نیز بیانگر عدم تجانس این جنبه کشورهای غیرمتعهد می‌باشد.

آن چه بیش از همه در این اجلاس جلب توجه می‌کرد غلبه جوش آریکا ئی و محکومیت سیاست تجار و زکارانسه امپریالیسم آمریکا در چهار گوشه جهان بود. این درست است که در مضمون این مبارزه طلبی ضد آمریکا فی تفاوت‌های ماهوی میان کشورهای مختلف وجود دارد، اما در حال این از طرفی بیانگر نقش فعال کشورهای انقلابی و پیشرو در این نهضت است و از جانب دیگر نشان دهنده ماهیت فوق ارتجاعی سیاست خارجی امپریالیسم آمریکاست که با هر نوع استقلال و عدم تعهدی سرچنگ دارد و بدین گونه همگان را بر علیه خود برمی‌انگیزاند. این اجلاس سنند حکومت سیاست ملیتاریست امپریالیسم آمریکا از طرف اکثریت

این تصمیم بویژه در خصوص تحریم واردات حائز اهمیت است.

رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز در این اجلاس توده‌نی خورد قطعنامه‌ای در خصوص جنگ ایران و عراق دعوت سه آتش بس و برقراری صلح فوری می‌کند. جوچنان بر ضد جنگ طلبی ملایان بود که نماینده ایران (خامنه‌ای) ترجیح داد در این مورد صراحتی نگوید. توجه به این شکست مهم از آن رودر خور اهمیت است که روزنامه‌های رژیم سترو صدای زیادی در خصوص "نقش برجسته و پیش برنده" خود بر اه انداخته‌اند. جالب است که این "نقش پیش برنده" در مهمترین مسئله‌ای که برای رژیم ایران وجود دارد یعنی "جنگ، جنگ، تا پیروزی" کمترین اثری نداشته است. اینهم از معجزات رژیم الهی است. علیرغم سخنرانی‌های متعدد درباره اهمیت مسئله بدهی‌ها برای کشورهای جهان سوم و لزوم اتخاذ یک سیاست مشترک از جانب کشورهای بدهکار، اجلاس قادر به اتخاذ یک تصمیم صریح و روشن در این باره نشد و تنها به این که "هر کشوری به نظر خود اقدام خواهد کرد" اکتفا شد. این نکته در کنار رد پیشنهادهای برگزاری اجلاس آتی در نیکاراگوئه نشان میدهد که متحدان "غیرمتعهد" جهان امپریالیسم در این جنبش از وزن قابل توجهی برخوردارند. این بهائی است که این "جنبه غیرمتعهدان" برای ادامه همکاری در چارچوب اصول تاکنونی خود می‌پردازد. اصولی که در مجموع امکان افشاگری از سیاستهای امپریالیستی و مقابله با توطئه‌آنان برای منزوی کردن کشورهای مستقل و پیشرو را فراهم کرده‌اند.

کشورهای موسوم به جهان سوم است. در مقابل سخنرانان متعددی از نقش مثبت اردوگاه سوسیالیسم و بویژه اتحاد شوروی در مقابله با این سیاست و جلوگیری از خطر جنگ جهانی سوم، که بی تردید جنگی هسته‌ای خواهد بود، یاد کردند. در این میان با یاد اعتراض کشورهای چون کویت و آروانتین یاد کرد که نسبت به "غلبه جوش آریکا ئی" در اجلاس هشدار داده و آن را محکوم کردند. از کویت انتظاری جز این نمی‌رفت ولی وقتی دولت آروانتین که به تازگی از زیر چکمه‌های ژنرال‌های تربیت شده و سرسپرده آمریکا سر بر آورده است از ضد آمریکا ئی بودن سخنرانی‌ها ابراز نگرانی می‌کند، حقاً جای آن دارد که در ادعاهای دمکرات ما بانه دولت الفونسین شک کرد. هر روزی که میگذرد از این "دمکرات‌های تازه به قدرت رسیده‌ها" و اشارات روشن تری در همبستگی با امپریالیسم بچشم میخورد.

اجلاس با تصویب قطعنامه‌ها فی حمله نظامی آمریکا به لیبی را محکوم کرد. از کشورهای "خط مقدم جبهه" در برابر آفریقای جنوبی حمایت شده و تشکیل صندوقی برای جبران خسارات ناشی از حملات ارتش پرتوریا و سیاست فشار اقتصادی آن پیش بینی گردید. از جانب دیگر اجلاس از کشورهای عضو دعوت کرد تا ضمن ممنوع کردن ارتباطات هوایی، زمینی و دریایی با رژیم نژادپرست، به تحریم واردات فولاد و ذغال سنگ از این کشور بپردازند. تصمیماتی که کشورهای بازار مشترک اروپا تا کنون از اتخاذ آن سر باز زده‌اند.

### تذکره

در بیست و چهارم شهریور ماه گذشته، نیروی هوایی ترکیه مواضع مبارزین کرد در خاک عراق را بمباران کرد. طبق آمار ادعایی دولت ضد خلقی ترکیه این تهاجم بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کشته بجای گذاشته است. این چندمین باری است که ارتش ضد خلقی ترکیه، به انجام عملیات در خاک عراق اقدام می‌کند. امری که از یک توافق ضمنی میان دول منطقه برای سرکوب نهضت کرد در خبر میدهد. نیروهای انقلابی و مبارز به این اقدام دولت ترکیه اعتراض میکنند. باید برای افشای هر چه وسیع‌تر این اقدامات جنایتکارانه بر علیه خلق کرد کوشش کرد. نباید گذاشت تا کشورهای امپریالیستی، که در جستجوی روابط هر چه عادی‌تر با ترکیه امروزه تمام گزارشات مربوط به نقض حقوق بشر در این کشور را نادیده می‌گیرند، در توطئه سکوت خود در این زمینه موفق شوند.

## آفریقای جنوبی

آتش مبارزه در آفریقای جنوبی همچنان زبانه میکشد و علیرغم سکوت نسبی مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی امپریالیستی، این واقعیت خود را در لابلای اخبار و تفاسیر گوناگون منعکس می کند. ماه پیش با ردیگر "سوتو" در صف اول مبارزه خلق سیاه قرار گرفت. با ادامه تحریم مدارس و نه پرداختن کرایه خانه ها، نیروهای مسلح فاشیست نژاد پرستان به این شهر هجوم بردند. مبارزین با تظاهرات خرابیایی و جنگ تن به تن به این تهاجم پاسخ دادند. بیلان درگیری شهادت ۱۴ تن دیگر از مبارزین سیاه پوست و زخمی شدن دهها تن از ما موران پلیس و ارتش بود. در همان حال چندین عملیات مسلحانه انقلابی در سوتو و شهرهای دیگر صورت گرفت، امری که حاکی از افزایش توان نظامی جنبش حق طلبانه ضد پارتناید است. از طرف دیگر رژیم نژاد پرست سه تن از مبارزین اسیر کنگره ملی آفریقا (ANG) را اعدام کرد. این افراد به "جرم" برداشتن سلاح و مبارزه بر علیه پارتناید در اسپتا مبر به دار آویخته شدند و خون پاک آنان به رود خروشان شهیدان ضد پارتناید پیوست.

ادامه مبارزه قهرآمیز در پاسخ به نظام فاشیستی حاکم در این کشور، پاسخ دندان شکن کارگران و زحمتکشان سیاه به موعظه های "مسالمت جویانه" فرمیستها و عوامل بورژوازی امپریالیستی بود. پاسخ مساعد خلق آفریقای جنوبی به ندای ANG برای "غیر

قابل حکومت کردن آفریقای جنوبی"، امری که با ادامه مبارزه قهرآمیز توده های علیرغم خشن ترین تاکتیکها؛ پلیسی خود می نماید، یکبار دیگر نقش مسلط این سازمان مبارز در جنبش مقاومت ضد پارتناید را خاطر نشان ساخت. این حقیقت آنچنان آشکار شده است که دولت تاجر، که به همراه دولت ریگان از حاکمان اصلی رژیم پرتوریاست، نتواند گزیرد که از سیاست پیشین خوددائری "عدم مذاکره" سازمانهایی که روش خشونت آمیز را توصیه می کنند" (!!) دست بردارد و بی طور رسمی با ANG به مذاکره بپردازد و دلرد "جفری هاو" وزیر خارجه این کشور از "ولپورتا مپور" رهبر کنگره ملی آفریقا دعوت کرد تا برای مذاکره به لندن برود. تحمیل این شناسائی ضمنی نقش رهبری کننده کنگره ملی آفریقا به امپریالیسم انگلیس پیروزی دیپلماتیک بزرگی برای این سازمان محسوب میشود. این عقب نشینی امپریالیستها برخودشان شکست سیاست "رهبری تراشی" و علم کردن عناصری چون اسقف توتو و شیخ بوتلزی را دارد. ازین پس کنگره ملی آفریقا عملیاتی به رهبری لامنازع ضد پارتناید در عرصه دیپلماتی بین المللی عمل خواهد کرد و این در کنار ادامه مبارزه پرتوان بر ضد رژیم پرتوریا، عامل کمکی موثری برای تهیه امکانات و ازدیاد فشار بر رژیم نژاد پرستان خواهد بود. طبقه کارگر و زحمتکشان آفریقای جنوبی میوه مقاومت خون بار خود را بزودی خواهند چید.

## شیلی

با ردیگر پینوشه جلا دمجبور شده است تا "حکومت نظامی" اعلام کند تا شاید بتواند چند صبا حی دیگر به حکومت جنایتکارانه خود ادامه دهد. طبق معمول بدشمال برقراری حکومت نظامی صدها تن از مبارزین دستگیر و به زندان افکنده شدند. اما این بار اعمال پلیسی با پدیده نوین تکمیل شده اند و آن اعلام وجود "جوخه های مرگ"، این گروه های مسلح فاشیست است که در کمال آزادی، آنهم در شرایط حکومت نظامی و منع عبور و مرور، شبانه به خانه مبارزین هجوم می برند، آدم می ربایند، شکنجه و کشتار می کنند. تاکنون دودسته فاشیست اعلام وجود کرده اند: گروه "عمل مسیحی ضد کمونیست" و "گروه اسپتا مبر" (۱۱ اسپتا مبر روز ترورتا کام پینوشه است). سازمان عقوبت الملل در گزارش جدیدی که درباره اوضاع شیلی منتشر کرده است با اشاره به "استراتژی جدید ترور" دولت شیلی، گزارشات مستدل و متعددی از این گروهها و ارتباطات تقریباً آشکارشان با ژنرالها، محافظ

## اروگوئه

دولت اروگوئه لایحه ای را دربار، اعطای عقوبت قید و شرط به کلیه نظامیان و افراد نیروهای انتظامی که متهم به اعمال شکنجه و نقض حقوق بشر در دوران حکومت نظامیان هستند تنظیم کرده است. این عمل دولت غش عناصر مترقی و سازمانهای پیشرو و انجمن را برانگیخته است. مدارک و اسناد افر برای اعمال شکنجه و حشانه و اعدامهای علنی و مخفی توسط پلیس و ارتش چنان قاطع و متعدد هستند که حتی موردانکار دولت هم قرار نگرفته اند و در لایحه مذکور هیچ اشاره ای در این جهت وجود ندارد. امری که خود بر سواشی این "هدیه دمکراسی" به غاصبان دمکراسی و جنایتکاران بی پروا، می افزاید. این عمل، که با حمایت امرای ارتش و صد البته، دولت آمریکا، صورت می گیرد، خود نشان دیگری است از سطحی و شکننده بودن فضای دمکراتیک حاکم برای این کشور. این حرکات بیرونی بیانگر قدرت تعیین کننده ارتش ضد خلقی در

دولتی و بورژوازی بزرگ مدافع پینوشه، ارائه نموده است. بررسی این گزارش نشان میدهد که یکبار دیگر با اوج گیری مبارزات توده ای، بورژوازی بنده سازماندهی گروه های شبه نظامی و ویژه پرداخته است. گروههایی که می باید کارخانه گردی، محله گردی، بازداشتگاه های دسته جمعی و غیره را با آدم ربائی و کشتار غیر رسمی "تکمیل" کنند. اما این پدیده نوین تنها تا شیدی است براین واقعیت غیر قابل انکار که جز با اعمال قهر انقلابی توده ای نمی توان کار رژیم پینوشه را یکسره کرد. امری که صحت استراتژی نیروهای انقلابی چپ شیلی را نشان میدهد.

در این میان دستگاه کلیسای کاتولیک شیلی، این مدافع بی شرم کودتای ۱۹۷۳ پینوشه و "مخالف" امروزی، بار دیگر نقش مزورانه خود را بازی می کند: اسقف اعظم شیلی، علیرغم مخالفت افکار عمومی و سازمانهای پیشرو و انقلابی، مراسم دعای "روز ملی" را در حضور پینوشه و همدستان جلاش برگزار کرد و با این کار خشم

دنباله از صفحه ۸  
گزارش‌دهی ...

نشین با موفقیت به پیش رفت، اما عدم ارسال گزارشات وسیع و منظم به تناسب این استقرار نشان می‌دهد که نتایج فعالیت سازمان‌نگرانه مادر میان طبقه کارگر و توده‌ها هنوز با حد مطلوب فاصله دارد. بنابراین گام بعدی در سازماندهی گزارش‌دهی کمونیستی و سازمان‌نگرانه می‌باید نفوذ و تقویت هر چه بیشتر پیوندان با جنبش کارگری و توده‌ای باشد. از این طریق قادر خواهیم شد که گزارشاتمان را با فعالیت کمونیستی خود که حاکی از شرکت فعال و نقش موثر در سازماندهی و هدایت و رهبری مبارزات کارگری و توده‌ای است مضمون‌سازمان‌نگرانه و کمونیستی بدهیم. ارائه گزارشاتی محدود به گزارشات خبری از حرکات مهم کارگری و توده‌ای هر چند خود دارای اهمیت بسیاری است ولی نشان دهنده این مسئله نیز هست که ما در جریان رشد و تکوین این مبارزات نقش مهمی نداشته ایم. همان‌طور که حرکات و مبارزات کارگری و توده‌ای بیک بار شکل نمی‌گیرند و در بستری زمینه‌ای عینی از رشد مبارزه تکوین می‌پذیرند، که یک حرکت مشخص تنها بروز علنی و تظاهراتی و موقتی آنهاست، همین‌طور نیز گزارشات ما می‌باید با زتاب مداوم و نودرشد این مبارزات در محیط مشخص باشد و گذشته و حال این مبارزات را منعکس نموده و جهت فعالیت آینده و برنامه‌مان را روشن نماید.

گام بعدی در سازماندهی گزارش‌دهی آموزش‌گزارش‌نویسی و گزارش‌دهی کمونیستی و نظارت و کنترل دائمی برای پیشبرد این امر در فعالیت تشکیلاتی است. ما در مورد نحوه گزارش‌دهی و گزارش‌نویسی و اینکه یک گزارش می‌باید حاوی چه نکات و خصوصیات باشد در نوشته‌های بعدی در این زمینه خواهیم پرداخت. ولی آنچه که در این رابطه مورد نظر است، اینست که هم روابط تشکیلاتی و هم روابط توده‌ای را به ضرورت و اهمیت گزارش‌دهی منظم و دقیق از محیط کار روزندگی خود آموزش دهیم. ما می‌باید آفره سازماندهی گزارش‌دهی خود را از محدوده اعضا و هواداران خود خارج کرده و علاوه بر آموزش و تربیت اعضا و هواداران خود به عنوان گزارشگران کمونیست و خبرنگاران دائمی تشکیلات،

در جهت سازماندهی توده‌ای گزارش‌دهی حرکت کرده و قادر شویم تا نیروی وسیع توده‌ای از دوستان سازمان و همه عناصر انقلابی و کارگران پیشرو را برای گزارش‌دهی از اخبار روزمره از محیط کار و زندگی شان بخدمت بگیریم. علاوه بر نظارت و کنترل دائمی بر امر گزارش‌دهی و آموزش گزارش‌نویسی و نحوه ارسال آنها در روابط، کمیته‌ها و واحدهای سازمان می‌باید محورهای گزارشات مورد نظرشان را تنظیم نموده و بطور مرتب به روابط خود ارائه داده و خواهان ارسال منظم و روزمره گزارشات بر اساس محورهای تنظیم شده باشند.

در آخر این موضوع باید مورد تاکید قرار گیرد که هیچک از رفقا نباید هیچ‌خبر مربوط به مبارزات کارگران و زحمتکشان و همچنین خبر مربوط به زندگی آنها را بدیهی و پیش‌پا افتاده تلقی کنند. همه اخبار جنبش کارگری و توده‌ای و مربوط به شرایط زندگی مردم و همچنین کوچکترین گزارشات مربوط به جزئیات تجربیات سازماندهی و مشکلات و موانع در مقابل پیشبرد برنامه برای سازمان‌ارزی بسیار دارند. معمولاً اعضا و هواداران سازمان با این نظر نسبت به گزارش‌دهی خود که می‌باید گزارش‌تشان از محیط مشخص فعالیتشان با آگاهی کامل نسبت به جامعه ارائه شوند، یا از ارسال گزارشات خود که بنظرشان بدیهی و پیش‌پا افتاده می‌رسد خودداری میکنند، و یا گزارش‌های ارسال می‌دارند که صرفاً جنبه کلی‌گویی داشته و حاوی برخورد مشخص آنان نسبت به مسائل محیط مورد فعالیتشان نیست. در این رابطه باید بگوئیم همان‌طور که یک سازمان بدون گزارش‌دهی اعضا و هواداران خود که بی‌انگیزگی‌ها می‌تواند از آنان از محیط مشخص فعالیتشان می‌باشد، قادر به درک مسائل عمومی جامعه نخواهد بود همان‌طور نیز یک فرد تشکیلاتی بدون آگاهی عمومی تشکیلات که از طریق گوناگون در اختیار روی قرار می‌گیرد قادر به کسب آگاهی‌کامل از مسائل عمومی جامعه نخواهد بود، و از همین رو است که باید گزارش‌دهی بی‌امان را به عنصر حیاتی و لاینفک فعالیت تشکیلاتی خود تبدیل کنیم.

## اروگوئه

این کشورهای آمریکای لاتین است. عقب‌نشینی نظامیان از قدرت سیاسی رسمی به یادگانها بی‌چوجه بمعنای برقراری حکومت دمکراتیک و مردمی نیست و تنها بعزت و رشکستگی آشکار سیاسی و خرابکاریهای جبران‌ناپذیر اقتصادی و زورهای حاکم، این انتقال مسالمت‌آمیز دمکراتیک انجام پذیرفته است. دول جدید، که در اعطای عفو به شکنجه‌گران و جنایتکاران رزیم پیشین این چنین دست و دل باز هستند، از جانب دیگر در مقابل با اعتصابات کارگری و جنبش‌های دمکراتیک تردیدی در فراخواندن ارتش، اعمال حکومت نظامی (نمونه بولیوی و آرژانتین) به خود راه نمی‌دهند. این دورادگر کنش‌ها یکدیگر را گذارید تا از ماهیت قلابی و نا-بیکرایی "دمکراتها" برده بردارند. دمکراسی واقعی بدون تصفیه حساب با نهادهای سرکوبگر (ارتش، پلیس و سازمانهای امنیتی) ممکن نیست. این "تحول دمکراتیک" در آمریکای لاتین، درست همین نهادها را دست نخورده باقی گذاشته و حال نیز چنین امتیازاتی را بدانان عرضه می‌کند. دمکراسی واقعی بدون شرکت توده‌های کارگر و زحمتکش در دولت و بدون برقراری نهادهای توده‌ای دمکراتیک و اعمال حاکمیت از جانب آنان ممکن نیست. این درسی است که بررسی تحولات اخیر آمریکای لاتین نیز بر آن صحنه می‌گذارد. هر نوع دمکراسی غیر از این گروه‌گان و زورهای متحد امپریالیسم آمریکا است.

## شیلی

همگان را برانگیخت. اسقف‌ها، پپینوشه و یاران‌شان با هم دست‌به‌عبار داشتند تا شاید "نیروهای ما و راء الطبیعه" بتوانند کاری را که آنان قادر به انجامش نیستند به انجام برسانند و آن جلوگیری از انقلاب پرولتری است. انقلابی اجتماعی که مردم نزدیک‌تر میشود. شیلی آبیستن یک توفان توده‌ای است. توفانی که نه پپینوشه، نه کلیسا و نه بورژوازی قادر به جلوگیری از آن نیستند. پایداری و ادامه نبرد از جانب کارگران و تهیدستان شیلی، به رهبری سازمانهای چپ این کشور، شاهد این مدعا است.

**وقایع و حقایق**

**"عملیات کربلا" نیز به شمارش افتاد!**  
در صفحه ۳۱

**دمکراسی درون حکومتی نیز مضراست!**  
در صفحه ۳۰

**ارگانهای ضدکارگری به نام کارگران  
نماینده تعیین میکنند** در صفحه ۲۵  
**اخباری از کردستان قهرمان**

**پاسخ به نامه ها**

در صفحه ۲۷

**همگام با کارگران و زحمتکش  
جهان** در صفحه

• اروکوتنه • ترکیه • شیلی • آفریقای جنوبی

**برنامه آزمایشی**

**صدای کارگر**

**رادیوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)**

برنامه آزمایشی صدای کارگر هر شب در ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه روی موج کوتاه هردیف ۷۰ متر معادل ۴ مگاهرتز بمدت نیم ساعت پخش میگردد. این برنامه در ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار میشود.

ساعت و طول موج صدای کارگر را بخاطر بسپارید!  
زمان و طول موج صدای کارگر را به همگان بگوئید و در همه جا بنویسید!



**انفجار مین**

**در انفجار مین یک دستگاه زیل ارتشی حامل تانکر آب منهدم شده و یک نفر بهلاکت رسید**

شبانگه ۶۵/۶/۲ پیشرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در منطقه سردشت پس از شناسائی دقیق محور نظامی پایگاه دارمکون واقع در منطقه سوبسنی سردشت اقدام به یک رشته مین گذاری در این محور نمودند.

ساعت ۳ بعد از ظهر ۶۵/۶/۳ یک زیل ارتشی حامل تانکر آب بر روی یک مین رفته ، در اثر انفجار مین قسمت جلوی زیل بکلی منهدم شد و راننده آن دردم بهلاکت رسید.

سرتگون با درژیم جمهوری اسلامی ایران!  
برقرار با جمهوری دمکراتیک توده ای!  
پیروز با جنبش عادلانه خلق کیسرد!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

۶۵/۶/۲

**تذکره در مورد ارسال نامه ها**

به نشریه از داخل ایران  
نامه های که از داخل ایران مستقیماً به آدرس های علنی "راه کارگر" در خارج از کشور ارسال شوند، توسط پست رژیم ضبط می گردند. برای تماس با راه کارگر، نامه ها و گزارشات خود را به آدرس دوست یا آشنائی در خارج از کشور پست کنید و از او بخواهید آنها را به یکی از آدرس های نشریه در خارج از کشور پست کند.

**اعتصاب غذا در زندان اوین**

طبق خبر دریا فتی، اعتصاب غذای اسرای قهرمان بند زنان زندان اوین علیه آزار و شکنجه زندانیان و برای رسیدگی به خواسته های برحقشان از تاریخ یکشنبه ۶ مهرماه آغاز گردیده است. در اولین واکنش، مزدوران رژیم آب زندان را قطع کردند.

**CREDIT LYONNAIS  
MERCURE 808  
CPT.43956<sup>R</sup> HASSAN  
PARIS - FRANCE**

**آدرس در خارج از کشور**

فرانسه

**ALIZADI, BP195  
75564 PARIS-Cedex12  
France**

آلمان

**Postfach 650226  
1 BERLIN 65  
w.Germany**

**نان، صلح، آزادی، حکومت شورائی!**